

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
Iranische Bibliothek in Hannover
۱۳۵۹

بیکار

۲۸ صفحه
سال دوم - دوشنبه ۲ آذر ۱۳۵۹ بهای ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ و رادبوهای ضد انقلابی ۲۵ صفحه
- ماشالله قصاب، همکار و خلخالی!! ۲۵ صفحه
- مصاحبه با رفقا حسین رو و حانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) ۱۶ صفحه
- پیام شیخ عزالدین حسینی درباره برخورد آگاهانه ۵ صفحه
- به جنگ ایران و عراق ۱۸ صفحه
- پاسخ به نامه‌ها

پیام به توده‌های جنگ‌زده ایران و عراق

۱۲ صفحه

۲۳ صفحه

گرامی‌یای به خاطر هیکارگران شهید رفقا





حمیدرحمان پور



حسین نورانی



بهرام شاهوران



غلام سقا

سرمقاله

هویت حاکمه و اوجگیری جنگ قدرت

در هفت‌های اخیر در محو حاکم ایران و عراق، ما با اهداف فراسی در کربلا و سد یاسی بحران در درون هیت حاکمه بوده‌ایم. بالا کرمس اختلافات در راه دیونلو بیژون و کبار کذا شدتن اسرائیلیا رسوی جناح حزب جمهوری و مسابلا متضاد با اصطلاح "نار" فطرا در دو میلیسی اسلامی ارکانال دوم بلو بیژون و حمله سد آسپا به ح... ر جمهوری اسلامی و سردمداران آن . شش در صفحه ۲

صد و شصت و یکمین سالگشت تولد فردریش انگلس امورگار کبیر پروتاریا گرامی باد! ۱۳ صفحه

تلاش رژیم برای آزادی گروگانها

قافیه را بر روی نوینستنها و اپورتوینستنها تنگ می‌کنند ۹ صفحه

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم ۱۵ صفحه

ندیدن سوسیال امپریالیسم: نکته‌ای بس مهم در قضیه سعادت ۲۱ صفحه

عاشورا: نمونه‌ای از بخدمت گرفتن عزیز توده‌ها در جهت تخفیف تضادهای طبقاتی ۲۸ صفحه

روپز نوینستهای فدایی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی پرمیخیزند! مروری بر مبارزات کارگران چیتری و موضعگیری فدائیان (اکثریت) ۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

متغایبا دستگیری قطب زاده و رها کردن او پس از چند روز تحت فشار اسرائیل، نطق سیدالاحسن آیت الله خمینی در دیدار فارغ التحصیلان دوره دوم دانشکده افسری علیه اسرائیلها و دفاع از روحانیت و جناح حزب جمهوری اسلامی بطور تلویحی و در پیوستن حفظ وحدت و یکپارچگی و فردای آنروز در اجتماع عده ای از اهالی قسم برای اولین بار حمله کاملی ملاحظه کردیم اسرائیلها بعنوان دشمنان اسلام، روحانیت و جمهوری اسلامی و خط و نشان کشیدن برای آنها و دفاع صریح و آشکار از روحانیت و حزب جمهوری و سپس حمله عوامل حزب جمهوری به دفتر روزنامه میزان در روز تاسوعا و همانروز سخنرانی سستی در دانشگاه تهران و بی ساه دانستن آنها مانت جناح رقیب به حزب جمهوری اسلامی و دست آخر سخنرانی بنی صدر در میدان آزادی، در روز عاشورا و موضع تهاجمی او علیه حزب جمهوری اسلامی و بطور تلویحی علیه آیت الله خمینی... نمودهای بارزی از اختلافات عمیق و تضادهای ریشه دار در جناح هیئت حاکمه یعنی لبرالها و حزب جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد.

موضع تهاجمی بنی صدر در سخنرانی روز عاشورا و در مقابلها جناح رقیب قتل از هر چیز مبین آنست که لبرالها که مخصوص در دوره خبری از زمان نخست وزیری رحائی به ساطرفازسوی جناح رقیب و آیت الله خمینی تحت فشار قرار گرفته اند، تصمیم دارند تا در برابر حمله حزب جمهوری کوتاه نیامده و با دست زدن بک فساد حمله به تشکیلات موجودیت سیاسی خود و موافقت قدرتی که در اختیار دارند، دفاع نمایند، بلکه با تعرض و وسعت و گسترده تر، به کسب مواضع بیشتری در قدرت سیاسی نایل آیند.

نطق آیت الله خمینی در روز هشتم محرم و سخنرانی بنی صدر در روز عاشورا سبب نگرانی مسئله نیز هست که لبرالها و در رأس آنها بنی صدر اینها را در تعرض و تهاجم خود و تهاجم حزب جمهوری، بلکه شخص آیت الله را نیز که به صراحت از روحانیت و حزب جمهوری دفاع کرده است، مورد خطاب قرار داده اند و این همان ویژگی ای است که تعرض اخبار لبرالها را از حرکات فکری آنها متمایز ساخته و تضادهای در جناح هیئت حاکمه را در سطحی گسترده تر و عمیق تر به نمایش می گذارد.

در پاسخ به این سوال که چه عواملی باعث موجب تعرض و تهاجم وسیع لبرالها گشته، باید گفت که اولاً قدرت سیاسی روز افزون حزب جمهوری و در اختیار گرفتن دست نخست وزیری، برخی از وزارتخانه ها، اکثریت مجلس، شورای عالی قضائی و راديو و تلویزیون و کوشش این حزب برای محدود ساختن هر چه بیشتر قدرت جناح رقیب، لبرالها را در موقعیت خطرناک و در عین حال

حال تعیین کننده ای مرار بار داده است، بطوریکه با با بدت صراحت جناح مقابل پس به عتب نشینی داده و مواضع کلمدی قدرت را از دست ندهند که البته این معادل با مرگ سیاسی آنها خواهد بود، و با اینکه عوامل شرو مندی که در زیر سه آنها اشاره خواهد کرد، دست به تعرض متقابل زده و با تحکیم و بسط مواضع و موضعیت کنونی خود، زمینه دستسازي به مواضع جدید قدرت و تضعیف جناح رقیب را فراهم نمائند، لبرالها در این تعرض خود، آنطور که ظاهراً و در استنادی امر ممکن است تصور شود، آنقدرها هم بی گداریه آبد زنده اند و اگر هم نتوان به آن تمایز سیاسی نام نهاد، آنها سرگهای برنده ای را در این بازی در اختیار دارند که جناح رقیب، علیرغم توانائیهای بالفعل کنونی و در پشت سر داشتن حامی شرو مندی چون آیت الله خمینی، از دسترس چنین امکانات و بریگهای محروم است.

اسرائیلها قبیل از هر چیز تمکلی به ارتش و حمایت آن هستند، ارتش ایران که در اساس خود همان ارتش آریامهری سا همان سستم و همان فرماندهان نا هنسای است، بخوبی نشان داده که میتواند تقبل و بیس از همه در کنتر و بورژوازی لبرال قرار گرفته و بعنوان ارگان سرکوب بورژوازی، نقش خود را در حفظ و بقای سیستم سرمایه داری و وابسته و حاکمیت امپریالیستهای رایج ارتش ایفا کند. دفاع محبتگی و بی جون و جرای بنی صدر از ارتش و حمله و دست اندازی گروهها و نهادها که میکنند تضعیف آن سیردازند و موضع گیری فرماندهان ارتش به نفع بنی صدری، که هم اکنون ارتش میتواند در جنگ ایران و عراق داشته باشد، شانه هنده آنتست که بنی صدر را بن فد حمله خود، بر روی ارتش به عنوان یکی از سرگهای برنده خود حساب ساز میکنند و میدوایند راست تا در جنگ قدرت جناجهای رقیب از آن حدا کسرا ستفاده را ننمایند. عامل مل دیگری که بنی صدر و لبرالها روی آن حساب میکنند، بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا بدنبال تصمیم اخیر دولت مبنی بر آزاد ساختن گروگانها و در همین راستا ارسال سلاح و مهمات جنگی از سوی آمریکا به ایران و تقویت ارتش و امکان ادا مه جنگ با عراق و جلوگیری از شکست قطعی میباشند. اینها راتها نمی رفسنجانسی رئیس مجلس در مصاحبه اخیرش با روزنامه لیبنا نی "الفسیر" این مساله را بخوبی توضیح میدهد:

"ایران علیرغم تحریم صدور کالا از سوی آمریکا که از زمان گروگان گیری در سفارت آمریکا در تهران آغاز شد، همچنان اسلحه دریافت میکند." وی بدون آنکه توضیح دهد اینها راد است: "ما شروع به دریافت چیزهای مورد نیاز کرده ایم". (روزنامه مکبها ن ۲۵ آبانماه - تا کیدا زمان است.)

نقطه ایکی سوم لبرالها، توده های وسیع مردمی است که تا کنون و بطور روزمره از حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی کنسده شده و مناسفا نه مدلیل نبودند قطب و آلترنا تیو انقلابی، بنت سر لبرالها که میکوشند تا می تا با ما نییها و بدبخننها را سر حزب جمهوری و اعوان و انصارش خراب کنند، جمع میسوند. حمیت کسری که در سالگرد هفده سپهر و عا سواری اسال در میدان شهدا و آزادی سالی محب بنی صدر گرد آمدند و استقبال وسیعی که از او بعمل آوردند، و مضافاً حاکمیت و بسندانی سازمان ماهدین خلق از لبرالها و بنی صدر در مقامیهای افاقت و کاهش بد نظر فردان حزب جمهوری، میتواند سابه مهمی قابل اتکا ئی برای بنی صدر و طرفدارانش بوده و از آن بعنوان برگ برنده قابل اطمینان، در برابر حریف و رقیب خود استفاده نماید.

بهر حال آنچه که قطعی است و تا کنون صورت واقعیت بخود گرفته، تصمیم جدی هر دو جناح به حفظ مواضع قدرت و بسط و برای کسب مواضع جدید است. هر دو رقیب از این مساله بخوبی آگاهی دارند که هرگونه عقب نشینی، به معنی تضعیف قدرت خود و تقویت جناح مقابل است و از همین رو علیرغم نکات لغظتی آنها سر روی حفظ وحدت و آثار و عواقب ناشی از تقویت و اختلاف بویژه در شرایط جنگی (که البته این سبب چوجه بمعنی نا دیده گرفتن وحدت آنها در سرکوب جنبش و انقلاب نیست)، از هر مکان و ابزاری برای ابراز مخالفت و تعرض و حمله به یکدیگر و ادا شدن حریف به عقب نشینی استفاده میکنند. این جنگ قدرت در گذشته نیز وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت و اگر این درست است که بحران دریا نین، موجب بحران دریا لا میسود، بدون تردید فلاکت ناشی از جنگ و گسترش گران، فقر، بیکاری درمان توده ها و سرکوب باز هم بیشتر از ادبهای سیاسی از سوی رژیم و نتیجتاً شدت سیاسی بحران اقتصادی و سیاسی حاکمه، بمعنی شکاف هر چه بیشتر در میان و تا نیر متقابل آن دریا نین و نتیجتاً رشد و گسترش هر چه بیشتر جنبش توده ای خواهد بود. آنچه در این میان اهمیت دارد، کاروسیع آگاهانه در میان توده های زحمتکش و بویژه کارگران و ارتقاء و تشکل مبارزات آنان است. هم اکنون جنبش اعتراضی توده ها بویژه در میان آوارگان جنگ در حال شکل گرفتن است و این هنوز ابتدای کار است. تب جنگ ایران و عراق و حرارت ناشی از آن در نزد توده ها بتدریج فروکش میکند و سردی و فلاکت ناشی از این جنگ افزون بر بحران عمیق سیاسی و اقتصادی حاکمه که قبیل از جنگ وبدون آن نیز وجود داشته و خواهد داشت، جنبش اعتراضی توده ها را هر چه

بشبه در صفحه ۱۳

بصر قرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخراج ۱۲۶ نفر از
کارگران و کارمندان
صنایع فولاد اهواز:
"خیرات" جنگ ارتجاعی

رویزپوئیستهای فدائی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی برمیخیزند!

مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضعگیری فدائیان (اکثریت)

طبقه کارگران در طی مبارزات خلق که منجر به قیام مبین ما هوسرنگونی رژیم شاه نشین گردید، اگرچه از ستا در زمینه و اعمال رهبری خود بر جنبش، محروم بود، لیکن تحریباتی بس - گرانبها کسب نموده موجب عمیقتر شدن مبارزات کارگری گردید. یکی از این تحریبات که در اینجا سعی خواهیم کرد، به بررسی آن بپردازیم. مبارزات کارگران چیت ری بعد از قیام است. تجربه ای که رویزپوئیستیای "اکثریت" در به - اصطلاح تحلیل آن، ماهیت ضد کارگری و خائنانه خویش را بیش از پیش بر عیان نموده اند. فدائیان "اکثریت" که چالیوسی از سرمایه داران و رژیم مداخله را به پیشه خود قرار داده اند، در ایمن کارخانه به دفاع از کارکنان دولتی و ضد کارگری "بنیاد مستضعفین" پرداخته اند، آنها با شیوه ماکیا ولیستی به تحریف واقعیات پرداخته و از جمله رفقای ما را به دفاع از شورای ضد کارگری و کارفرمای سابق کارخانه متهم ساخته اند. سعی خواهیم کرد در روند بررسی این تحریک کارگری ماهیت ضد کارگری رویزپوئیستها را نشان دهیم.

۱ - تاریخچه مبارزات کارگران چیت ری بعد از قیام: نخستین اقدام انقلابی کارگران در اردیبهشت ۵۸ بود که طی آن کارگران، خشمگین از اقدامات ضد کارگری رئیس کارگزینی (خان محمدی) و رئیس نگهبانی (شرابی)، بطور دستجمعی به کارگزینی هجوم آورده و خان محمدی را که ظلمهای زیادی به کارگران کرده بود، بیرون انداخته و شرابی را هم دیگر به کارخانه راه ندادند. در این هنگام کارگران درگیر مسئله دیگری هم بودند و آن برگرداندن نماینده سابقان "منور سماواتی" به کارخانه بود. سماواتی کارگر با سابقه ای بود که حدود ۱۲ سال در کارخانه کار کرده بود. او که به همراه کارگران درس میخواند، بعد از گرفتن دیپلم، ارتقاء یافته و کارمند کارگزینی گردید. او درگیریهایی با برادران

کوری (کارفرمایان کارخانه) سرمنافعی کارگران داشت و در سال ۵۵ بوسیله سماواتی دستگیر و زندانی شده بود تا اینکه در جریان قیام آزاد گردید. این امر موجب افزایش شدید محبوبیت وی در میان کارگران شده بود و او زمین روتلاش میکرد و دستا او را برگردانند و موفق هم شدند. اما سماواتی بعد از ارتقاء موقعیت شغلیش به عنصری سازشکار مبدل گردید و حتی اختلافش با کورسها که منجر به زندانی شدنش گشته بود، عمدتاً جنبه شخصی داشت به همین دلیل بعد از برگشتن او به کارخانه، او و لیکن خواستهای که مطرح کرده بود گرفتن ۲۷۰۰۰۰ تومان غرامت دو سال سیکاریش بود. کارگران که شدیداً نسبت به وی توهم داشتند از خواست او پشتیبانی نمی کردند. تا اینکه سرانجام او پولش را گرفت و بعد از استخدا رسمی بعنوان رئیس شورای وقت (که شورایی فرمایشی مشکل از سرستان و سر - کارگران و عوامل کارفرما بود) بعد از قیام تشکیل شده بود، برگزیده شد. در چنین شرایطی بود که نیروی جدیدی از طرف دولت وارد کارخانه شد. این نیرو که "بنیاد مستضعفین" بود با ادعای ملی کردن کارخانه سعی کردند در میان کارگران نفوذ پیدا کنند. البته روشن است که اینگونه "ملی کردن"ها از جانب ارگانهای وابسته به رژیم ارتجاعی، بحزبان رویزپوئیستها (که آنرا اقدامی انقلابی میخوانند)، نمیتواند حمایت کارگران را جلب نماید. چرا که این "ملی کردن"ها در واقع حاجای شروت از حیط این دارودسته سرمایه داران به حیطه دارودسته دیگریست که قدرت را در دست دارد و چرا که این "ملی کردن"ها یعنی حفظ همان وابستگی به امپریالیسم.

"بنیاد برای پیشبرد منافع خود با مانعی چون شورا مواجه بود. شورا و در آن سماواتی که بدنبال منافع خرد بوده و ماهیتی ضد کارگری

نقیه در صفحه ۸

عوارض فلاکت با رننگ کنونی هر روز بیش از پیش گریبانگیر کارگران و زحمتکشان کشور - ما، بخصوص کارگران و زحمتکشان مناطق جنگی میشود. یکی از این عوارض بیکاری کارگران میباشد. بر اثر جنگ ایران و عراق عده زیادی از کارگران مناطق جنگ زده از کار بیکار شده اند، رژیم جمهوری اسلامی در این اوضاع و احوال شرایطی را مساعده نموده تا در کنار بازاری ارتش ضد خلقی و سرکوبی نیروهای انقلابی و کمونیست و سرکوب خلق کرد، دست به اخراج کارگران بزنند و هر کس راه هم که اعتراضی در این باره بکنند تحت عنوان "مدا انقلابی" و "ستون بنحدم دشمن" سرکوب نماید.

اخیراً در صنایع فولاد نیز شاهد پیاده شدن این سیاست از جانب ایادی رژیم جمهوری اسلامی هستیم. "بسیج جمعه اسلامی مجتمع فولاد" که از عناصر مزدور و مجتمع تشکیل شده است، اطلاعیه ای صادر میکند مبنی بر آنکه هر کس بیشتر از ۶ روز غیبت داشته باشد از کارخانه اخراج میگردد. در پی صدور این اطلاعیه در تاریخ ۱۲/۸/۵۹، ۱۲۶ نفر از کارگران و کارمندان شرکت ما نا و ذوب شماره ۱ را از کارخانه اخراج میکنند. در شرایطی که قحطی - گرانی بیش از پیش به کارگران و زحمتکشان فشار وارد میآورد و خانواده هایشان آوار گشته اند و خانه و کارشان نشانی ویران شده است، "بسیج مجتمع فولاد" یا همان مزدوران جمهوری اسلامی با اخراج عده ای از کارگران فشار وارد بر آنها را دوچندان کرده و آنها را در معرض فقر و فلاکت قرار داده است و ماهیت ضد کارگری خود را بنمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف ادعا میکند که بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان در این جنگ شرکت کرده است. اما از طرف دیگر با اخراج و بیکار کردن آنها، در عمل ثابت میکند که نه تنها بیکاری و گرسنگی هزاران کارگر و زحمتکش برای پیش کمترین ارزشی ندارد، بلکه این منافعی سرمایه داران است که با یستی بر آورده و حفظ شود.

کارگران مبارز!

مسلمانان آخرین اقدام برای اخراج کارگران مجتمع فولاد شمی باشد، بلکه در آینده ما با زهمشاهد اخراجهای وسیع دیگری هستیم که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بعلت ماهیت ضد خلقی اش و با استفاده از شرایط جنگ انجام

بقیه در صفحه ۷

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

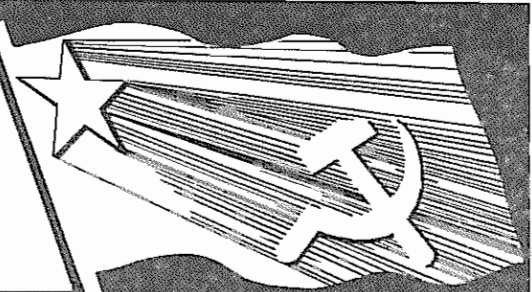
توانند با توده‌ها پیوندی انقلابی برقرار
نمایند، آنها رشتتیا نسبت به تبلیغ، در میان
توده‌های وسیع بی توجهند و یا تبلیغ را فقط
منحصراً فرسبش و توده‌ها میداند، آنها به کار
صورتانه تبلیغی برای آگاه کردن توده‌ها
اعتقادی ندارند، رفیق یوبان را در نظر بگیرند
چس اردوما هکا در کارخانه به آن نتیجه می‌رسد
که کارگران، لاسن هستند و بدرد نمی‌خورند،
آنها رشتتیا به افساگریهای سیاسی بعنوان یک
شرور برای فسخرچیان اعتقادی ندارند آنها
این حرف لاسن را بهیح می‌گیرند که:

"... افساگریهای سیاسی بخودی خود، یکی
از مسائل توانای مسلاسی ساختن رژیم
متخام، یکی از مسائل حد نمودن متفقین
تصادفی و موقتی از دشمن و یکی از
مسائل کاشتن تخم فاقی وعدم اعتماد
سن شرکت کنندگان دانشی حکومت مطلقه
است، در زمان ما حزبی مستواند سن آهنگ
قوای انقلابی گردد که بتواند موجبات
افساگریها را و اعاد در برابر عامه مردم
فراهم سازد. این واژه عامه مردم دارای
مضمون ساروسعی است." (جهما سکرده،
تاکسار خولین است.)

آنها رشتتیا از آنجا که به توده‌ها بعنوان
یگانه برپا دارندگان انقلاب اعتقادی ندارند
با به حلق توده‌های وسیع از طریق تبلیغات و
افساگریهای گسترده بی اعتناء هستند و یا زمانی
هم که دست به تبلیغات می‌زنند، از آنجا که روحیات
توده‌ها را در نظر نمی‌گیرند و بی نهایت زهای
اساسی آنها نمی‌سند، غا در به انطباق تبلیغاتشان
با توده‌ها نیستند، تبلیغاتشان آنقدر حسدا از
مسائل توده‌ها ست که نمیتوانند آنها در هم
آمیزد و یا چون میزان توهم و ناآگاهی توده‌ها را
در نظر نمی‌گیرند بصورت ناسانه‌ای در مساجد
توده‌ها راه اعمال عکس العملهای تندتری
می‌انگیزد. در این میان مستوان به مسال
استالسن در مورد تبلیغات فذتزار سخی از
پلسوبیکی "چپ رو" اشاره کرده‌های پیوند
با توده‌ها، از آنان دورتر میشدند و بحق لقب
ملغ نانی میگرفتند. انحراف "چپ" و انارشتی
در تبلیغ میتواند بصورت سرخورد "اکا دمیستی"
و روستفکرانه نیز جلوه‌گر شود که البته خودتاشه
عقب ماندگی تبلیغ نیز هست. مثلاً برخی
میتبکنگهای نیروهای کمونیستی در گذشته فاقد
خصلت توده‌گیری و انطباق با توده‌ها بود برخی
رفقا میتبکنگ تبلیغی را ساکلاسن مروحسن اشتاه
گرفته و با بیامهای طویل و غیر تبلیغی خویش
شرکت کنندگان در میتبکنگ را بدردمما وردند
انگاره نمخواستند به حزب توده‌های وسیع
میا درت کنند.

روبیونیستها توده‌ها را برای زاشده
ساختن بورژوازی میخواهند و تبلیغ را در این
جهت سازماندهی میکنند ولی آنها رشتتیا
تاملی به پیوند با توده‌های وسیع از خود نشان

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۶)

روبیونیست‌ها، انارشیست‌ها و آمیختن تبلیغ با توده‌های وسیع

آنان توند، در ۲۰ ماهه پس از قیام، مسالا
تلیغات فدا ثیان را بیکرید (حتی در همان
هنگام که هنوز روبروی سوست شده و انقلابی
سودند) آنها در سلسلغات خود تا حد کم کوسیدند
سلح آگاهیه توده‌ها را سرعلا میرا لیبمو
انرناغ ارتقاء بخشند. ناچه در وحیات توده‌ها
را بسودرنگونی سرما به داری واسته برمی -
انگختند. حتی محاهدین را که یک شرووی
انقلابی است، سگرید، آنها به تبلیغات بسیار
سفا داده و توده‌های وسیعی را نیز جذب کرده‌اند.
اما آنها با این توده‌ها حکر کرده‌اند، با آنها را
تا سرحد زحمکسان آگاه به منافع طبقاتی
و اغراض آموزش داده‌اند، آنها سرروحیات آتشی
توده‌ها دمیده‌اند، با سرعکس با تبلیغ صبر و
سکوت و نوسری خوری جلوی غلبان خسمت
سوده‌ها را نیز تا حدی گرفته‌اند، البته، ما تا آن
حدی که این نیروها در آگاهیه بخشیدن به توده‌ها
کوش کرده‌اند، ارج می‌گذاریم، اما مسئله اصلی
استحسان که آنها سسر به حزب توده‌ها توجه
دا سندنند تا انرناغ توده‌ها، روبرویونیستها درمان
توده‌ها دست به تبلیغات وسیع می‌زنند، اما نه
برای انقلاب، بلکه برای سوار شدن بر توده‌ها
و برای سدیل آنان به سره‌های را می در جهت
منافع خود، آنها از زمان توده‌ها، رهبران
مارزه طبقاتی را نیز سب نمکنند. تبلیغات
آنان توده‌ها را آموزش نمدهد و نسبت به
دشمنان سرزمی انگرد و آگاه نمکنند.
روبیونیستها ارمنافع توده‌ها حرکت نمکنند،
به بیانه توهم توده‌ها، برنا آگاهیه و روحیه
خود سوده‌ها دامن می‌زنند. علاوه بر این
روبیونیستها در تبلیغات خود به سرعقب مانده
نوده‌ها نگریده، سرمنای روحیات و ناسانه‌های
آنان سلسلعات خود را انجام میدهند، یک انحراف
روبیونیستی دیگر که بصورت اکونومسم خود را
سان میدهد، تبلیغات فقط درمان کارگران
و عدم پیوند با دیگر طبقات است و طبعی است که
اکونومسمتیا در همین سلسلعات نیز فقط به
مسائل اقتصادی توجه می‌کنند.

انارشیستها، به توده‌های نوجهند، در عبق
سوده‌ها ظاهر بسوز و کدازید، اما نمیدانند بیانیسمی -

گفتیم که با بدستوان ملغ، مروج و سازمان
- ده میان توده‌ها رفت، ویژگی تبلیغ و اینکه
نوان یک سازمان با حزب بستگی تام به نفوذ
ایدئولوژیک - سیاسی درمان توده‌ها -
وسیع دارد، اما از گفتم و ناکید کردیم که بدون
تبلیغات گسترده درمان توده‌ها، سخنی هم از
نفوذ گسترده درمان زحمکسان نمیتوان به
میان آورد. اکنون به انحرافات روبرویونیستی
و انارشیستی که در ارتباط با سوندنا توده‌ها،
مستوانند در تبلیغ رخ دهد، می‌پردازیم:

روبیونیست‌ها و دیگر سمنگان بورژوازی
نوجه ساری ساس اصل تبلیغ از خود نشان
میدهند، آنها همیشه میگویند با بدیمان توده‌ها
رفت، آنها خود را ملغ مئی توده‌های میدانند
اما آنها معتقد به مئی توده‌ای - انقلابی
در تبلیغ نیستند، آنها برای درآسختن ساسا
توده‌ها دنمال سست ترسن عواطف و عقب مانده -
ترسن بخش توده‌های امنند، آنها همواره
کمونیستها را از منفرد سدن از توده‌ها مترسانند
در حالیکه خود را بده‌های که بورژوازی درمان
توده‌های ناآگاه تبلیغ می‌کنند صجه می‌گذارند
میا دا توده‌ها بر میدا آنها برای استکدهال توده‌ها
را دست آورند، نقش سز اخشی را بازی میکنند
که در مقابل ناآگاهی، توهم و عقب ماندگی
توده‌ها، مدا مرسراطلامت تا سدن تان میدهد.
مثلاً در فرانسه و جمهوری اسلامی، روبرویونیستها
به بیانه حد نبودن از توده‌ها، رای آری را
تبلیغ کردند، آنها در حقیقت به بیانه
درآسختن با توده‌ها، به تبلیغ سماره‌های
بورژوازی که درمان توده‌ها طرفداران سست
می‌سدا افتند، روبرویونیستها از رشتن سمان
سوده‌ها، امندان به تعمر منحلالات ناآگاهی، توهم و
عواطف سست سوده‌ها را در نظر دارند، چرا که این
روحیات توده‌ها سن از همه بسودر رواجی است!
کمونیستها به میان سوده‌ها می‌روند ساسا
روحیات انقلابی را در آنان تقویت کنند، آنها
را آگاه کرده و ساسلم زحمکسان آگاه به منافع
طبقاتی خود، ارتقاء بخشند. در حالیکه
روبیونیستها در سلسلعات خود می‌کوسند از ارتقاء
روحیات آتشی توده‌ها جلوه‌گر شده و مانع آگاهی

خلق ها و مسئله ملی



پیام سید عزالدین حسینی درباره برخورد آگاهانه به جنگ

احسان سید عزالدین شخصیت ملی و مذهبی خلق کرد در باره موطئه های حیدر زیم ایران و عراقی ساسه های مادر کرده که در زیر قسمتی از آن را منتقل از خیرنا مه کومله شماره ۸۷ مورخه ۹ آبانماه مثل مکسم :
بیا ما موستا

ما موستا سید عزالدین با انسا را علامه ای در مورد رویدادهای روزهای اخیر بشمرگان جنبی مقاومت را دعوت نمود که با رفنا آگاهانه خود مصراوات عادلانه خلق کرد را همچنان با دورا ندینی وسیاست درست سش بیرند و بدین طریق با همه توطئه های رژیم ضد خلقی ایران به مقابله برخیزد. در اینجا به قسمتی از این پیام ما تاره میکنیم:

"...بیشمرگان قهرمان کردستان!
خلق ستم دیده و بیارز کرد!
در حالیکه آتش جنگ دولتهای ارتجاعی ایران و عراق روز بروز سیشتر جان و سامان خلقهای دو کشور را بگا مشعله های خانمانسوز خود میکشاند دولت جمهوری اسلامی ایران جنگ کردستان را بیش از پیش و در ابعاد خونین تری گسترش داده است هیات حاکمه ضد خلقی ایران، از

کتارا اهالی بیدفاع و ذوق و با سرسپهرهای ایران، بدست تحا و زکران بع عراق سانگ و فریا دیر میا ورد، تسلیمات گسترده براه می اندازد و سگات مکنده که حرا حها ن اسلام در مقابل این جنائات سکوت میکنند، اما در همان حال با نعره با نظامی جدید به شهرها و روستا های کردستان مدها نعره از مردم مسلمان کرد از جمله رنان و کودگان بیدفاع راه نشیاد رسانیده و دهها هزار نفر دیگر را آواره کرده است... آری! مصائبی که حکما بمعنی عراق به عنوان یک دولت میا حرا حری به مردم حرمسهر، آمانان، اهواز، درفول و دیگر سپهرهای ایران تحمل کرده است، با وحسگریانی که دولت جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور خود به هنگام اشغال خونین سنج، سقز، یانه، مریوان، میا ساد، و دیگر شهرهای کردستان مرتکب گردیده تها و تسی دارد؟ به گفته سدی:

بیری مال مسلمان و حوامالت ببرند
سانگ فرما دیر آری که مسلمانانی نیست؟
حرکات خونخوارانه هیات حاکمه در یکماه
اخیر در کردستان، نشان داده است که این رژیم

بقیه در صفحه ۶



اخباری از کردستان

اسامی شهدای کشتار ایندرفاقش

- ما خیر قتل عام فجع اهالی روستای اسدرفاق توسط با سداران را در پیگا شماره ۸۱ آوردیم. لیستی که در زیر ملاحظه میکنید با مسی قریبانیان جنایت فحیح میباشد:
- ۱- حاجی مصطفی وهنمان ۱۸- علی بابزید
 - ۲- حسن خدری حاجی ۱۹- اسراهیم پیرسالی
 - ۳- کریم سیدی ۲۰- مامرحیم
 - ۴- سلیمان کریمی سیدی ۲۱- محمد بره
 - ۵- علی فنبری ۲۲- دیوش محمدرسولی
 - ۶- خدری قنبری ۲۳- بابزید (اسماعیل)
 - ۷- حسن خدری ۲۴- بیگ (بیرخانه)
 - ۸- رسول سیدی ۲۵- حاجی خوسه
 - ۹- رحمان صوفی ۲۶- اسویگر خوسه
 - ۱۰- خسرو ماموسی ۲۷- عبداللهرسولی
 - ۱۱- سید علی حسینی ۲۸- مامعبدالله
 - ۱۲- کریم علائی ۲۹- پسر مامعبدالله
 - ۱۳- استاد حسین ۳۰- سید عسما ن
 - ۱۴- ایرج دریژی ۳۱- عسما ن دیواری
 - ۱۵- زبیده علائی ۳۲- عصمت محمد دشتی
 - ۱۶- محمود سیرونی ۳۳- بلال
 - ۱۷- محمدرسولی ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ - ناشناس
- درود بر شهدای جنس مقاومت خلق کرد!

انقلابیون سقز تظاهرات رژیم را به حرکتی بزرگ ارتجاع تبدیل کردند

سقز ۱۳/۸/۵۹

در این روز بدعت مزدوران رژیم جنایتکار و نیز فرماندار منفور سقز، قرا رشدا هیما ثی صورت گیر دنیروهای ضد خلقی به سبک قوانین آریا مهری طی ابلاغیه ای به تمام مسسداران ادارات و بازاریا را اعلام کرده بودند که آنها حتما در این تظاهرات شرکت کنند. اما دانش آموزان مبارز جوانان انقلابی شهر برنا مه ضد انقلابی مزدوران را به حرکتی بزرگ تبدیل کردند. دانش آموزان انقلابی بهنگام حرکت از مدارس خود به طرف محل تظاهرات، با نظمی انقلابی شروع بدادن شعار نمودند. آنها با دادن شعار - هائی از قبیل "هه بزی شورش موقا و مه تی خلکی کورد" (بیروز با دجنش مقاومت خلق کسورد) "سش مرگه نات به رزه دوژمن نه خا ته لهره" (بیشمرگه بلند آوازه ای، سمت پشت دشمن را به لرزه در میا ورد) و با خواندن سرود (شهر قیب) براستی که پشت دشمنان خلق کرد را بلرزهدر آوردند. در همین حین جوانان انقلابی

بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ انقلابیون ...

بلاکاردهای توهین آمیز نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد را با ره کردند، تظاهرات همخانان ادامه یافت. شعارهای انقلابی "محصل سرزمند، ارباب میباززد" فضای سهر و حبا با نیا را زیر حمله های خونین مزدوران رژیم پلرزده در آورده بود.

رزم از بریط و حشش نیروهای جانی و باسدار خود را برای سناسائی نیروهای انقلابی و دستگیری آنها سبب میکنند و عده ای از جوانان و مردم انقلابی سهر به توسط مزدوران دستگیر میشوند، به اس ترتیب بعد از مدتی با تسلط رژیم روحو تظاهرات، نیروهای انقلابی از صفوف تظاهرات خارج میشوند و فقط دار و دسته های مزدور در معیت حاشیا و باسداران در محل باقی میمانند. هم - جنبش خائنین به خلق یعنی سازمان جنگهای اکسپرت و حزب خائن توده نرزدست در دست فد خلق، فعالانه در تظاهرات فد انقلابی مزدوران شرکت میکنند. تظاهرات انقلابی اهالی مبارز سوز سوزه جوانان انقلابی تاسر عظیمی بر روحه مردم گذاشته و آنها را حرکت نیروهای انقلابی با آغوش باز استقبال نمودند آن روز مزدوم، در تمام نقاط شهر از تظاهرات و وحشت سی بان رژیم از همبستگی و سیوند آهنگین خلق کرد سخن میگفتند.

سرور با دجنش مقاومت خلق کرد!

بانه ۵۹/۸/۹
ضرب شست پیشمرگان قهرمان به ضد خلق

در اس روزی تونی که از سانه بظرف روستای "بویین" برای با اصطلاح ساکسای در حرکت بود مورد حملات سجا عه بیسمرگان قهرمان جنبی مقاومت قرار گرفت. در اس حمله عده ای از اجاشها و باسداران و ارتشیان به هلاکت رسیدند.

ارتش اردن در شهرهای کردستان عراق مستقر شد

نیروهای ارتش اردن وارد شهرهای کردستان عراق شدند.

طبق اخبار رسیده از کردستان عراق طی روزهای اخیر رژیم فاسستی بعث مונعبت خود را در شهرهای کردستان سوسله نیروهای ارتش مزدور اردن تقویت کرده است. قسمتی از اسن نیرو هم راه با عده ای حاش و دیگر نیروهای بعث عراق در سپر قلعه ده و هم اکنون در تدارک حمله - ای سوی بیگا های سشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق می باشند. رژیم بعث عراق با وجود آنکه در جنوب ایران وسیعاً درگیر جنگ است از حمله به نیروهای مبارز در کردستان عراق غافل نیست.

طی هفته های گذشته، دوبار سوی بیگا های پیشمرگان در سینی سیروی نمودند که هربا ربا مقاومت سر سختانه نیروهای اتحادیه میهنی روبرو گشته و با دادن عده زیادی کشته و زخمی، محبوره عقب نشینی گردید.

مختصری از اوضاع کردستان

کردستان قهرمان همخان در اثر محاصره اقتصادی در حال ابتلا به قحطی و گرسنگی تمام عمار است. روستا ها تحت شدیدترین فشار اقتصادی قرار دارند. در برخی از روستا ها مردم زحمتکش حتی از دستن نعت برای روشن نگه داشتن لامپ های خود در سها نیز محروم هستند. با سداران فخلق و جاسها از ورود رزاقی به روستا ها جلو گیری میکنند. خوری حاکی است که عده زیادی از منتضیان خدمت ۵۶ را به کردستان اعزام کرده اند و بخشی از آنها در سفر مستقر شده اند. در میان اس عده، کسانی نیز دیده شده اند که از سهرهای جنوبی کسور به کردستان اعزام شده اند بدین ترتیب رژیم ارتجاعی علیرغم جنگ بیسای عراق، لحظه ای از سرکوب خونین خلق کرد غافل نیست.

آموزش و سرورش کردستان نیز اعلام کرده است که تا با اصطلاح یا کسای و در حقیقت تصفیه انقلابیون از اذاره صورت نگیرد، مدارس ساز نخواهند شد. همچنین اخسار رژیم حقوق معلمین کردستان را که هنوز بیعت با زشتن تمام می مدارس سرکار سرنگشده اند، قطع کرده است و قرار است فقط حقوق آنها را بر پرداخت کند. در ضمن قرار است که اگر در خانواده ای دو نفر - کارمند یا معلم وجود داشته باشد، فقط حقوق یکی از آنها پرداخت کرده. با اس کار ارتجاعی حاکم علاوه بر سختتاری خلقی کرد، محاصره اقتصادی برای تا مین بود عده های نظامی خود پیش از اس این خلق زحمتکش را تحت فشار قرار میدهد.

پوزش

"ما حشم باز در افتخ خونین کردستان" خاطرات یک سرباز که ۱۳ قسمت آن در سیکارهای گذشته آمد از اس شماره قطع میشود و مجموعاً بصورت جزوه در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

بعثیه از صفحه ۷ اتحاد ...

مدیر عامل که حرکت کارگران و کارکنان مبارز اخراجی از یک طرف و پشتیبانی اکثریت کارگران از سها را دیده بود، مدبوحانه تلاش میکرد که به هر نحوی شده اس حرکت مبارزاتی را بخواباند. اس از مدتی حرو ببعث، مدیر عامل منوجه شد که نمیتواند به اس سادگی هانت پلید خود را عملی کند. در نتیجه مخفیانها خیر کردن سها - با سداران کارخانه فولاد سهر و زربن شهر، سعی در سرکوب اس مبارزه نمود. با سداران که تعداد آنها به ۲۵ نفر رسید پس از ورود به کارخانه استاده محاصره ساختمان مرکزی که کارگران و کارکنان اخراجی در آن بودند، دست زده و سبب تمام محیط کارخانه را به اشغال نظامی خود در آورده و اجازه خروج به هیچکس نمیدادند. تحت ترتیب اس عده به سرکوب و دستگیری کارگران اخراجی بپرداختند. آنها با لاجره ها زور سرنزده

بقیه از صفحه ۵ پیام ...

علیرغم گسرنس جنگ ایران و عراق و از دست دادن بخش سزرگی از خاک خود، هنوز هم سرکوب خلق کرد با تمام سسرتی میدهد. سنا به حد شد هبات خاکمه اس است که ما سهره گیری از جنگ با عراق، ضمن سرکوب مبارزات سراسری ایران برقراری خفقان فاسسینی در کسور و توطئه سگوت در مورد اخسار کردستان، اشغال خود، کار سرکوب خلقی کرد را، با تسدید فسا رنظامی و اقتصاد دی بکسره کند. ... سسمرگان دلبر و فدکار کردستان سما که تفنگ برودش و جان بکف، در راه بر افشار دفاع از خلق رنج دیده کرد قدم گذا رده اند و برای موی نکنند که همواره با سد ساست صحیح انقلابی بریفکنان حاکم باشد.

بنا بر اس، در اقدام به هر حرکت نظامی باید نتایج سیاسی آن را به حوسی ارزیابی کرده و آگاهانه به آن سرخوردنما شیم. اس رژیم با سار صلح و آشتی ندار و حاضر شده اند حتی نسبت سنا بر اس با سد صا رزه خود را مبارزه ای طولانی بدانند که تنها با اسکاء توده های مردم و سفاکاری و حاشای سفا فرزند ان خلق سسه سروزای خواهد رسید. در اس شرایط که سد سس خون گرگ هار دست به حمله میزند و مردم کردستان با رستگین سهادت عزیزان و سختی و مشقت خانه خرابی و آوارگی را تحمل میکنند، سرتما واحم است که سس از هر وقت دیگر، نگران حان وهستی مردم و همزمان خود با سد، زبر اس برای ادامه اس مبارزه سخت و طولانی ما با سد تلفسات و سراسیها را به حد اقل ممکن برسانیم.

در را ببله با مردم، به در داخل کردستان وجه در مورد خطقهای دیگران بر اس بخصوص مردم مناطق همسا به با بدظوری رفتار حسنه و انقلابی داشته ساید که آنها را هر روز سس از قتل به حقا شست مبارزه و آسند سبروز مندان مطمئن گردانند.

وز - سوا سسند کارخانه را "فتح" کرده و کارگران و کارکنان اخراجی را با ما شینهای خود سرنند. اس مطقی همه جوان طیفاتی است که در آن دولت به توسط ارکانهای سرکوبگر خود، منافع طیفات استشاری و رگور در اسنا منافع سربا به - داران و کارفرمایان را با سدارای میکنند. سس از اسکه کارگران اخراجی را در دادگاه زربن سهر زندانی میکنند، سوزور از آنها تعهد میگیرند که دیگر در جلو کارخانه تجمع نکنند و سس آنان را آزاد نمینما سند.

کارگران مبارز اس بیسهم که مدیر عامل سته در صفحه ۸



کارگران چیت ری با افزایش استثمار به بهانه جنگ مبارزه می کنند!

دری وقوع جنگ و خاموشی مداوم سعی کارخانها عملاً خواسته اندولی در بعضی کارخانها سمعت کارزبانان و وجود خاموشی در سماعت کارخانه سبب تبدیل شده است این موضوع خطرات فراوانی برای کارگران دارد، ولی سرمایه داران زالوصفت تر از آنند که بفکر کارگران باشند.

مهندس ترجمانی (*) نشانده "سنگد مسضعفین" (همه کارخانه حیرت ری) که به هیچ وجه حاضر به کم کردن ساعت کار نمی باشد، در سیپای اول جنگ بر اثر خا موشها صا رسانی به کارگران وارد آورد و سه شب در کارخانه بتربین زیر گذشت: از ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر، از ۲ تا ۱۰ شب و از ۱۱ شب تا ۶ صبح.

کارگران زن که به همراه کودکان خود به کارخانه می آیند، از این بابت نگران بودند، این فشارها باعث شده که کارگران بصورت گراکنده و چند نفری جلوی ترجمانی را گرفته و سبب اعتراض میکنند، مهندس ترجمانی در مقابل خواست آنها جواب سر بالا میداد و در جواب کارگرانی که گفته بودند: "مگر تولید فقط روی حیرت ری مبرخند؟" و "من که با همه کارخانها می آیم نمی توانم سب در تاریکی آنها را به خانه ببرم" گفته بود: "اگر ملا به من ربطی ندارد، شما کار کنید و بایده ۸ ساعت کار کنید."

کارگران نشاننده های خود را بجای این موضوع سخت فشار میدهند، بر اثر فشار کارگران، نماینده ها با مهندس ترجمانی حلتنه ای برای کم شدن ساعت کاری گذارند، ولی از آنجا که نمایندگان مدافع کارگران نبودند مثل همیشه با مهندس به توافق می رسیدند که کارگران بایده کار کنند.

کارگران خودشان دست به کار می شوند و شیفت دوم کارخانه را تعطیل میکنند، در این هنگام نگهبانان ناگاه جلوی خروج آنها را میگیرند، ولی کارگران که خم سر بای وجودشان را گرفته بود با عصبانیت داد میزنند: "نگذار همان بلایی که به سر ترجمانی در خواب آورده به سر تو هم بیاید و رسم" و با زور و فشار مقاومت نگهبانان را شکسته و روانه خانه هایشان میشوند.

فردای آنروز که ترجمانی از حرکت کارگران

(*) همان شخصی است که در روز تیر تیر سیپای اکثریت برای پیش سینه خاک کرده اند.

با حرم نبود، سوله ها سوسا ن خود و سر روی و سر لسی ار کارگران فعال اس حرمان میهنه میکنند. ۶ نفر اولی که در لیست قرار داده اند از فعال- برین کارگران در صا فدیگی ۲ هستند، اس- کارگران قدیمی میا سندودا رای بقوذریادی در کارگران هستند. وقتی خراج اس ان ۶ نفر به کوس بعه کارگران میرسد، دست به اعتصاب میزنند و سوا ماسینای با فندیگی ۲ را خاموش میکنند و همگی به طرف دفتر مهندس ترجمانی راه می افتند.

خواستهای آنها عبارت بود از:

- ۱- کم شدن ساعت کار
- ۲- برکناری احرار حیا به سر کار رودر غیرابمصرف اعتصاب ادا می خوا هندا ست.

.. ضمناً آنها متذکر شده اند تا سر آورده شدن خواست ها بیان به اعتصاب ادا می خوا هندا ست.

مهندس ترجمانی وقتی با این حرکت کارگران روبرو میشود، صا حدائی لرزان و رنگی بریده به آنها میگوید: اخراج آنها به شما هیچ ربطی ندارد؟! که یکی از کارگران زن در جواب میگوید: "به ما چه ربطی دارد؟ توجه حقی داری که آنها را بیرون می کنی با این خرج گران، با این فلاکت، توی این سرمای زمستان چه حقی داری که میرا در راهی ما را بیرون کردی؟ تا وقتی آنها به سر کار برنگردند، ما همه سر کار نخواهیم رفت!"

مهندس ترجمانی که برای مقاومت ندانست و حرکت متحدانه کارگران را شدیداً مجبور شد که کارگران اخراجی را به سر کار برنگردانند و از اخراج بقیه نیز برای مدت کوتاهی جسم شوند، و به این ترتیب کارگران را ردیگر صا مقاومت متحدانه خود، توانستند توطئه های سرمایه داران را نقش سر آب کنند.

حمایت پاسداران از مدیران و سرمایه داران

● اخراج کارگران مبارز از ایران کنف

جندی بیس صوفی املاشی مدیر عامل ایران کنف که از زمینداران بزرگ املاش نیز میباشد، اسامی ۷ نفر از کارگران سورا و سه تا مهندس را جلوی در کارخانه میزند تا از ورود آنها به کارخانه جلوگیری شود.

کارگران مبارز ایران کنف با اطلاع از این موضوع به حمایت از کارگران اخراجی پرداخته و صوفی املاشی را که قصد فرار داشت دستگیر و در مقابل تمام کارگران افشا و محاکمه میکنند، در اینجا صوفی مفتخر و وفادار گریسه کارگران میگوید:

"شورای شامفا انقلاب بوده و اخلاک راست و

بعضی از مضمحه ۳ اخراج ...

خواهد داد. و طبقه کارگران آگاه و مبارزان که ما هب اس حرکت مدکارگری رژیم خاکه را برای مبارک کارگران افشا نمایند و آسان راه معالیه اس موطه ها فراخوانند و همچنین ما هب اسجای اس جنگ، و غیره دلانه بودن آن را برای دیگر رفقای خود توضیح بدهد.

سفل از اعلامیه مورخ ۵۹/۸/۱۷ سازمان مبارک در راه آزادی طبقه کارگر حوزه آواز

اتحاد کارگران راه مقابله با توطئه اخراج کارگران مبارز "سیمان سپاهان"

جندی بیس ۳۰ اس ار کارگران و کارکنان کارخانه "سیمان سپاهان" اصفا ن "توسط کمیته "ساکاری"، این حمان سرکوب دولت مدکارگری حکم تعلیق کرده و در واقع اخراج مسود. این کمیته لیست اسمد با لاشی از ۱۳۰ نفر تهیه کرده بود و برای عوامرفی در بیس این عده که عمدتاً کارگران و کارکنان مبارز بودند، چندتن را از افراد معطوم الحال و فدکارگری حون امای ها و مرصوبی ها (که خود کارگران مبارز هم خواستار اخراجشان بودند) را نیز اخراج میکنند. این عمل مدکارگری مورد اعتراض کارگران فرار میگردد. از جمله کارگران منحد سیمان سپاهان اصفا ن "اعلامیه های اصکارانه در بین کارگران سخن میگویند که در زیره سمعی از یکی از اصفا ن اعلامیه ها را نقل میکنم:

"کارگران مبارز! حنا نکه اطلاع دارید صب رورسه ۲۶ مهر، کارگران و کارکنان اخراجی بدنال عدم قبول حکم تعلیق و از طریق ششپایی کارگران مبارز، وارد کارخانه شده و به دفتر مدیر عامل رسنه و خواستار لغو حکم تعلیق خود شدند. بشبه در صفحه ۶

علاوه بر اینها سورا در مصرف کاغذ زیاد روی کرده است و سردرود بیوا رهای کارخانه سورا سوشنه است و سوا توجه به اینکه آفای بنی صدر گفته سورای سورا، وجود این اخلاکگران هم در اینجا زیاد است."

صوفی میخواست با این حرفهای صدمن یک غا ز که هر روز رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داران تحویل کارگران میدهند، ذهن کارگران را منحرف سازد، اما کارگران مبارز ایران کنف زیر بار سفیه در صفحه ۸

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

نصفه از صفحه ۳ روزیونیسپا...

داسب، دریا فته بود که در مقابل "بنیاد" انحصار طلب، با کورسها میسر منشاوند کننا را آسوده حسب خود را برکنند. از آنجا بود که بتول معروف "دعوا سر لجات ملانصرالدین" شروع شد؛ از یک طرف سورا که به اسکا، توهم کارگران، استوانه نوده ای داسب و از طرف دیگر "بنیاد" که نفوذی در کارگران نداست و مبتکی سرازارهای سرکوب دولتی بود. بنیاد بدون توجه به نفوذ سماوانی از قدرت دولتی خود اسفا ده کرده سورا را منحل میکند. اس عمل موجب از ادا محسوس است سماوانی سورا میگرد. کارگران از اس عمل که نما بنده سان هم در ورسم تا وهم در اسن روسم موردی حرمتی فرا ریکرد، سخت خمیکن می شوند. از اسن اس اوضاع عادی کارخانه بهم می رسد و هر روز صدای اعتراض کارگران چه بصورت نردی و چه دستجمعی، بلند میشود. مخصوص کارگران سمت سافندی که منصور سماوانی سالها در آنجا کار کرده و سبیر سن نفوذ را داسب، هر روز دست از کار کشیده و با فربا ده ای "منصور - منصور" بظرف دفتر رئیس بنیاد (مهندس ترچمان) رفته و خواستار ادا مه کار سورا بودند. ترچمان که سه استدا در فریب کارگران "بی نحره" و در کار خود "نا وارد" بود، نمی توانست با سح کارگران را بدهد و توسل اوبه آوردن یک روحانی و سخنرانی در مورد افزایش تولید و... نیز، موسروا نضع نمی شد. تا آنکه ترچمان با کمک عده ای که سه اغلب تحصیل کرده بودند (مانند دا نجویان که سه فدکا زگری پلی تکنیک وابسته به انجمن سورا - های اسلامی)، به برنا مبرزی جهت نفوذ در میان کارگران پرداخت و افراد خود را سماان کارگران مفرستادند تا با ظاهری دوسانه خواهشهای کارگران را سثوال کرده و نظا هر کسند که گویا

سرچمان فصد رسد کی به آسپا را داد. در اسن میان کارگران جوان و نسبا آکا دکده به اسب صدکا زگری سورا و سماوانی بی سرده بودند. بدی نسبت به "سنا" دغا رسو هم کردند. از طرف دیگر روسونسنهای "اکرسی" نسر به اس سوهم دا من میردند. از آنجا بود که دودسکی در میان کارگران بوجود آمد که محرب در کرسیها سسی کردند؛ از جمله یک روز که عصب سافندی که کار را خوا با نده بود و با ترچمان صحبت سکردند. نا که اس عده ای ارکا کاران که اسرا جوان و سح - سال بودند با سار "سندوی - سندوی" (بعنی رای گیری محده او اورد سندن. در اسن حرسان در کرسی لفظی سن کارگران در گرفت. چند روز بعد سرچمان دستور دستگیری سماوانی را داد. بلافا صلا ابرام سلط که سه به کارخانه آمدند سماوانی و چند کار کرد بکر اسا خود سرتند. کارگران سحم آمده و بد فشر با لارفته شروع به اس اعتراض کردند. چند صفر که به اس اعصابی بودند، مخواستند که ترچمان را از طبقه دوم به پایین ساندازند که دیگران مانع شدند. همانجا کارگران منوجه حما قهایی شدند که بعدا معلوم شد ترچمان سرای اسفا ده طرفدا را سن جهت سرکوب کارگران، آ ما ده کرده بود. کارگران دیگر نکذا سندن ترچمان از اطاقن خارج شود و او را سگروکان گرفتند. گفتند تا وقتیکه سماوانی به کارخانه نرسد، ترچمان از اس بنا بیرون نرسود. در اسن هنگام اکسرا کارگران کار را تعطیل کرده و نظا ره گس جریان بودند. سن طرفدا را ن سورا و طرفدا را ن بنیاد، در کسری سیدی بوقوع می سونند که کار به جافو کسی و مضروب شدن چند نفر میکند. جریان گروگانگیری تا صبح فردای آسرو زاده ام داشت حتی حدود پنجاه نفر از کارگران با وجود استغرا ر کمیته و با سدا را ن در کارخانه حاضر به

سرک آنجا نده و سب را در کارخانه میمانند. بالاخره سرچمان حاضر سد سماوانی را آزاد کند به سرطی که در دم مرکز گری (که از کارخانه جدا بود) مستول سکا زگردد. کارگران مؤفنا موافقت کردند و لئی با ره مروی حواس با زکسب سماوانی به کارخانه سافاری مگردند و حجبی کارگران سب سافندی تک و غصب تکمیل، محدها به اس عصب سب ردت. اغلب سر سسپا ورثی سالنها که ما صعبان را در براب زکسب سماوانی میدهند. دا من رشده جریان بودند. در اسن هنگام بود که مسئله بظا لیه بود و سزا از طرف کلبه کارکنان مطرح میشود. بنیاد دیمکف "بول ندارسم، سواد ندارسم" ولی کارگران که نزدیک سدن عمد نوروز را میدهند، اس بول را سخواسنند. کارگران سمت سافندی در حواس با زکسب سماوانی و بودا حسب بود و سزا مطرح کرده به اس عصب سب دست ردت. مهندس ترچمان که در سکا عاصی شده بود حواس سرای همبسه کار سماوانی را بکسرده کند. لذا مدارکی جعلی درست کرد مبنی سربا و اکی سون سماوانی! و سرای تا شد آن سکمک طرف - دارا سن شروع به جمع آوری اسفاء نمود. در حین سراطی بود که صفت بند سها بتدریج مشخس میگردد بکطرف سنا دودا رود سها سن (والسند با سبیبانی روسونسنسهای (اکثرت!)، طرف دیگر طرف - دارا ن سر سب سماوانی که نعدا سان کم تنده بود، و با لخره اکثریت کارگران که هر چند سب ستر متمایل به سورا بودند، ولی مردد و متزلزل ماده فقط خواهشها سنا را مظلایه میکردند حال در حین سراطی با کنیک عنصر آگاه سه سبایست با شد با سبایش را بر علیه سنا د دفاع کرد با سالیس؟ با اینک سها بدهر دورا اسفا نمود و سرای رسدن کارگران به خواهشها سنا و ادا سه سرازه، راه سومی بیسنها دگرد؟ (ادا مه ارد)

بقیه از صفحه ۷ حمایت...

با تکسرمواسن فدکا زگری از بکطرف و دستگاه ها و نسر و های سرکوب کرد دولت جمهوری اسلامی و از جمله ساه سدا را ن از طرف دیگر، سعی در سرکوب اعتراضات و در نهایت سرازه ما سبرای جلوگیری از اخراج کارکنان و کارگران سراز اخراجی می سنا بد. بیسنیم که ما کارگران در مقابل سماماس فوانس، دستگا هیای سرکوبکر و انواع و اسام دستجات سدکا زگری، به یک جز سسنوانس نکه نماشیم و حفظ یک سلاح در دست داریم و آنهم انخا د کله کارگران سنا س، اتحادی که خواهد توانس از تمام اس بوطنه ها حلوکسری کرده و آنهارا درهم بکوبد. در اسان، اعلامه خواه سنا سب شکل جمع عمومی کارگر سان و کارکنان کارخانه ساسرکت اخراجهایده تا اسغای کمنه "ساکس"، مدبر عامل و سار عینا صود کارکر را محاکمه کنند و همچنین خواه سنا سزاکت کارگران و کارکنان اخراجی سبرکار گردید ساست، بیروزی سرانجام از آن کارگران و زمکنسان است! بیروزی سرانجام از آن کارگران و زمکنسان است!

بقیه از صفحه ۶ اتحاد...

حرفهای موفی فدکا زگرت رفته و یکی از کارگران در جواب او میگوید: "علت اخراج سورا ما آن جزئی نیست که سوسمکوسی، بلکه سورا ما سرای کرفسن ۴ نومان اما سه حقوق سارها با سماجلسه داسه اسب و سما سراطا اینکه سورا چی ما را می خوا سب نکرد آسپا را اخراج کرده اسد". موفی میگوید سها سار بوس سدرکار، سن ۴ سومان اسفا سه حقوق سنا را سده ما کارگران سمول مکرده و هم حمان اس عصاب میکند. سس سورا به موفی امسی احازه بیرون رفتن ارکا رخا سها را میدهد. موفی امسی فد کا زگرس سزاکسب به سها سدا را ن رفتند و با ۵ ما سن با سدا رویک سینی بوس به کارخانه سدی می آسب در ان سمولع دوبا ره کارگران جمع شده و یکی از کارگران سخنرانی میکند، که یکی از سدا را ن مزدور لوله سز ۳ خود را روی سهه و قرار داده و شه بدس میکند که اگر کلمه ای حرف سزنی سورا میکسم.

سس سدا را ن سربا به، سورا ی ۷ نفره کارگران و سه نفر مهندس را سوار ما سب کرده و سخواسنند آنها را بیرند که کارگران جلوی در صفت کسده و با مقاومت فخر ما سنا سنا سس سسوند که یکی از اسرا دا اخراجی سورا از کارگران می خوا هد که اجازه بدهند آنها را سرتند. سرا انجام کارگران سرازو قهرمان اسرا ن کنف راضی سده و آنها را سرتند. سبظما یکی از اسکالات کارا سن بود که سسپی - با سبست احاره بدهند که موفی املی فدکا زگرس از کارخانه بیرون سرتند و او نا آمدن با سدا را ن میبا سستی نگاه دارند و ما هت کسب او را سرای کارگران اسفا کنند. سبظما سن عمل سورا سشی از سدا سن اسما ن به قدرت کارگران و بکسری ساز سکار بیبا بوده اسب و در آخر هم سکا می که با سدا را ن سخواسنند آنها را سرتند، آنها سسی با سبب مانع سرازه کارگران سوسد. (سبفل اسسک حوکا شماره ۶)

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

تلاش رژیم برای آزادی گروگانها قافیه را بر رویونیستها و اپورتونیستها تنگ می کند

تلاش رژیم برای آزادی گروگانها، سوسیال شوینیستهای خجول فدائی (اکثریت) را بهوشاندن ماهیت امپریالیسم آمریکا و دفاع از این "اقدام انقلابی" جمهوری اسلامی میکشاند و اساس سناریوی خیالی رزمندگان و راه کارگرا که گویا امپریالیسم آمریکا با فروختن جنگ ایران و عراق میکوشد رژیم "مستقل" جمهوری اسلامی را سرنگون سازد. فرومیریزد و سوسیالیست شوینیستهای خجول ماراد چارمخمس می نماید.

همچنانکه تفسیر لانه جاسوسی، ماهیت واقعی بسیاری از سروها را که درس برده سارهای دروغی، خود را بسپان کرده بودند، نشان داد، تلاش رژیم برای آزادی گروگانها نیز مستقیماً سوسیالیستها و رویونیستها را موقع بازی می کند و عمق نادرستی ادعاهای آنها را آشکار می سازد.

سندیچ سفارت، آنچنان فداشایان را سه راست کشانگدس از مدتی (از کار ۵۹ به بعد) به قهر منقلب رویونیسم در غلطیدند، آنسان گروگانگیری و هابوهی محاکمه گروگانها و عدم سازش با امپریالیسم بر سر گروگانها را مبارزه صدامیربا نیستی نامیده، پشت کردن خود به آرمان برولتاریا را توجیه میکردند و اکنون کدیگر سطل سوخالی "سازش فدا امپریالیستی" رژیم ناره شده است، سگکارد با نفی آنچه که تا دیروز میگویند و مدح و ستای اقدامات رژیم در مورد آزادی گروگانها و عدم محاکمه آنان می بردارند و شرایط نازل مجلس و هابوهی بسا برای هیج جمهوری اسلامی را سرزوی بزرگ می نامند. رزمندگان و راه کارگرنیز به توجیه اپورتونیستی نظرات گذشته خود سرداخته و بسا لطافت الحاح میکوشد و رنگستی نیز "سرنگونی جمهوری اسلامی توسط آمریکا بعنوان هدف جنگ ایران و عراق" را بسوسا نند و برای نیل به این "مقصد" و چنانکه خواهد دید، از شیوه لغزشیدن میان نظرات ناسخ و منسوخ و حتی دروغ گفتن نیز با غی ندارند.

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) :

"صلاح مملکت خویش خسروان دانند!"

رویزیونیستها هیچ منطق و اصولی ندارند هدف آنها حفظ منافع بورروازی است و در این راه هر وسیله ای مجاز است، آنها آماده اند، آنچه را که امروز میگویند، فردا بس بگزنند ویر - فدای آن حرف بزنند، آنچه مطرح است - بورروازی است و آنها موظفند در هر لحظه اقدامات ارتجاعی بورروازی را به هزار رنگ بپارایند

حال اگر ساس بورروازی به مقتضای منافع هر روز عوض میشود، رویونیستهای سچاره که کماهی دارند که محبورند بسا ستهای خود را منطبق با آن تغییر دهند! مسئله گروگانها مسئله بسا ر حالنی است. فدائیان هوارها از آن معسوان دلسلی برای توجیه دناله روی خود از سرزوی سودمی هستند و دفاع "پیراهن عثمانی" در دست رویونیستها و اپورتونیستها برای محسبت مدعای "صدامیربا نیستی بودن رژیم" بودا ما اکنون که رژیم برای سازش با امپریالیسم آمریکا میکوشد گروگانها را آزاد کند، با زهم فدائیان با جمهوری اسلامی هم آوازند، هم گروگانگیری مبارزه فدا امپریالیستی است و هم آزادی گروگانها را برای پی حفر رویونا نه!، اصلا هر چه رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهد، انقلابی است، سارس علنی با امپریالیسم هم انقلابی است! بکمال جا روح حال دروغین فدا امپریالیستی بسا را انقلابی است! بس گرفتن همه قول و قرارهای رژیم بر سر گروگانگیری هم انقلابی است! وقتی بیک جریان رویونیستی بود، با بدکه ارتجاع را انقلاب حاسزند و سرای خوشا بند بورروازی، با بد هر چه انجام میدهد را مورد مدح و ستای قرار دهد، با ز محبوریم چکا بست کهنه سلطان و با دمجان را نقل کنیم سلطان کهنه بود و با دمجان میخورد، گفت با دمجان بسا رطفا م خوبی است، شا عرم تملق دربار که حاضر بود، شعر را در وصف این "میوه بهشتی" قی - الندا هه سرود، چون سلطان سیر شد و شکمش باد کرد گفت مزخرفترا ز با دمجان طعا مهیدا نمیشود. نا عرفی الندا هه اندر مضرات این طعا م شیطاننی اسباتی چند گفت سلطان گفت: این چه حکایتی است چرا اشعارت با هم متنقضی است، شا عیر منطبق که راستگور از رویونیستهای ما بسود گفت: برسان، من نوکر سلطانم، نه نوکر با دمجان فداسیان نیز نوکر جمهوری اسلامی هستند و چنین است که همه مدح گرفتن گروگانها می نشیند و هم در ستای آزادی گروگانها کا فدا سها میکنند، حبابا که در این میان به مدحی امپریالیسم آمریکا نیز بس نشینند ما به همه کساننی که هنوز در

نما فدا اند، رویونیستها نمیشوند - امپریالیست باسد، مطالعه کار ۸۳ را بسود میکنیم. فدائیان معتقدند که: "عبر غم برخی نازمانها و اینهاست، بصمات مجلس در باره گروگانها - مصالح انقلاب انطای دارد" آنها به ارمان مدافعانی "مجا هندن انقلاب اسلامی" و حجاب حردنه بورروائی مجلس که خواهان سکوت گذاردن رسیدگی به مسئله گروگانها بسودند و سرسی مسئله گروگانها را بسا را بسا با ساری سکا رسر مدنا نسند اعراس میکنند و مدعای ار سرور و آری لسرال و جناح بورروائی حرب حیوون کسد خواهان سرسی مسئله بسا را بسا با سوات بسودند برمی حبرند (گذسد ارا مل اطلی یعنی مدحی بورروازی، اس عمل بخاطر انطای خواست سوسال امپریالیسم بوررویم جمهوری اسلامی بر - سراتخا با کار بر بود.) رویونیستها در اس ارنباط مدعای ارکا رنرسر دا خنه و میکوبند: "این واقعب است که در هر حال حذب سدا ر انتخابات آمریکا بصمم گیری مند و حذبلس ار آن، روی موقعیت کاندیداها به بسکان با ستر نمی گذاشت بسا برای اسدلال کساننی که سکر می کنند ا گرتصمم گیری بعدا ز انتخابات آمریکا انجام میدند، هیچ ارتطای با مسئله انتخابات آمریکا سدا سبکرد، درست نیست چرا که در آن صورت حضا این تعویق عملا به سود ریکان یعنی نشا بسنده چنانکه رترین و مرتخ برین امپریالیستیهای آمریکا نی نما مسدوسروری اطلح و امنیب چنان را بطور حدی به مخاطره خواهد افکنند.

س اگر ریکان نما سنده مرتخ برین و خیانتکارترین امپریالیستهای آمریکا نیی است، لابدکار تر نما بسنده جناح "خوب" و "شر دوست" امپریالیستیهای آمریکا است ندس - ترنیب رویونیستها به مدحی حنا چهابی ار امپریالیسم آمریکا بردا خنه، در درون امپریالیسم نیز چنانچه ای مورد حمایت می بسا سندا حضا ت از کار تر لاید میکوشند جناح "خوب" را در درون امپریالیسم تقویت کنند! بس فدائیان چا سرت مجلس را بسعنوان سرزوی خلقهسای ایران معرفی میکنند، (ما در باره این چا سرت در باره ددا ستهای سیاسی بسکا ره ۸۰، سخن گفته ام برای مقایسه نظرات ما با دیدگا رویونیستها، آنرا با کار ۸۳ مقابله کنید.) ما فقط برای اینکد نشان دهم، چگونه رویونیستهای طرفدار سوسال امپریالیسم روس، نمی توانند ا امپریالیست با سندا تضادشان با امپریالیسم، از مقوله، وحدت و اتحاد چهابی امپریالیسم و سوسال امپریالیسم است و وحدت در مقابل انقلاب خلقها، و حده عمده، روابط میان امپریالیستها و سوسال امپریالیسم است، بیروزی بر امپریالیسم را از سدگاه

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

تلاش . . .

جانین اکبریت (عادلان) می آوریم:

"شرط اول بدون بردن رنطرسای حائز اهمیت فراوان است. اگر امر با لسم آمریکا اعلام کنند که "ا راس بن" دیگر در ایران در حال می کنند. اس یک نیروی سیاسی برای حسی - های غذا میرا لسی ایران و جپان خواهد بود (۱؟) و در فضای چهره منحا ورا میرا لسم جپانی با نری سراخواهد داد. اس (۱؟) خود سد محکومب امربا لسم خواهد بود. اس اعتراف خوده موضع دوسان و حاسونان امربا لسم آمریکا و لبرالیاثی که در کمین نسسه اندسا سرما ندهر هر مریسی: آب نظیر سرما میرا لسم آمریکا سر برسد. سخن آسب خواهد رساد." (انفا تا حران اعتراف امربا لسم به گنا هان را اولن - با رجات فظ راده لبرال امریکایی در ورای تا رجه علم کرد و حال عادلان خلق سزفب زاده را ضربه بر لبرالیا و امربا لسم جپانی و نیروی حنیسهای رها شنخس قلمدا دمکنند!) رویزونسستیای فدایی آب نظیر سر روی امربا لسم می رزنند و سکوندنا امربا لسم را عابدکنند و نیروی سرا میرا لسم را نهد - تا بودی ارتجاع داخلی (سرا به داری و اسنده، ارتش و دولت حای آن) بلکه قول و فرارهای امربا لسم در نندتن نسبت مداحی سورژوای ایران به نظیر امربا لسم آمریکا می اسامدوما هنت سورژوای عادلان بس از سین آشکارا میسود.

راه کارگر - آیا میتوان میچ اپورتونیستهارا بموقع گرفت؟

"با ردیگر سخنان ما ثابت با رووس با شد کردید که منگف مشکل است میچ بکنف سورژوای اپورتونیست را بوسله فرمول کریم، وی به آسانی میفرمولی را امضا، می کند و سه آسانی هم عقبت نسستی منماید. ز سر ا سورژوایسم همانا عبار با است ارتقدان اصول معین و است." (لنسن حها بد کرد منخبات آتاری کجلدی، صفحه ۱۴۶)

ما می آسکه سخوا هم در مورد سدکا هانجرافی راه کارگر سست به حاکمیت مسئله کروکا نیا و ... بر خورد کنیم انعکاس کونس ررسم برای آراد ی کروکا نیا را بر روی راه کارگرسان می دهیم. ساکد ما بر نشان دادن سرچورد سورژوایستی راه کارگر و رزمندگان بحاطرا نسبت که سکو شمننا حه حدیانه تطیلیا سان در مورد جنگ حسی برای خودسان نسز متزلزل است و در سر خوردن و اسعب، برای خاک با سدن به جسم هواداران صادق و افلاسان حها که نمیکند:

راه کارگر ۴۷ در آسان، هنگا می کند دیگر با رمن رجائی به نیویورک زد و بند رژیم امربا لسم آمریکا رسده است در سرچوردنا و معنی چون روروسن میگوید:

و عینی جنگ میان ایران و عراق با هجوم

و حسانه و همدا سبه عراق به حورسان، اسلام و کرمانسا هان آغا رسد، ما کفسم که آمریکا خواهد کوسد رهاهای باسی ارجک، سد بدحران اصنادی، هر سبه سرا مآ و رچک و سدا رده لوازم ندکی ارس کند سلاحهای آمریکا ثی میچراست برای به نواتی رسدن با جمهوری اسلامی و ار حمله برای آزادی کروکا نیا می حاسون اسفا ده کید." (با کیدا رما سب .)

اگر کسی راه کارگرهای سن از سر و حنک را نخوانده باشد، به اسگه راه کارگر ارسن ان و اصعب روروسن را حدس ردها سب، آفرس خواهد کف اما اگر خوانده باشد طعنا از اسگه سوهائی در درون حنن کمو شستی نا ان حدسوط کرده

لسم آمریکا موانع سابق را برای اقدام بر - بکوسی با حدی بر طرف سده می بسند و سراسر مخصی برای سربکوسی را با حدر با دی موجود و ا راسحاسب که برای سربکوسی رژیم اسلامی بلس می کند، امربا لسم آمریکا نکران آن است کدا کریمه موقع اقدام می کند. بی کفاسی حکومت اسلامی زمینه را برای قدرت گیری نیروهای انقلابی مستعد سازد. راه کارگر و سزه نا سده نحا و رعراقی شماره ۴۳، مقاله تریای دفاع ارسین" و ا: "با این مقدمات، سوطه امربا لسم آمریکا برای سربکوسی رژیم اسلامی کا ملا طبعی است. فقط کسان میسوانند از محومب امربا لسم با حکومت اسلامی سکف ردها سب سده تصاد

- رفقای راه کارگر هنگا می که تحلیلهای یک نیروی سیاسی در خدمت بورژوازی قرار گیرد شبهه های بورژوازی فریب تود هها را نیز بکار میگیرد و آماده است، خرفی را که در بورژوازی است، پس بگیرد این راهی که انتخاب کرده اید، اگر با آن مبارزه نشود انتهای تلخ چوون رویزونیستهای فدائی خواهد داشت. هشدار که خطر نزد یک است!
- این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب معلوب حمله کرده است امربا لسم در صد سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن حکومتی کارگزار برای سرکوب بلا واسطه انقلاب است. انقلاب در خطر است، بیا خیزید و بجنگید. ۱۰ ماه هنگا می که مسئله کروکا نیا پیش میاید و هواداران رزمندگان مانند همه تود ههای مردم بند و سست رژیم با امربا لسم را به میان میا هده می کنند. رزمندگان مانند کبک سرس را در بر ف میبرد و نغمه های دیگر ساز می کنند.

مناصع میان نیروهای ضد انقلابی بر اساس قابل درک با سد. (هانا ح) (همه تا کدها از ما سب .) ا راسن سف قولیا مسوان دهها مورد دیگر با صت. حرا که با سب ویا به تحلیل راه کارگر (و بر رزمندگان) در کسان سوده ها به جنگ همین تحلیل سودها سب. راه کارگر (و حاکم حوا هم دند، رزمندگان نس) می کوسد سدا نرسانندن سوده ها از حکومت حدسدی که کوسا امربا لسم در بی اسن جنگ می کوسد بر سر کار رسا ورد، سوده ها را سدننا له روی از جمهوری اسلامی سکاسد (ما سان خواهم داد که مدخلی حواندن جمهوری اسلامی در حرف، در عمل جلوی دفاع راه کارگر را ا بر روروی حاکم نکر سدها سب. حرا که مسان حرف و عمل سورژوایستی، فاطمه سارا سب .) اما اکنون که سدنوسسهای رژیم امربا لسم بر سر مسئله کروکا نیا آسکا رسده و رژیم حواهد حی از امرکا اسلحه بخرد (آنا جنگ با آمریکا، آنهم با اسلحه آمریکا ثی که امربا لسم سده ایران فرو خه ساد. هواداران رزمندگان و راه - کارگر را در مورد تحلیلهای سگرف آسان سده اند سیمی بر دوا سورژوایستی را سکا رس می کند: " نا کپان راه کارگر با فدای حی بحاف می کوبد تا ا راول کفسم که آمریکا در اسن جنگ سد سال نواتی با رژیم ایران است و ا راول کفسم که اسن جنگ با عب آزادی کروکا نیا مسود" (راه - کارگر شماره ۴۷) اما سسیم کما هس ا راسن راه کارگر سسی در شماره ۴۳ راه کارگر در مورد جنگ و کروکا نیا حه منگف:

اندکها در عکوشی و امعا، کردن هر فرسول و اسفدان اصول معین و با سب روروسن - رور ا سورژوایسمان با عمق می شخصد، حریاسف و حرکوس برای اسفا - اسن سورژوایستی کسار می بحواهد کرد.

اساس تحلیل راه کارگر در مورد عادلانسه داسن جنگ ایران عراق در سب خلاف آن حری اس که اکنون راه کارگر برای فرس هوا دارانسه به در و ع ادعا می کند. راه کارگر (و رزمندگان) سو و کرنا در دست گرفته و جنگ ایران و عراق را حرکی ارسوی امربا لسم آمریکا برای سرتگونی جمهوری اسلامی قلمدا د کرده سوندند. راه کارگر که بس ا راسن سبر در حنر ه سفا ده ای فاحس نطرات سورژوایستی خود کرا فتاده بود، سه صراحت می گفت:

"آمریکا امندوا ر بودا نظری سورژوا - لبرالیا، رهبران جمهوری اسلامی را رام کنند و سدر بچ راههای مناسب برای همکاری با جمهوری اسلامی را سدا کند. اما اکنون می سند که کما میهای امندوا رکننده ای در اسن سمت سر - داشته نشده است، آمریکا به نظری حاصر سده سوس س به اسفلال سیاسی ایران به ده که حکومت اسلامی با سپهر مندی از نعد توده ای حود سنجوی واقع سنا نه و با سرعتی مناسب با سراسر سرما به داری و اسسره را بحد سدا رمان سده دولی اسک می بسند که حکومت اسلامی سوانا ثی کافی و سرعت لازم برای اسحاماس کار را ندارد، و ا ر آساکه ما افراسن ناراضی مردم از حکومت، سعد سوده ای باسی سربصعف سدها سب، امربا -



تلاش ...

"جنگ ایران و عراق بی تردید بر مسئله گروگانها تا بیرخواهد گذشت، و این ظاهرا به نفع آمریکا نیست ولی حکومت آمریکا بیش از آنکه نگران سرنوشت گروگانهای آمریکا بی با سندنگران سرنوشت نفوذ خود در ایران است." (راهکار، رگ ۴۳)

یعنی جنگ چون خصومت امپریالیسم و رژیم ایران را افزایش میدهد، چرا که امپریالیسم سزعه راهکار گرمیخواهد رژیم ایران را سرتگون کند. پس بفتح آزادی گروگانها تنها نمیشود! با لشعب راهکار رگرا که از اول گفته بود جنگ گروگانها را آزاد میکند، اما اشتباه نکنید، این از اول گفتن هاما ننذا از اول گفتن حزب توده در مورد نزیه است. هنگام انتخاب نزیه لبرال به ریاست صنعت نفت حزب توده در مردم شماره خود به مدح و شنای اسن انشما بسجا و بموقع پرداخت و وقتی رژیم جمهوری اسلامی او را برکنار کرد، حزب توده فریاد برآورد که ما از اول گفته بودیم این لبرالها را نسا سده قدرت راه داد.

رفقای راهکارگر!

هنگامی که تحلیلهای یک نیروی سیاسی در خدمت بورژوازی قرار گیرد، شیوه های بورژوازی فریب توده ها را نیز بکار میگیرد و آماده است حرفی را که دیروز گفته، امروز بی یگردد این راهی که انتخاب کرده اید گریبان مبارزه نشود انتهای تلخ چون رویزیونیستهای فدائی خواهد داشت. هندا رکه خطر نزدیک است! در پایان یک سؤال از رفقای راهکارگر داریم: اگر به گفته راهکار رگ ۴۷ معتقد هستید و ایورتونیست و ابرای فریب هواداران انتسان نگفته اید، دیگر به چه علت جنگ ایران و عراق عادلانه است، شما تا کنون تحلیل میکردید چون امپریالیسم آمریکا میخواهد جمهوری اسلامی را سرتگون کند و چون جمهوری اسلامی بهتر از رژیم کارگزار امپریالیسم است، پس بایستی در این جنگ شرکت کرد رفقا پس اگر معتقدید آمریکا با رژیم ایران در صدد توافق است (و اینرا گویا از اول هم میگفتید!) پس پایه و اساس تمام تحلیل هایتان در مورد عادلانه دانستن این جنگ فرو ریخته است! راستی فردا اسن تحلیل فرو ریخته را چگونه رنگ و لعاب خواهید زد؟

رزمندگان و سیاست رویزیونیستی، تحلیل از واقعه ای تا واقعه ای دیگر

"سیاست رویزیونیستی عبارت از تعیین روش خود از واقعه ای تا واقعه دیگر تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تغییرات وارده در جزئیات سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی بیولتاریا و ... (لنینیسم - مارکسیسم و رویزیونیسم - منتخبات یک - حلدی - صفحه ۲۳)

تحلیل مادر مورده جنگ ایران و عراق از ابتدا

روشن بودحتگی ناعادلانه میان سرمایه داران حاکم بر دو کشور ایران و عراق سودا امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم از اسن جنگ را نیز در همه آنا خود شناسان داده ایم. (رجوع کنید به یادداشت های سیاسی بیکار ۷۵) اما با تقویت گرایش رویزیونیستی رزمندگان بعلت تندپیش جنگ، آنها نیز مانند راهکار گرحصیت از این کردند که امپریالیسم آمریکا با برافروختن آتش این جنگ قصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را دارد و بدین ترتیب "چون جمهوری اسلامی ارتجاعی است و چون حکومتی که آمریکا روی کار خواهد آورد، ارتجاعی تر، پس ما با سددرفیال ارتجاعی تر، خود را به کار ما ارتجاع سبنا ندازیم" (رجوع کنید به ضمیمه بیکار ۷۹، رزمندگان: مارکسیسم - رویزیونیسم)

ما بی آنکه بخواهیم بطور مطلق یک کودتای آمریکا را رد کنیم، گفته ایم که سیاست فعلی امپریالیسم آمریکا در واقع حمایت از لبرالها و تقویت جناح مورد نظر خود در هیئت حاکمه است. ما گفته ایم و میگوئیم که برای نیل به این مقصود امپریالیسم دست به فشارهای معینی میزند. اما گفته ایم و خواهم گفت که جنگ ایران و عراق ربطی به سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد و همان طور که در بیکار ۷۵ گفته ایم، تنها به تقویت جناح مورد نظر امپریالیسم مدد میرساند. اما رزمندگان تحلیل خود را بر این "تزار ستوار کرد که گویا امپریالیسم در صدد سرنگونی جمهوری اسلامی است، ضد انقلاب مغلوب در صدد حاکمیت دوباره است و مقوله ارتجاعی و ارتجاعی تر ... ما برای زیاد شدن مطلب فقط یک نقل قول رزمندگان را در این مورد می آوریم:

"جمهوری اسلامی... از آنجا که پایگاه مستقیم امپریالیستها نبوده و بویژه جناح خرده بورژوازی آن موافق حضور انحصارات در حاکمیت نیست، با حفظ همین ترکیب نمیتواند، منافع امپریالیسم را تا مین کرده و حفاظت از سیستم سرمایه داری و وابسته را بعهده بگیرد از این روست که امپریالیسم و عوامل مزدور و وابسته به آن و بورژوازی خارج از حکومت که ما آن را ضد انقلاب مغلوب میخواهیم، در صدد سرنگونی این حکومت و سرکوب مستقیم و بلاواسطه کارگران و زحمتکشانی می باشند." (رزمندگان شماره ۳۳، (تا کیده همه جا از ما است.) این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب مغلوب حمله کرده است امپریالیسم در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت کردن حکومتی کارگزار برای سرکوب بلاواسطه انقلاب است، انقلاب در خطر است. بسا خیزید و بجنگید. اما هنگامیکه مسئله گروگانها بین می آید و هواداران رزمندگان مانند همه توده های مردم بندوبست رژیم با امپریالیسم را بعیان مشاهده می کنند، رزمندگان مانند کبک سرش را در برف فرو می برد و نمغهای دیگر سا زمیکند:

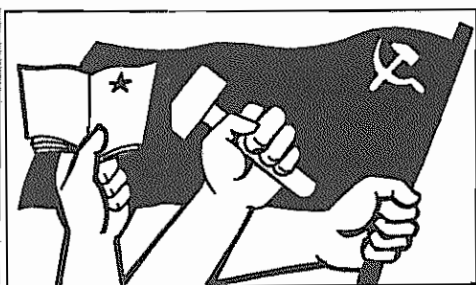
"آمریکا اگر تا کنون نتوانست رژیم حاکم را ساقط کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید،

اما ما در است که با استفاده از جنگ ایران و عراق و فشارهاهایی که این جنگ بر جنبه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید بدو انگاره تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت جنگ سعی نماید تا رژیم ایران را رام نماید. (رزمندگان شماره ۳۵)

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ناگهان به رام شدن جمهوری اسلامی بدل میگردد و رزمندگان عصبانی از اسن زش "خرده بورژوازی ضد خلق - ضد امپریالیست" فرمان افتادن خرده بورژوازی را بسرا شیب استحاله به بورژوازی مادر میکنند (رزمندگان شماره ۳۷). تا تزه های ورکسته رویزیونیستی اسن را نجات بخشد، رفقای رزمندگان! تحلیل کردن از این واقعه تا واقعه دیگر مرتب پوست عوض کردن و با هر تغییر جزئی در سیاست، تحلیل دیگر سا زکردن، عبارت از سیاست رویزیونیستی است. بطور شدت دیروز هدف جنگ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بود، ولی پس از تلاش رژیم برای آزادی گروگانها، سخن از رام شدن و توافق جمهوری اسلامی با آمریکا گردید؛ و از آن مهمتر، اگر واقعا اعتقاد دارید، امپریالیسم در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست و دیگر ضد انقلاب مغلوب نمی خواهد حاکم شود، این مسئله جهت گیری بر تحلیل جنگ شما میگذرد؟ اگر امپریالیسم رژیم میخواهد سنا زش کنند، پس جنگ ایران و عراق ادا مکدام سیاست است؟ و کمونیستها چه باید بکنند؟ رفقا اگر فردا با زخمه دیگری ساز نخواهید کرد تا به بورژوازی مددبرسانید و جنگ غیر عادلانه کنونی را بسود جمهوری اسلامی تبلیغ کنید و اگر به گفته خود در رزمندگان ۳۵ معتقدید، بنا بر این تمام گفته های پیشینتان باطل میشود و در این صورت شما باید سنا بگوئید چرا جنگ عادلانه است؟

رفقای رزمندگان!

بسمت ورطه خطرناکی حرکت میکنید، اتخاذ سیاست از این واقعه تا واقعه دیگر، تخرده بورژوازی ضد خلق، ضد امپریالیست، تزلزلات - تان در مقابل رویزیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و تزه های انحرافی تان در مقابل حاکمیت بسه تدریج شما را بسوی رویزیونیستهای خروشجفی میراند. تنها با طرد انقلابی این تزه های رویزیونیستی میتوانید، از سقوط خود جلو بگیرید.



پیام به نژاده‌های جنگ زده ایران و عراق

چگونه از دست دادن والدین و فرزندان و حتی خود، آوارگی، بیکاری و فلاکت خویش را به نفع نژادمان برای گسترش انقلاب زحمتکشان تبدیل کنیم!

زحمتکشان داغدار و جنگ زده ایران و عراق!

میدانیم که درسوک نشسته‌اید، میدا نیم‌که شما را درسوک نشانده‌اند، درسوک فرزندان بی گناهی که در جبهه‌های جنگ غیرعا دلانه از هر دو طرف کشته می‌شوند، درسوک کودکان و زنان و مردانی که در میمبارا آنها و به موک و توپ بستن شهرها و مناطق مسکونی توسط ارتشهای ضد خلقی دو کشور کشته می‌شوند، میدا نیم‌که آوارگی بی مسکنی، بی غذایی، بیماری توهین‌های مقامات ارتجاعی کشورها بیتا به توده‌های جنگ زده، بیکاری، گرانای و فلاکت چون کوهی بر سینه‌های استوارتان سنگینی میکند.

آری شما را به سوگ فرزندان نشانده‌اند پدرتان، همسرتان، مادرتان یا فرزندان را کشته‌اند، شما را به فلاکت گشاده اندوبه یک کلام، آسیا به جنگ غیرعا دلانه کنونی را با خون شما زحمتکشان گردانده‌اند و این تمام نصیب شما از این جنگ میان شما و ایران دو کشور است.

قرنهاست که آرا به جنگ توده‌ها را زیر خود له میکند، از هنگامیکه ما به طبقات استعمار گروا استعمار شونده تقسیم شد، جنگ نیز پدید آمد، اما با اینهمه ما کمونیستها با هر جنگی مخالف نیستیم. جنگها شئی هست که بر دگسان دهقانان، کارگران و زحمتکشان و توده‌های تحت ستم بر علیه برده‌داران، فئودالها، سرمایه‌داران و امپریالیسم برپا کرده‌اند و میکنند و جنگها شئی نیز هست که برده‌داران، فئودالها، سرمایه‌داران و امپریالیستها بر علیه هم‌راهی‌اندا زند، جنگ‌های نوع اول عا دلانه است و ما با تمام قوا در آن شرکت میکنیم، جنگهای نوع دوم ارتجاعی و غیرعا دلانه است، ما آنرا محکوم میکنیم، در جنگ‌های نوع اول زحمتکشان بر علیه ستم و استثمار و برای ورها شئی خود از قید طبقات استعمارگر می‌جنگند، چرا که بدون این جنگها، زحمتکشان نمی‌توانند دشمنان خود را نابود کنند، جنگ کارگران روسیه بر علیه سرمایه‌داران در ۱۹۱۷، جنگ خلقهای چین، ویتنام، آلبانی، کره و... بر علیه امپریالیسم مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم قیام‌خونین بهمن ۵۷ علیه شاه‌ها شئی و امپریالیسم آمریکا و جنبش‌های مقاومت مسلحانه خلق کرد ایران بر علیه جمهوری

اسلامی و خلق کرد عراق بر علیه رژیم بعث عراق از این جمله‌اند. اما جنگهای نوع دوم برای منافع سرمایه‌داران و طبقات استعمارگر انجام میگیرد، مانند جنگهای پادشاهان ایران و روم لشکر کشی ایران به هند، جنگهای طبیبی جنگ‌های پادشاهان اروپا با یکدیگر، جنگ جهانی اول، هندو با کستان، ترکیه و یونان، سومالی و اسیوی، عراق و سوریه و... همینطور جنگ ایران و عراق در این جنگها زحمتکشان این کشورها در جهت منافع سرمایه‌داران کشور خود به‌گوشتم‌توپ تبدیل میشوند.

سرمایه‌داران دو کشور ایران و عراق برای منحرف کردن مبارزات توده‌ها نشان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم، برای توسعه طلبی یکی برای ایجاد عراق بزرگ و دیگری برای صدور انقلاب اسلامی، یکی برای صدور ارتجاع بعثیسم و دیگری برای صدور به اصطلاح انقلاب اسلامی یکی برای لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که شاه‌خائن به زور به عراق تحمیل کرده بود و دیگری برای حفظ امتیازاتی که شاه گرفته بود و خلاصه برای حفظ منافع سرمایه‌داران دو کشور، جنگی ارتجاعی برپا انداخته‌اند که سودش به جیب امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم می‌رود که سلاحهای گرانقیمت خود را به قیمت غارت بیشتر زحمتکشان به این دولت‌ها بفروشد و با تقویت جناحهای مورد نظرشان در این دولت‌ها، آنها را بیشتر و بیشتر بخود وابسته سازند و دودش بسسه چشمان توده‌های تحت ستمان می‌رود که با بسد با رستگین کشتارها و گرانای و فلاکت بیش از پیش را به دوش بکشند.

زحمتکشان دو کشور ایران و جنگی را می‌بردارند که دادا مه‌سایتهای پیشین طبقات سرمایه‌دار ایران و عراق است، سیاستهای ارتجاعی که پیش از جنگ نیز در جهت منافع امپریالیسم بود و اکنون نیز به نفع زحمتکشان است در دادا مه همان سیاستهای پیشین بر علیه زحمتکشان، کارگرانی که تا دیروز بشدت استعمار میشدند، امروز کشته می‌شوند، پیش از جنگ زحمتکشان در کارخانه‌ها و مزارع برای سرمایه‌داران حاکم بر دو کشور جان می‌کندند، اکنون در جبهه‌ها جان میدهند، تا دیروز در کارخانه‌ها تفنگ و فشنگ می‌ساختند و امروز از بر سینه برادران و طبقاتشان خالی میکنند.

این جنگ جدید بختی و فلاکت برای شما بسه ارمان شما و نیاورده است، کارگران به بیانه جنگ به افزایش تولید، یعنی افزایش استعمار دعوت میشوند، حو خفان و سرکوب زحمتکشان و انقلابیون در دو کشور تسدید شده است، با رستگین خوب تسلیحات نظامی بردوش زحمتکشان دو کشور قرار داده‌اند و حیره‌سندی مواد غذایی و سوخت، گرانای بیش از حد بنزین و کالاهای اولیه زندگی، در زمستان سرد آینه سرما، گرانای، فقر و فلاکت بیشتری را به زحمتکشان، تحمیل خواهد کرد.

زحمتکشان ایران و عراق!

بازماندگان و خانواده‌های قربانیان جنگ!

قاتلان فرزندان شما در جبهه‌های جنگ، سرمایه‌داران حاکم بر کشورتان هستند، کشتار کنندگان و عا ملین اصلی مرگ توده‌ها در شهرها و دهات بعلت بمبارانها و به توپ بستنها، کسانی هستند که این جنگ را بسودا میریالیسم برافروخته‌اند، یعنی رژیم‌های ضد خلقی بعث عراق و جمهوری اسلامی ایران، عا مل اصلی آوارگی و از هستی ساقط شدن شما، بیماری، بی مسکنی و مرگ و میر فرزندان شما، دولت‌های حاکم بر ایران و عراقند.

جمهوری اسلامی مناطق مسکونی عراق را بمباران میکنند و زحمتکشان عراق را میکشد و رژیم بعث عراق، خوزستان، غرب کشور و سایر نقاط را با خاک و خون میکشد، این دود دولت، جلادان خلقهای کشور خود و کشور دیگرند.

نفرت خود از این جنگ و از عا ملان این جنگ را به صورت نیروئی در جهت سرنگونی سرمایه‌داری وابسته در کشور خود در آوریم، غم‌زدست دادن فرزندان و والدین و هستی خود، آوارگی بیکاری و فلاکت خویش را به نفع زحمتکشان تبدیل کنیم.

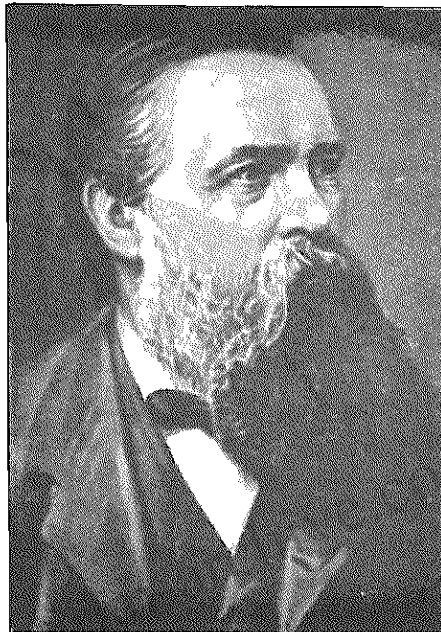
فریاد خود را بر علیه این جنگ ارتجاعی بلندتر کنیم، دولت‌های سرمایه‌داری ایران و عراق، این عا ملین جنگ ارتجاعی را نسزد توده‌ها بیشتر و بیشتر ا قشاک کنیم، جنبش اعتراضی بر علیه این جنگ ارتجاعی و عا ملین آنرا تدارک ببینیم در جنبش آوارگان جنگ برای بهبود وضع زندگی فعالانه شرکت کنیم، جنبش اعتراضی بر علیه گرانای، بیکاری و فلاکت بیش از پیش زحمتکشان را تدارک ببینیم مبارزه علیه جنگ ارتجاعی را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به خلقهای ایران و عراق با طرا زده ستادان هزاران فرزندان تسلیت میگوید و تاپای جان در جهت منافع زحمتکشان به افشای جنگ ارتجاعی کنونی و عا ملین آن به نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسم می‌پردازد.

بقیه در صفحه ۲۴

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

صد و شصت و یکمین سالگشت تولد فریدریش انگلس آموزگار کبیر پرولتاریا گرامی باد!

۱۸۹۵-۱۸۲۰



روز ۲ آذر (۲۸ نوامبر) مصادف است با یکصد و شصت و یکمین سالگشت تولد یکی از بنیان گذاران سوسیالیسم علمی:

فریدریش انگلس بیش از یک قرن و نیم جنبش کارگری - کمونیستی جهان با نام او مترادف است و نین کبیر حق داشت که او را "موزگار پرولتاریا" بنامد، انگلس همراه با کارل مارکس بنیانگذار فلسفه علمی تحسول شگرفی را در روند مبارزه طبقاتی پرولتاریا بوجود آوردند.

انگلس با تفاق مارکس سوسیالیسم علمی را بنیان نهاد و نشان داد که با "آ" یا بدحسب علم رفتار نکرد. او با آثار فلسفی خود ضربات مهلکی بر پایه آلیسم حاکم بر جنبش کارگری و آثار دانشمندان بورژوازی و "رهبران بورژوازی" جنبش کارگری اروپا در آن زمان وارد ساخت انگلس با کتاب "آنتی دورینگ" زرفی ما تریالیسم دیاکتیک را نمایانتر ساخته و راهنمای جدیدی در برابر کارگران، روشنفکران پرولتری قرار داد، او مارکس سوسیالیسم را از تخیل به علم تکامل بخشید و آن را جراحی را هنمای پرولتاریای جهان در نبرد تاریخی - شان با سرمایه داری تبدیل کردند. انگلس به کارگران سراسر جهان آموخت که برای پیروزی بر سرمایه داران زالوصفت، باید سوسیالیسم علمی را فراگیرند و خود با آثار متعددش ستاره راهنمای آموزش پرولتاریا گشت. انگلس همزمان کبیر مارکس در کنار رفیقش تدوین کننده بنیان سجز اساسی مارکسیسم، فلسفه، اقتصاد و مبارزه طبقاتی است.

اهمیت نقش انگلس در جنبش کارگری و کمونیستی جهان فقط به حیثه تئوریک و تدوین

مباسبه، برای نشان دادن چهره انگلس بعنوان یک انقلابی بر شوریه نقش رهبری کننده اس در انقلاب آلمان اشاره میکنیم.

هنکا میکه آتش انقلاب ۱۸۴۹ در آلمان شعله ورمیکشت انگلس را رکن درکنا مارکسیست - های انقلابی آلمان روزنامه "رابن جدید" را منتشر میساختند. هنکا میکه نیردمسین کننده در بهار ۱۸۴۹ نزدیک گردید، لحن روزنامه در هر شماره خشن تر و هیجان انگیزتر شد و آنها بیس بیس موردشماجم "امپراطوری" قرار گرفتند و بمقابله برداختند:

"در خارج و در داخل امپراطوری" این تعجب ابراز میگشت که ما چگونه در درون یک قلعه بروسی در جاه اول، در مقابل یک یادگان هشت هزار نفری و در روی با سگاه ایمن چنین خون سرد فعلی خود را دادا ما میدادیم لیکن با توجه به هشت تفنگ و سرنیزه و ۲۵۰ فسنگ در اطاق هئیت تحریریه، و کلاه قرمز ژاکوبینی حروف چینی ها، افسران عمارت ما را نیز دژی میشناختند که ما تردستی قابل تسخیر نبود." (انگلس: "مارکس و روزنامه رابن جدید")

بنابراین نوشته لنین، انگلس سه بار با رجا نیاژانه در صف اول نبردهای خیابانی درکنا پرولتاریا شرکت کرد و نشان داد که رهبران پرولتاریا نه فقط تدوین کنندگان تئوری عملی انقلاب بلکه بیشتازان حیثه نیرد نیز هستند.

امروزه که مارکسیسم لنینیسم تحت یورش - های رویزیونیستها (از سوسیال امپریالیستهای روسی گرفته تا مرتدان رویزیونیست "سه جانی") و اپورتونیستها قرار گرفته، بکارگیری درس - های ارزنده انگلس، این آموزگار کبیر پرولتاریای سراسر جهان، اهمیت بسزائی در پالایش اندیشه های نیروهای کمونیستی و کارگری از هرگونه انحراف و رویزیونیسم و اپورتونیسم در جلوه های مختلف بروز آنها دارد. بزرگداشت واقعی انگلس، آموزش مارکسیسم لنینیسم انقلابی و بکار بستن درس - های ارزنده این رهبر جنبش کمونیستی جهانی است. ■

آثار فلسفی و جمع بندی مبارزه طبقاتی محدود نمی شود. انگلس درکنا رهبر جنبش کارگری و بنیانگذار انترناسیونال اول و نیز چندین حزب پرولتاریا - یایی در اروپا بود. انگلس نه تنها بک تئوریسین برجسته، بلکه یک سازمانده و انقلابی پرشوری بود که از این کشور به کشور دیگر تبعید میشد و با زدر همه جا بذرا انقلاب میکاشت. از درون جنبش توده ها، انقلاب را رهبری میکرد و دستاورد - های شکست ها و پیروزی ها را با تکیه بر سوسیالیسم علمی برای کارگران جهان فرموله میکرد. او امروز همین تجربیات و آثار است که راهنمای انقلابهای پرولتری در سراسر جهان

بقیه از صفحه ۱۹ پاسخ ...

رفیق طراح م-۹۲ از کرج

دو طرحی که فرستاده اید، از نقطه نظر مواضع سازمان در تبال جنگ موفق بود، اما از لحاظ تکنیکی اشکالاتی داشت که کار بیشتر در جهت واقع گرابی تصویرها را از جانب تو غلب میکند. طرح شماره ۱ که خلقهای عراق و ایران را بنکل خرج اسلحه تنها حمی رژیمهای دوکشور در جنگ غیرمادلانه (گوشت دم توب بودن خلقهای دوکشور) نشان میداد موفق بود. طرح شماره ۲ خصوصیات سرمایه داران دوکشور از نظر تصویری نشان نمیداد که باید از علاقمندی تصویری از قبیل پرچم، لباس یا نوشته ... در

جهت نشان دادن آنها بهره برد.

باز هم برای ما طرح فرستاده - به واقع گرابی از نظر تصور توجه کنید. موفق باشید!

* - نام کلیه رفقای که اسم آنها را در زیر می - آوریم، بدستمان رسیده، با تشکر از شما می آنها نظرات، پیشنهادات و انتقاداتشان را مورد توجه قرار خواهیم داد:

- رفقا: س، ج از تهران - ص، د از تهران - نیما پ. ب. دانش آموز - ن، الف - ن - م، ی - رفقای گود - ب - م - ۲۵ - الف - ع، هاهواز - ج - رفیق کشا و زالف - ورامین - س - م از

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله ...

بیشتر دان خوا هدد. زمستان سردا سال، مسا شاد شعله های فروزان و گرما زای جنبش توده های خوا هیم بود، بکوشیم تا نقش بسزوانه خویش را در برافروختن این شعله ها و گسترش آن، بلنوبک - و ا را بقا نمائیم! ■

کمکهای مالی دریافت شده

بهران: سوسپر:	ک	ک	کارآمد
۶۶۰۰	۱۱۷۰۰	۴۵۰۰	۵۵۰۰
۵۰۰۰	۷۰۰۰	۶۲۰۰	۹۰۰۰
۸۰۰۰	۵۹۰۰	۱۲۰۰۰	۹۰۰۰
۱۳۳۰۰	۱۳۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰
۱۳۰۰۰	۲۶۰۰	۲۵۰۰	۲۳۰۰۰
۱۳۵۰۰	۱۱۳۰۰	۶۵۰۰	۶۱۰۱۰
۷۸۰۰	۶۸۰۰	۱۱۲۶۰	۶۴۰۰
۶۳۰۰	۱۱۰۰۰	۲۰۰۰	۱۹۰۰
۱۵۵۰۰	۱۱۰۰۰	۱۰۹۰۰	۱۹۰۰
۱۲۲۰۰	۱۲۶۰۰	۱۹۰۰	
۳۲۹۹۰	۸۸۰۰		

رفقای که بدون کد و اول اسم بر اسمان کمک ارسال کرده اند.

الف - ۱۰۰۰۰۰ ریال
الف - ۳۰۰۰۰۰ ریال
الف - ۴۰۰۰۰۰ ریال
الف - ۳۰۰۰۰۰ ریال

ب ۹۰۰۰۰ ریال
ز ۹۰۰۰۰ ریال
س ۶۰۰۰۰ ریال
ب ۴۰۰۰۰ ریال
Z - ۴۰۰۰۰۰ ریال
م - ۹۰۰۰۰ ریال
ک. م - ۱۲۰۰۰۰ ریال
ک. ب - ۱۵۰۰۰۰ ریال
رفیق کارگر م. ۲۵۰۰۰ ریال
رفیق کارگر ه. ۱۵۰۰۰۰ ریال
رفقای کارگر ج. ۱۰۰۰۰۰ ریال
رفیق ۳۷ - ۱۰۰۰۰۰ ریال
م - ۱۰۰۰۰۰ ریال
م - ۴۰۰۰۰ ریال
رفیق سرباز ۲۵۰۰۰ ریال
مادر مبارز ۱۰۰۰۰۰ ریال
فریده ۱۰۰۰۰ ریال
هیوا ۵۰۰۰۰ ریال
رفیق سزک یک بیانه ۱۰۰۰۰ ریال
رفقای بی سیموس ۲۵۰۰۰ ریال
دانشجویان سرق هدیه تان رسید
افزودید هات رسید.

رفیق مادر ۱۰۰۰۰۰ ریال و لباس برای بیسمرگان
کارمندان شرکت مخابرات ۶۰۰۰۰۰ ریال
حمای از دانش آموزان جنوب ۱۸۰۰۰ ریال
د. ز (هدیه یک زحمتکش) ۱۰۰۰۰ ریال
ر. س. ا. ۲۷ هدیسات رسید.
رفیق کارمند ۳۷ - ۱۰۰۰۰ ریال برای افسای
هرچه بیشتر ما هیت ارتجاعی جنگ
رفقای هسته کارگری پتک ۲۰۰۰۰۰ ریال.

اهواز:

- ۱- الف ۵۰۰۰ ریال
- ۲- ر ۵۰۰۰ ریال
- ۳- رفیق آرا م هدیسات رسید.

خرمآباد:

مرا داداش آموزش ۱۰۰۰۰ ریال.

اصفهان:

ج - ت ۱۳۴۰۰ ریال

- شوستر - رفقای هوادار ۴۰۰۰۰ ریال.
- لالی - جوانان مبارز ۲۰۰۰۰۰ ریال.
- نسریز - رفیق کارگر قصاب ۵۰۰ ریال.
- ترکیه - رفقای هوادار ۶۰۰۰ دلار.

بروجرد: رفقای دانش آموز (در فنی) ضمن ارسال ۶۰۰۰۰ ریال نامه زیر را بر اسمان فرستاده اند. این پول سوسله عذای از دانش آموزان هوادار رسکا در مدرسه راهنمایی سعید محسن بروجرد برای سازمان غرمن شده است که با

سرکوب طلاب مبارز قم

طلاب و معلمین "علوم دینی"، اغلب از خانواده های زحمتکش و خرده سوزوازی نسلات با فنه و برخلاف زعمای و مراجع روحانی، نیروهای دمکرات درون نیا درو جانست از درون طلاب بر - خاسته اند. رژیم جمهوری اسلامی میکوسدگرايش - های انقلابی و دمکراتیک درون این نهاد را سرکوب نماید. خبرهای زیر نمونه هایی از این سرکوب رانسان میدهد:

* - مدتی پیش دادگاه دویزه روحانست، که راست آنرا آذری نمی معهدۀ ارد، سپریسه (حقوق) ۱۵ تن از طلاب را "محرم" هواداری از محاهدین قطع میکند. با مراجعه این ۱۵ نفر و مدرسن آنها به دادگاه ویزه، پاسخ داده می - سوده دادگاه حاضر است حقوق آنها را محدودا بر - قرار کندا گر آنها دوکار را انجا مدهند، یکی اینکه اطبا بر اراثت و تنفر کرده، بگویند محاهدین - منافق هستند تا رسماً منتشر شود. دوم اینکه گروههای مبارز طلبه ها و روحانیون را معرفی کنند. هیچکدام از این شرایط مورد قبول واقع نمیسود. این ۱۵ نفر در رای سوانی مبارزاتی هستند و عموماً در خزش ۱۵ خرداد ۵۴ فیضیه شرکت دانشند. یکی از آنها سنام ارمی است که در سالهای ۵۳ - ۵۲ در ساجدم فیلم وستنام را نشان می داده است و بخاطر اینکار از طرف آیت الله مرعشی نقفی تکفیر میشود، او همچنین به ۴ سال زندان در رژیم گذشته محکوم شده بود. فرد دیگری درزی نام دارد عضو یک گروه انقلابی مسلح (در زمان شاه) بوده و در رژیم قتل دویاره اعدام محکوم شده بود.

* - کنفرانس طلاب سنام مالک رفایی راه "جرم" طرفداری از محاهدین، به خلق لباس، قطع حقوق، بگماه زندان و ۲۵ هزاره شلاق و امانت اجباری در فم محکوم کرده اند. این شخص در ساجدمجلس مرحم دویاره هدیه که در دروغ غرق شده بودند کفنه بود، یکی از این محاهدین در برابر رفمن به کردستان (حسن سرمازی) مقابله و مت کرده است.

مها رت و رحب زیادی دست آمده است. و ما چون فهمیدیم که سازمان احتیاج زیاد به کمک مالی ما دانش آموزان و دیگر رفقای هوادار داریم تصمیم گرفتیم. این کمکها کردیم. و ساره منتظر کمکهای مالی دیگر ما ساجدم. در فنی، بی، بی، بی.

اراک:

- ر - ع - م - ۱۱۰۰ ریال
- تایم ۲۱۰۰ ریال
- رفیق ع - مادر ۱۵۰۰۰۰ ریال

کمکهای مالی بدون اسم و کد: ۲۷۵ دلار و ۳۰۰۰۰ ریال برای کردستان، ۳۰۰ دلار و ۱۰۰۰۰ ریال

توصیح در مورد کمک مالی: رفقای که برای سازمان کمک مالی ارسال میکنند حتماً کد و یک حرف را فراموش ننمایند. متشکریم.

آمار سخن میگویند!

"رسم جمهوری اسلامی" بارها ثابت کرده است که از آگاه شدن مردم ما هراس دارد. اخراج ها "ساکسای" های دسته جمعی معلمین، ناشی از همن هراس رژیم از انتقال آگاهیه به دانش - آموزان معین ماست. ارتقا مزرکه تعهدات اخراجیان برخی مناطق را سانه اول آمانماه نشان میدهد و کوبا ترا زهر مطلق، ساستهای ارتجاعی رژیم را نسبت به فرهنگیان معرفی و متعهد و انقلابی نشان میدهد.

* - در فارس ۱۵۰۰ نفر معلم معنوم التدریس شده اند (اضرا ۵۳ نفر) از ساجدم به کار برگردانده اند.

* - در استان کرمانشاها، ۵۰۰ نفر معلم را آما ده خدمت اعلام کرده اند و منتظر ننگه لاجبه ساکسای به تصوب "مجلس اسلامی" سردستان این عده را اخراج نمایند.

* - در شیر صحنه (کرمانشاها) ۵۹ نفر از معلمین را از طریق نامه های بدون تاریخ و امضاء معلق اعلام کرده اند. مردم صحنه از معلمین انقلابی پشتیبانی میکنند.

* - در بروجرد، ۱۳۳ نفر از معلمین از کار اخراج شده اند. در شیر کرد ۱۵۳ معلم از کار ساریکنانده اند.

بهتر است بدانیم چه کسانی حکم اخراج معلمین ساز و آگاه را امضاء کرده اند، نمونه ای سوا رسم: در ساجدم و حبلانم رئیس هات ساکسای "احمد - ونا س" نامدار دوی از اعضای ساجدم حزب رسا خبز، که نبدیدی حزب رسا خبز در مجلس شاه و زگردانندگان برنا به های "آبان" نودویس از جنبش قهرآ میز مردم تبریز در سال ۱۳۵۶ سا و قاحت به نوده های انقلابی تبریز حمله کرده است. توفیح این نکته ضروریست که آن عده از معلمینی که در ساجدم زره خود و پشتیبانی مردم حکم با زگشت به کار گرفته اند، همحنان ممنوع - التدریس هستند و سخل دفتری به آنها داده اند.

ملاحظات ...

بود، ولی اگر فکر میکنید که ساجدم از آنچه ساجدم فسا کری نیروهای انقلابی و مترقی و بس از آفتاس تدرن همکار میمصمانه "ما شاء الله خان" سا سا و ساجدم سوسان آمریکا می، وی سا زده است و احیاناً محازات شده است، سخت در اشتباه هستید. جوا ب شما را خود ما شاء الله قصاب میدهد:

"رئیس دادگاه از وی پرسید در شرایط حاضر در کجا مشغول هستی؟ ما شاء الله قصاب پاسخ داد جز و پاسداران زندان تصور وزیر نظر آیت الله خلخالی فعالیت میکنم." (کبیا ن، سنجش ۲۹ آبان، صفحه ۹).

مثل معروفی است که کیو تریا کیو تریا باز سا باز... همکاران خلخالی قاتل نمیشوند کسانکی جز خاشنین و حاجتو کسانکی جز ما شاء الله قصاب ما ساجدم، اگر غرما ز این سبوحای تعجب داشت!



به مناسبت سی و هفتمین سال انقلاب آلبانی

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم

بدین ترتیب آلبانی از یک کشور عقب مانده به یک کشور مدرن سوسیالیستی تبدیل مسود در دوره ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۰ آهنگ متوسط رشد سالانه اقتصاد دهنده ای در زمینه های مختلف به این ترتیب بود: تولید اجتماعی کل ۸/۷٪، درآمد ملی ۷/۴٪، تولید صنعتی ۱۲/۴٪، تولید کشاورزی ۱۰٪. این سرعت از آهنگ رشد نشان آن بود که سوسیالیسم زنده و خلاق است. این مسئله برونستی

در آوریل ۱۹۴۹، بدینال خاست زبسم فتودال - سوزوای حاکم، ایتالایی فاسیت آلبانی را اسفان کرد. اما خلق دلاور آلبانی بلافاصله سلاح بدست به مقابلها متحاذ و زیمن برداخت و برای کساستقلال و آزادی در راه انقلاب به پیش رفت.

در جریان مبارزه دفاعی و بدینال مبارزات سیاسی - اندشولوزیک درون جنبش کمونیستی، در ۸ نوامبر ۱۹۴۱ حزب کمونیست آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه بوجود آمد. حزب بزودی به سادفرماندهی توده های انقلابی به سازمان دهنده مبارزات آزادیبخش و به ایلام بخش انقلاب توده ای آلبانی تبدیل گردید. در جریان مبارزات توده ای حزب به تشکیل "جبهه رها ئی بخش ملی" همت گماسته و مبارزات مسلحانه توده ای را گسترش بخشید. در این مبارزات طبقه کارگر نقش بسیار فعال بازی کرده و رهبر مبارزات رها ئی بخش بود. او با دلاوری تمام توده های زحمتکش شهر و روستا را به کرد خود متحد ساخته، بیروزمندان انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی را به سرانجام خود رسا تدودر ۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ قدرت جدید توده ای و انقلابی را مستقر ساخت. در چنین تاریخی بود که خلق آلبانی تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست او، سلطه فاسیتها و امپریالیستها و ارتحادهای خلقی را نابود ساخته و انقلاب توده ای را به سرسوزی رسانید. طبقه کارگر و غیرمان آلبانی بسازان بیروزی با عزمی استوار قدم در راه ساختمان سوسیالیسم نهاد.

می باست بدرکا دوروزوازی سحده کنند. اونمی - نوانسب بفهمد که خلقی کوکک تحت رهبری طبقه کارگر و حزب خلقی اسما در به ساختمان سوسیالیسم می ساد و چرو سحف متعلق به طبقه بسیده ای بود که نفس تاریخی پرولتاریس را هرگز نمی توانست بفهمد. خروش و سرفکای روبریونیستی، س از بقدرت رسدن، تمام کجک های سیدرعی که سوزوی سوسیالیستی به رهبری رفیق اسالین به آلبانی می نمود، خائنا نه قطع نمودند تا آلبانی رازنده بگور سازند، اما آلبانی زنده ماند. آلبانی تحت محاصره اقتصادی امپریالیستها ی جهان و روبریونیستها ی خرو سحقی با امکانات محدود اما با اتکا به دیکتاتوری پرولتاریا به ساختمان سوسیالیسم، بیروزمندانها داده داد. آلبانی سوسیالیستی در طی دوره ۱۹۷۷ - ۱۹۶۱ بدون ذره ای کمک روبریونیستها ی خرو سحقی و

- * واقعیت آلبانی سوسیالیستی نشانگر این حقیقت است که سوسیالیسم ذره ای احتیاج به امپریالیسم ندارد. امروز آلبانی تنها کشوری در جهان است که بدهی خارجی ندارد. قانون اساسی این کشور هرگونه اخذ وام و اعتبار از کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی و سرمایه گذاری شرکتها و انحصارات امپریالیستی در آلبانی را ممنوع کرده است.
- * امروزه آلبانی دیگر از دیکتاتوری واستبداد و خفقان سرمایه داران و امپریالیستها خبری نیست در آلبانی دیکتاتوری پرولتاریاست و دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دموکراسی کارگری، یعنی آزادی برای توده های زحمتکش. دیکتاتوری پرولتاریا دیکتاتوری عمیقترین و عمیقترین کالمترین دموکراسی می باشد.
- * معنویت و فرهنگ از نظر سرمایه داران یعنی قبول بندگی سرمایه داران یعنی پذیرش افکار ارتجاعی و عقب مانده، حال آنکه معنویت برای کمونیستها یعنی عشق ورزیدن برای آزادی خلقها، یعنی عشق ورزیدن به سوسیالیسم و نابودی استثمار انسان از انسان، یعنی عشق ورزیدن به آرمان کمونیسم.

نسان میداد که تنها سوسیالیسم است که نیروهای مولده را سطرز انقلابی رنده داده و نیروی محرکه تاریخ می باشد. در ۱۹۶۰ خروش و حاشن می گفت بدون کمک سوزوی، آلبانی از گرسنگی میمیرد. اما خروش و سحف که یک بیروزوا روبریونیست فدا نقلاسی بود می توانست قدرت خلاقه طبقه کارگر و حزب کمونیست آلبانی را درک کند. او فکر میکرد که گویا طبقه کارگر و کمونیستها برای رنده ماندن

برزنی خلقی تولید سوسیالیستی خود را رسد داد. در آلبانی در این دوره نرخ متوسط رشد سالانه تولید صنعتی ۹٪ بود. حال آنکه در همین دوره این نرخ در کشورهای روبریونیستی کومکون ۸٪، در اروپای غربی ۳/۸٪ و در آمریکا ۴/۵٪ بود. بعلاوه بسین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۶، آهنگ متوسط رشد سالانه تولید کشاورزی در آلبانی ۵/۲٪ در کومکون ۲/۶٪، در اروپای غربی ۱/۸٪ و در آمریکا ۲/۲٪ بود. آری سرخلاف آرزوی خائنا سوسالیونیستها و امپریالیستها، اقتصاد سوسیالیستی آلبانی رسد داد و استقلال اقتصادی این کشور را تضمین نمود. این دستاورد بزرگ فقط تحسب دیکتاتوری پرولتاریا امکان پذیر می توانست باشد. امروزه سلندگوهای خلقی امپریالیستی و روبریونیستی چنین وانمود میسازند که برای داشتن یک اقتصاد سکو فان با ادا از اعتبارات و وامهای امپریالیستی و سوسالیستی بیهرگرمت، امروزه سلندگوهای خلقی و مردمی چون حزب توده و حرکتهای فدا ئی (اکثریت) حزن وانمود میسازند، که برای سرفرت کشورها باید خود را باندان سوسالیسم باندانزند. اما همه این تبلیغات، دروغ و فریبی سن نیست این تبلیغات حربه سلیم کسان خلقها و

دستاوردهای اقتصادی آلبانی

نخستین گنگره حزب کمونیست آلبانی در نوامبر ۱۹۴۸ در نران برگزار گردید. این گنگره وظایف اساسی حزب را در دوران دیکتاتوری پرولتاریا و در آغاز ساختمان سوسیالیسم تعیین نمود. در عرصه اقتصاد، یعنی کردن سوسیالیسم و سوزوای کسای و سوزوی سرمایه داری سوسیالیستی جهت تبدیل آلبانی از یک کشور کتاروزی عقب مانده، به یک کشور کارگری - صنعتی سوسیالیستی در دستور کار قرار گرفت. طی ۶ برنامه اقتصادی پنج ساله، ساههای مستحکم اقتصادی مستقل و سوسیالیستی رسد شد، اصفا دی که هدف آن آوردن ساس سازهای کارگران و ریحیکان را استعنت می نمود. طی سالهای ۱۹۳۸ تا ۱۹۷۹ سهم تولید صنعتی در کل تولید ۶/۷٪ به ۴۴/۱٪ افزایش می یابد و



← آلبانی ...

برولنا برای جهانی در برابر امریالیستها ، هدف دیگری را تعقیب نمی کنند ، واقعیت آلبانی سوسیالیستی بناگذاشته است که سوسیالیسم در راهی احتیاج به امریالیسم ندارد . امروز آلبانی تنها کموری در جهان است که بدهی خارجی ندارد . قانون اساسی این کشور هرگونه اخذ وام و اعتبار را ز کمورهای ارنجایی و امریالیستی و سرمایه گذاری شرکتی و انحصار با امریالیستی در آلبانی را ممنوع کرده است . برخلاف سوسیالیسم امریالیستها ، بورژوا - رویزیونیستهای اروپای شرقی و بورژوا - رویزیونیستهای سهجانی جن که درهای خود را بروی امریالیستهای عربی گشوده اند ، آلبانی احتیاجی به امریالیستها ندارد . چرا ؟ زیرا در آنجا سوسیالیسم حاکم است این برولنا ربا است که فرمان میراند .

در آلبانی بیکاری وجود ندارد ، بیکاری بیماری دهشتناکی است که همه کمورهای امریالیستی ، رویزیونیستی و کمورهای تحت سلطه بدان مبتلا می باشند ، اما در آلبانی نه تنها بیکاری ، بلکه گرسنگی ، سرما و سرما را رین رفته است ، طبقه کارگر و مایه بر حمتگان آلبانی از فشارهای اقتصادی نانی از حاکمیت طبقات ارتجاعی رها شده اند . آنان در کموری زندگی می کنند که در آن عدالت سوسیالیستی برقرار است و دیگران ز سگمران و سبدا لاتی های طبقاتی خبری نیست .

امروز در آلبانی سطح اختلاف میان دستمزد ها و حقوق ها ۲ به ۱ می باشد (یعنی بالاترین حقوق دوبرابرانیس ترین حقوق می باشد) تمام مالیاتهای مستقیم از زمین رفته اند ، اچاره مسکن فقط حدود ۲ درصد درآمد می باشد ، خدمات بهداشتی و آموزشی برای همه بجانسی است ، در تمام روساها برق ، تلفن ، مدرسه ، خدمات بهداشتی و بهداشتی وجود دارد . در آلبانی زن و مرد دارای حقوقی کاملاً برابر می باشند ، زنان از سنگینی سم گذشته آزاد شده و امروز ۴۶٪ نیروی فعال کمور را تشکیل می دهند ، آنان فعالانه در تمام عرصه های حیات اجتماعی - سیاسی حضور داشته و سگمرانان در برابر خنمان سوسیالیسم فعالیت می نمایند ، آری امروز در آلبانی سوسیالیستی از زندگی نیکت با رد دیگر خبری نیست ، رفاه مردم پس از بنی ارتقا پیدا میکند و مردم عادی برای فدای خود ترس و دلهره - سره ندارد ، آنان مطمئن می باشند که فرزندان آنان در برابر سوسیالیسمی سرخوایند و بدبخت و آواره نخواهند شد ، آری اینها همه دسا وردهای سوسیالیسم است ، اینها همه فقط نخب رهبری حزب کمونیست می باشد .

سرما به داری هرگز نمی تواند یک زندگی مطمئن و ربا به کارگران و زمینگان هدهدهد زندگی مطمئن و ربا به دسا وردهای سوسیالیسم است ، اینها همه فقط نخب رهبری سوسیالیسم است .

اطلاعیه اخراج يك عنصر اپورتونیست از سازمان

حدود ۵ ماه پس یعنی دوره فیل اژنگر سازمانی یک عنصر محرب انحلال طلب و فرا کمونیست که تلاش می نمود ، تما نلات نامالوم خود بر سر ساد خوس را در بوسی " حتمتس سعارها ریک آمیری نموده و حرکات عدتکلامی و محرب خوس را نشوریزه نماید ، سرانجام عنصر عمگدوره سازی که با او شده بود ، ار سارمان منصفه شد ، کنگره سازمان هم در پاسخ به کات این فرد در مورد مصعبه اس ، عا طفا و با اکثریت نربت به اعطای آراء (غیر از یک رصی که او نبر هم اکنون حکم سر اخراج او داده است) ، حکم بر منصفه او داد . از آنجا که حرکات سازمان سگنا نه و فرا کمونیستی او بعد از ادا مه سدا نمود ، انبار سگلی از سازمان اخراج شد ، هم اکنون او با تقای جنسد نغردگر که یکی عضو ، یکی کاندید عضو سه رصی سمبات (که در رابطه با ساد - دد - ب - عار داده است) بودند ، صریحاً رانه اعلام مینالاج " گروه اسعایی از سازمان نموده اند ، سازمان اعلام میکند که حرکات این عده اساساً در برابر اخراج فرد

معنویت و فرهنگ سوسیالیستی در آلبانی

در سوسیالیسم رفاه تادی زحمتگان ، درکنار دیکرایی توده ای و رفاه معنوی و فرهنگی تامین است ، امروز امریالیستها ، سرما به داران و سما می مرتجعین در زمان توده ها سلیخ میکنند که کمور سوسیالیستی یعنی کمور سیدادی ، آنها با این تبلیغات عوام فرسا نه میگویند در میان توده ها نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم عدم اعتماد وجود آورد و در کارگران و توده ها را از سیستم نعلانی سوسیالیسم سرانمانند ، با خود سوانند به حکومت سگمران خود ادا می دهند ، در جواب به آنها باید گفت : بله آمان مرتجع در کمور سوسیالیستی دیکنا نوری وجود دارد ، اما نه برای کارگران و سار سوده های رحیمگس ، بلکه برای سرما به داران ، رمننداران ، امریالیستها و همه مرتجعین ، در یک کمور سوسیالیستی دیکرایی برای توده ها ساد و دیکنا نوری برای مرتجعین می باشد .

امروز در آلبانی دیکر! زد کنا نوری و استدا دو خفان سرما به داران و امریالیستها خبری نیست ، در آلبانی دیکنا نوری برولنا ربا است و دیکنا نوری برولنا ربا یعنی دیکرایی کاکرکی یعنی آزادی برای توده های زحمتگس دیکنا نوری برولنا ربا در برگیرنده وسعترین عمغرس ، کاکلمتس دیکرایی می باشد . در اس کمور طبقه کارگر و سار سوده ها در مورد همه مسائل اجتماعی سیاسی و دولتی ارار تلمسیر میکنند ، کارگران همه امور را سب کنترل خود

بخشنامه ۱۸ جنگ و ...

سازمان و جناح حزب جمهوری اسلامی مستعابد چرا که ارس را (سخا طرسا ختی که اربا هست آن و فرما بدها نس دارد) بخود سزد کنگری دادند ، اما زحمتگان ایران به روز رها های اسن دسمان دوست شما وقتی نکذا سته و همنا سگه در سارزه علیه رسم و اسبه سا ه فقط و فقط به سرو و بان خودا نکا داشتند ، در سارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی حساب این دسمان خود را نیز به کف آنها خواهد نهاد ، زیرا سوده های آکساره حلی ما میدا سگه که سنها را سوی رژیم ایران بلکه ساراد سوهای سار سوده مدافع اسارت حلقهای ما می باشد .



مرور سوده و سگوتنه رطبی به خرده مرربند پهایی که ساری از آنها کاذب و دروغ است و ساری سوحه حرکت اپورتونیستی خود را تدها اند ، ندارد ، به اس سرنسب از نظر ما حرکت اس عده کاکلا اپورتونیستی سوده و سارمان سگوتنه مسئولی در سار اعدا مات و حرکات سبدا لاتی آنان نخواهد داشت .

سارمان سگار در راه آزادی طفه کارگر
۱۳۵۹/۸/۲۵

دارد ، در ادا رها مور کمور سربک دارند و جز ب سس از سس در جهت سسط این کنترول و مشارکت میگوید ، روحیه دیکرایی سوده ای سوسیالیستی در کل زندگی احصای از سورا های توده ای تا مجلس حلی و سنگاه دولتی و جزئی سمرار است ، امریالیستها و سرما به داران جنس سلیخ میکنند که کمونیسسها به معنویت اعتقاد سدا رند این تبلیغات دروغ سسرمانه ای سس نیست ، کمونیسسها به معنویت و فرهنگ اعتقاد دارند ، اما معنویت و فرهنگی که برای کارگران و توده ها می باشد ، معنویت و فرهنگ ارتظر سرما به داران یعنی قبول سادگی سرما به داران یعنی ندرس افکار ربحاعی و عقب مانده ، حال آنکه معنویت برای کمونیسسها یعنی عشق و ورزشدن برای آزادی خلیها ، یعنی عشق و ورزشدن سوسیالیسم و نایبودی اسنما رانسان از انسان ، یعنی عشق و ورزشدن به آلمان کمونیسسم ، در آلبانی سوده ها ار معنویت و فرهنگ سوسیالیسمی برخوردارند ، آنان فرهنگ و معنویت سرما به داران را کذبیده و فاسد میدانند ، در آنجا دیکر سارمان حاکم نیستند که سوانند سوده ها را حقه کرده و اربا ربا های فرهنگی - سیاسی آنان جلومگری می باشد ، امروز آلبانی میگوید تا سسط فرهنگ سوسیالیسمی و دیکرکون ساحن مناسبات کپبه ، اسان سون سبدا ورد انسانی که سار رارعی سوسیالیسم و آلمان کمونیسستی می باشد ، اساسی که اربا سگوتنه سحی نمی هراسد ، به ما رگسسم - سسینم سلیخ اسد و اسوار در راه اسنرا رجا معده سون تبلیغات کامر سمدارند .

(قسمت یازدهم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و ثواب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۵۳ تا ۵۹

پیکار: رفیق روحانی، شما ضمن برسمردن و توضیح مسائلی که مورد بحث شما و آیت الله خمینی بود، از چگونگی نگارش و برخورد آیت الله به مبارزه مسلحانه و بهر انقلابی سخن گفتید، در دنیا مسئله مطلب اگر مسائل دیگری در ملاقات شما با آیت الله مورد بحث قرار گرفته اند، توضیحاتی به ما در باره آنها بدهید.

رفیق روحانی: من قبلا به شما گفتم که آیت الله خمینی در رابطه با نظر خود نسبت به کتاب "ما محسن" از این کتاب و جوانان ننکدان را تهیه کرده اند تعریف و تشجید کرد. در اینجا با پیدا فاهکنم که از جمله موارد مشخصی که مورد تائید و تحریف آیت الله قرار گرفت، موضوع صلح "ما محسن" بودن در اینجا نه قصد آن دارم و نه جای آن هست که به تاریخچه صلح "ما محسن" و همچنین به مضمون توجیه گرایانه تحلیل آن روزها زمان از این صلح که در کتاب فوق الذکر بتفصیل آمده بود، بپردازم، آنچه که در اینجا مورد توجه من است، استفاده سازشکاران، فرصت طلبان و پاشیستها از این رخداد تاریخ اسلامی است، بعنوان نمونه، خود من در طول زندگی مبارزاتی ام در سالهای قبل با عناصر و افراد زیادی از این دست روبرو شده ام که در پاسخ این سؤال که چرا در مقابل رژیم منور و پهلوی و بیخاطر دفاع از منافع و خواستهای توده ها سکوت اختیار کرده و حاضر نیستند دست به مبارزه بزنند، صلح "ما محسن" را شاهد آورده و مدعی بودند که شرابط برای مبارزه با رژیم بهیچوجه مساعدن نیست، و هرگونه اقدام و فعالیت علیه رژیم حاکم، اقدام و فعالیت غیر اصولی و ماحرایی است.

خوب بیایدادرم که وقتی ما در آن و خا نوا ده های زندانیان سیاسی مجاهدین و هواداران آنها در سال ۵۵ و مقارن با همان زمانیکه من با آیت الله خمینی ملاقات داشتم، نزد آیت الله خواننداری در تهران رفته بودند، و در پاسخ ما در آن و خا نوا ده انقلابیون زندانی که خواستار اقدام موری وی جهت آزادی زندانیان سیاسی و با جلوگیری از اجرای احکام اعدام پیدا دگا ه های رژیم شاه در باره آنها شده بودند، گفته بود که آنها حق ندارند دست به چنین کاری بزنند! زنان قهرمان ما، از فعالیت و اقدام مبارزین و مجاهدین دفاع کرده و در توضیح خود در باره ضرورت مبارزه علیه ظلم و ستم، نمونه بسیار رز "ما محسن" در مقابل خلیفه شمرگرا موی "بیزید" را مثال میاورند، آیت الله خواننداری بلافاصله به آنها میگوید: شما چرا همیشه از "ما محسن" مثال میاورید و راه ما بود و چرا راه او را الگو و سرمشق خود قرار نمیدهید؟

هرچند که میان آیت الله خمینی و خواننداری بلحاظ موضع طبقاتی و در بر خوردشان به رژیم شاه اختلافات فاحشی وجود داشت، اما آیت الله خمینی نیز بدلیل ماهیت طبقاتی هم منظور

که قبلا برای شما توضیح دادم نمیتوانست در مبارزه خود علیه رژیم شاه، دارای بیگسری و قاطعیت باشد، تعریف و تمجید آیت الله خمینی از تحلیل توجیه گرایانه کتاب "ما محسن" از صلح "ما محسن" بهیچوجه نمیتوانست جدا از عدم اعتقاد او به قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم و رژیم شاه باشد. این سبب رطبیعی و روشن است که وقتی آیت الله خمینی تا آخرین روزهای دوران رژیم شاه و در شرایطی که

تکامل بود، اعتقاد مسلحانه "تکامل" و سیدایشش حیات را مذهب و تکامل پیچیده آن به انسان، از ابتدائی ترین و در عین حال اساسی ترین اعتقادات سازمان مجاهدین بود و از همین رو یکی از جزو ات آموزشی سازمان که پس از کتاب "شناخت" به اعطاء آموزش داده میشد، جزوه "تکامل" بود. اعتقاد به اصل "تکامل" و آنچه که به اسناد اصول علمی در این جزوه آمده، در اساس با برداشت راسخاداب مذهبی (اعم از اسلام و غیر آن)

- آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "منافقانه" و "مستفاد" اسلام" بداند و بطور عمده آنکه ظاهرا نسبت به سر نوشت ما اظها ر بلاقه مینمود و ر همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روسائون مرتجع باین دلیل که ما را مستور د تکفیر و سر به خود قرار خواهند داد، بر رنذر میداشت و حاضر نشد از مجاهدین و یازندگان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد.
- وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و سجاهدین میگویم که انگار اعدام آنها وجود داشت، جوابشده آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من در باره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود!

توده های میلیونی خلق ما خواستار مسلح شدن و جنگیدن با دشمن بودند، سخن از برداری ارتش آمریکا نمی شاه با مردم مسکوید و از تسلیح توده ها و مبارزه مسلحانه آنها با رژیم سرما بینه داری و بسنه حاکم سرما زمیزند، از صلح "ما محسن" و تحلیل توجیه گرایانه آن روزها از این صلح نیز به سخنی طرفداری نماید. اشتباه نشود، ما کمونیستها مخالف هرگونه صلحی نیستیم، در شرایط ویژه ای، صلح با دشمن بصورت امری ضروری و اجتناب ناپذیر در میاید. امضای معاهده صلح "برسک لیتوونک" میان شوروی سوسیالیستی و آلمان اسپریالیستی که توسط لنین کبیر صورت گرفت و همچنین امضای پیمان عدم تجاوز میان شوروی استالینسی و آلمان هیتلری در اوائل جنگ جهانی اول، از جمله این صلحها هستند، اما این بمعنی ممالحت و سازش تاکتیکی و موقتی با دشمن است نه بمعنی ممالحت و سازش و استراتژیک و با صلح صلح طبقاتی، ممالحت تاکتیکی با دشمن، امری فرعی، موقت و مشروط است، در حالیکه مبارزه با دشمن، امری اساسی، دائم و غیر مشروط میباشد. کمونیستها بزرگترین منادیان صلحند، اما نه صلحی که دست غارتگران را برهستی زحمتکشان با زبگذارد، آنها طرفدار صلحی هستند که بر پایه حاکمیت کارگران و زحمتکشان و نابودی طبقات و ستم طبقاتی باشد.

پیکار: موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "تکامل" که در کتاب "ما محسن" مورد تائید و تائید قرار گرفته، چگونه بود؟
رفیق روحانی: از جمله مسائلی که در ملاقات من و آیت الله مورد بحث قرار گرفت، همین مساله

تضاد آشکارا در میان یکی دیگر از اکتفاظهای موجود در مسائلی فکری و ایدئولوژیک آن روزها (و امروز مجاهدین) را تشکیل میداد، اما در مورد موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "تکامل" روشن است که آیت الله با توجیه جهان بینی ایده آلیستی و مذهبی اش، بهیچوجه آنچه که مورد قبول ما بود، موافقت نداشت و مخالفت خود را نیز آشکارا پس از مطالعه کتاب "ما محسن" اظها ر داشت.

اختلاف بنیادینی میان ما و آیت الله بر سر تکامل الزامات بدرکهای مختلف ما و در باره مسائل دیگری از جمله معادوفیاست نیز کشیده میشود. درک آیت الله در این زمینه نیز گاملا ایدئالیستی و غیر علمی و بدور از هرگونه اکتفا بود. آیت الله خمینی که بر اساس اعتقاد مذهبی و ایدئالیستی اش، به خلق الساعه بودن جهان و انسان باور داشت، بر همین پایه به ما بودی ناگهاننی جهان و انسان و سپس حیات مجدد تمام موجودات و از جمله انسان در یک لحظه که بنا به اراده "ذات بارینما لی" صورت میگردد، اعتقاد داشت. لیکن ما که خواسته بودیم تحلیل خود را از تکامل و مساله قیامت برداشت و اصولی علمی متکی سا زیم، از یکسو چاره ای جز ندیده گرفتن میاننی و اصول موردا اعتقاد مذهب ندا شتیم و از سوی دیگر بدلیل ایدئالیسم نهفته در تفکر و جهان بینی آنروزمان، اصول موردا اعتقاد مذهب را نظیر همین اصل معادوفیاست و لویبشکل پیچیده تر و اکتفا طی مورد قبول قرار میدادیم، مجاهدین بطور عمده آنکه میکوشند تحلیل خود را در زمینه تکامل (اعم از طبیعی و اجتماعی) در چارچوب

بقیه از صفحه ۲۶ تشدید ...

تنهایی از بازی کامل سیستم به فدا مآت آشکار دست بزند. بنی صدر و حزب جمهوری تو اما قاتلان خلق کرد، ترکمن و سرکوبگران آزادیهای دموکراتیک و شکنجه در زندان و تیرباران کمونست ها و انقلابیون هستند و اکنون که تیغ حزب جمهوری میخاهدلسیرالها را نیز ببرد و قطب زاده را میگیرد و به میزان حمله میکند، بساد آزادی افتاده است، اما هنگام مسکه خود فرمان کشتار خلق کرد اما در می کند و دهها کمونیست و انقلابی دیگر در زندانها تیرباران میشوند و آزادی اجتماعات و مطبوعات برای نیروهای انقلابی قدغن میشود مدایش در نمی آید فریاد "و آزادی" بنی صدر روغی بیش نیست او خواهان آزادی لیبرالها در کف گرفتن کامل قدرت و آزادی سرکوب توده ها و بازی سیستم است، نه آزادی مردم!

کلام آخر اینکه هر دو جناح رقیب (لیبرالها و حزب جمهوری) ارتجاعی اند و ما با یستی به افشای کامل دلائل این جنگ و دعوا پرداخته، توده ها را نسبت به مردم فریبی های دوطرف آگاه کنیم و نگذاریم که از حمایت از یک طرف به طرف دیگر متمایل شوند، آنها را آماده کنیم تا برای بشردارمان انقلاب برای مقابله با هر دو جناح متشکل و متحد شوند! این یگانگانه راه صحیح و انقلابی است. نه آن راهی که خائنین

بقیه از صفحه ۲۵ جنگ و ...

سود ولی اگر فکر میکنند که مس از آن همه افسا - گری نیروهای انقلابی و مترقی و مس از آفتابی بدن همگاری صمیمانه "ما شاء الله الخان" بسا سیوا و سوسان آمریکا شی، بوی بازداشت و احیاناً محازات سده است، سخت در اشتباه هستند و حوا ب شما را خود ما شاء الله قصاب میدهد:

"رئیس دادگاه هازوی برسید در شرایط حاضر در کجا مشغول هستی؟ ما شاء الله قصاب با سخ داد جزویا سداران زندان قمر و بر نظر آیت الله خلخالی قصابیت میکنم (کیهان پنجشنبه ۲۹ آبان صفحه ۹).

رویز یونیست فدائی و توده های در دفاع از حزب جمهوری بیش بای توده ها میگذارد و نه آن راهی که خائنین رو بیونیست سه جانی تبلیغ میکنند و معاهدین نیز هر چند از موضعی دیگر اما بهر حال به تقویت لیبرالها می پردازند. با ایداز این جنگ قدرت برای افسای دوطرف و ارتقاء آگاهی توده ها سود جست، نه برای تقویت یکطرف، با پدیده توده ها گفت که اینها بیروی اجساد هزاران شهید انقلاب ایران، سرسرتقسیم قدرت و سود حاصل از استثمای زحمتکشان و چگونگی سرکوب توده ها به جان هم افتاده اند، نه برای دفاع از حقوق توده های خلق!

مثل معروفی هست که کبوتر با کبوتر، باز با باز ... همکاران خلخالی قاتل نمیتوانند کسانی جز خائنین و حاقو کثانی حزما شاء الله قصاب ها باشند اگر غیرا ز این می بود حقایق تعجب داشت.؟! "

بقیه از صفحه ۲۵

ملت را میمکد! "به سیل کمک های نظامی خود به ارتش عراق ادا می دهد. در واقع شوری بسا حمایت از دور ژیم ارتجاعی، دشمنی و ضدیت طبقاتی اش را با توده های تحت ستم هر دو کشور با ردیگر به نمایش می گذارد.

اما "رادیوی بغداد" این حنجره مرتجع رژیم عراق در حالیکه اخبار پیروزی های "ارتش عربی عراق" را سر میدهد، گمان میبرد مردم زحمتکش دزفول، اهواز، خرمشهر، قصر شیرین، کرمانشاه و ... که شب و روز بمب و موشک مرتجعین عراقی بر سرشان می بارند، با و رخواهند کرد که گویا این بمب ها و راکت ها برای "آزادی" آنان از دست "رژیم خمینی - خلخالی" عزیزان آنها را به خون میکشد و خانه و آشیانه شان را ویران میکند صدای ارتجاعی رژیم بغداد با بهره گیری از عناصر ارتش که بدست ارتش عراق اسیر شده اند و با پخش "شو" های رادیویی "سوء" استفاده از تکناف میان ارتش و پاسداران، عمده حمله خود را متوجه

بقیه در صفحه ۱۶

مباحثه ...

اصول و مبانی علمی استوار کنند (جنبه ما تریالیستی تفکر مجاهدین)، اما در همان زمان این - چارچوب "علمی" را تحت تاثیر قطععی و تعیین کننده "اراده یا ریتعالی" قرار میدهند (جنبه ایدئالیستی تفکر مجاهدین) که نتیجه است کوچکترین سخنی از علمی بودن و اصولی بودن این تحلیل در چارچوب مورد نظر مجاهدین نصبتوانند در میان باشد.

بیکار: نتیجه ملاقات شما با آیت الله خمینی و س از مآعتهای متوالی بح و مذاکره و توضیح مواضع سازمان مجاهدین ضرورت پشتیبانی آیت الله از مجاهدین و زندانیان سیاسی چه بود؟ آیت الله خمینی هیچگونه پشتیبانی از مجاهدین و زندانیان سیاسی بعمل آورد؟

رفیق روحانی: هما نظور که قبلا توضیح دادم، من قبل از هرگونه درخواستی از آیت الله، به تشریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان مجاهدین و فعلا لبتهای آن پرداخته و سپس از توضیح این مسائل سو که ضرورت حمایت آیت الله را از زندانیان سیاسی و دادن اعلامیه ای در این زمینه خواستار شدم، آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "منافقان" و "خلاف اسلام" بدانند و علیرغم آنکه ظاهرا نسبت به سر نوشت ما اظهار علاقه مینمود و در همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روحانیون مرتجع به این دلیل که ما را مورد تکفیر و ضرب خود قرار خواهند داد، بر حذر

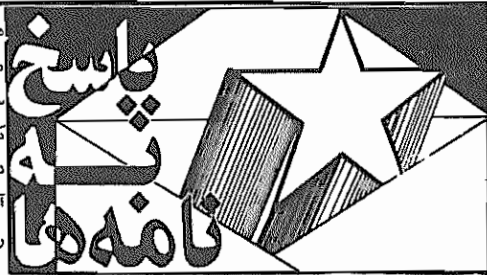
که در کارشان موفق باشند! عکس العمل من روشن بود. من به صراحت به آیت الله گفتم که مردم ما و مجاهدین خواستار "دعا" نیستند، آنها عمل میخوادند و دعا کردن و صرفاً از روی موفقیت نمودن برای آنها دردی را دوا نمیکند.

من از آیت الله جدا شدم و حاصل کوشش و ملاقات من و رفیق تراب تنها این بود که او در لابلای برخی از اعلامیه های خود حمایت محدودی از زندانیان ما و تحت عنوان کلی "جوانان مسلمان" بعمل آورد و تا نیا برداخت بخشی از "وجوهات شرعی" را به خا نواده زندانیان سیاسی مجازدانست، اما بد نیست بدانید که شراب استر و میا رزه چنان بود که مثلا با زاریان هوادار مجاهدین بدون "اذن" آیت الله از با بست "وجوهات شرعی" خود هم به خا نواده زندانیان سیاسی و هم به سازمان مجاهدین کمک میکردند. در سال ۵۴ همین آقای هاشمی رفسنجانی به رفیق تراب در دمشق گفته بود، وضع در داخل کشور طوریست که حتی اگر آقای خمینی هم حرفی بزند تا مجاهدین آنرا تا شید نکنند اجرا شدنی نیست!

من در اینجا سخن خودم را با شما، علیرغم آنکه مطالب گذشته بسیاری وجود داشت که من ناگزیر از تلخیص آنها بودم به بیان میبرم و از رفیق تراب میخوام تا در باره ملاقاتهای بعدی خود با آیت الله و مسائل دیگری که در ارتباط با آن قرار میگیرد با شما صحبت کند. پیروزشاید! ادا مآد ارد.

میداشت، حاضر نشد از مجاهدین و پاسداران زندان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد. عدم حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین در شرایطی بود که در ایران بسیاری از علماء و روحانیون و از جمله آیت الله طالقانی، منتظری و رفسنجانی و دیگران حمایت خود را از مجاهدین اعلام کرده و در این مورد نامه های به آیت الله نوشته بودند، آیت الله خمینی در توجیه عدم پشتیبانی خود از ضرورت شناخت بیشتر از ما را مطرح کرد و از ما خواست که از افراد نامیرده فوق و دیگران که مورد اعتماد آیت الله باشند بخوا هم که در این مورد با هم نامه برای او بنویسند، او را لبراز هم اینگونه وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و مجاهدین که امکان اعدام آنها وجود داشت، گویا شدم، آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من در باره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود! من توضیح دادم که آقا مسئله اصلی، دفاع و حمایت از انقلاب و آرمان زندانیان سیاسی است و نه حمایت فردی از این و یا آن زندانی سیاسی که شما فکرمیکنید اگر در باره آنها چیزی بگوئید، وضع آنها بدتر میشود، بعلاوه وضع آنها جدید زندان و چسه در پیدا دگا ههای رژیم ما نه آنقدر بدست که با حرف شما بدتر از آن نخواهد شد.

آیت الله خمینی پاسخی در برابر استدلالات من نداشت و نصبتاً نسبت همداشته با شوینا چار و برای خالی نمودن عریضه در آخرین ملاقات رویم کرد و گفت: آقا یان ما جورند و ما میدویم



سخنی درباره سازماندهی تبلیغ بر علیه فلاکت جنگ!

رفقا! هرروز که از اوضاع حاد و بیجاییه
مبارزه طبقه‌ای در جامعه میگذرد، مسئله‌ای
جدید و ویژه‌ای جدید پیش پای جنبش کمونیستی
ایجاد میشود. اگر در روز مبارزه برای افشای
تفاد جناح‌های هیات حاکمه مهمترین قسمت
افشای گری و تبلیغات را در سر میگیرند، جنگ‌سخت
تبلیغات را در گون نمود و جنبه عمده تبلیغات
کمونیستی را بر محور جنگ و عوارض و فلاکت نانی
از آن و از آن جمله مساله آوارگان و گسترش گرانی
و کمبود ما بحتا چ عمومی، سوق داد.

رفقا! در شرایط کنونی، مساله گرانی و کمبود
ما بحتا چ عمومی یکی از مسائل مبتلابه توده‌ها
و از جمله مسائلی است که با یک کمونیست‌ها روی آن
تکیه کنند. در همین رابطه کلیه رفقا موظفند که
در هر کجا که هستند به تبلیغات وسیع علیه گرانی
و دورنمای فلاکت توده‌ها دست بزنند و در هدايت
و ارتقاء مبارزات توده‌ها بر علیه گرانی، که
حتما گسترش خواهد یافت، بکوشند. در جنبش
شرایطی که بحران‌های رژیم روز بروز گسترده‌تر
شده و توده‌ها نسبت به آن ابراز نا رضایتی
بیشتری می نمایند، اگر ما در صحنه حضور نداشته
باشیم، اگر ما سیاست و برنامه خود را برای توده‌ها
توضیح ندهیم، که برای شان ارمغان دمکراسی
رفاه و انقلاب را نوید میدهد، حتما لیبرال‌ها و
کمپرادورها از آن سود خواهند جست. هم‌اکنون
مسئله گرانی وصف‌های طویل مواد غذایی
و ما بحتا چ روزمره، خوراک تبلیغاتی بسیار
مساعی برای لیبرال‌ها و دارودسته‌های ضد
انقلابی دیگر است که از نا رضایتی توده‌ها علیه
رژیم جمهوری اسلامی و در جهت منافع خویشتن
بپره‌گیرند. رفقا در این عرصه مهمی که میتوان
بر سر آن تبلیغات گسترده‌ای صورت داد، هر
گونه سهل انگاری ما در تبلیغ علیه گرانی، در
فقدان حضور در اعتراضات توده‌ای، عملا میدان
را برای لیبرال‌ها خالی گذاشتن است... بیس
بکوشیم تا با مقابله با گرانی و... مبارزات
توده‌ها را سازماندهی کرده و آلترناتیو انقلاب
را گسترش دهیم!

نامه‌ای از یک کارگر مبارز مکانیک

بنا خدا و خلقهای قهرمان ایران
"در جواب سئوالی که گفته بودید نظر"

هواداران در مورد "نشریه بیگار" جست، من
معنقدم که روزنامه‌ای با محتوای مهم، عالی و
ساده‌جای کنیشتا کارگران و زحمتکشان در محیط
کارخانه‌ها و بناوند بدون مزاحمت
دیگران بخوانند و بحث کنند و مسامحانه روی
آن نوشته‌شده با شجون ما میدانهیم که این
روزنامه‌ها کارگران هم‌سازمانی است.

البته پدرم با اینکه زحمتکش است و خواهران
و برادران همه کار میکنند ولی در عین حال
هر وقت با روزنامه‌ای که اسم سازمانی و
کمونیستی داشته باشد مخالفت میکنند و با حتی
آن را پاره میکنند و از طرفی چون من مکانیک
هستم و شما هر روز را در کارها و تعمیرات هم میرم
روزها املا نمی‌توانم مطالعه کنم. شب هم که به
خانه میروم عکس‌العمل‌های خانوادگی و روبرو
میشوم و معنقدم که با پدرم رز کرده، خواهش می‌کنم
مرا برای کنیشتا، بیروزی از آن طبقه کارگران
مجتبی - ح - مشهد

دوست گرامی! از اینکه نشریه بیگار را
میخوانید و نظر خود را در باره آن برای ما نوشته
- اید تشکر میکنیم و خوشوقتیم که نشریه ما
توانسته است مورد توجه و علاقه کارگران و زحمت
کشان از جمله شما قرار بگیرد. اینکه خواندن
یک نشریه کمونیستی مثل بیگار در محیط کار و
خانواده برای بعضی افراد موجب مزاحمت می
شود، امر عجیبی نیست، سالهاست که سرمایه‌داران
و دشمنان طبقه کارگر بر ضد کمونیست‌ها تبلیغات
کرده‌اند و حتی بسیاری از زحمتکشان ما
کمونیست‌ها و هدفهای آنان را نمی‌شناسند و
چاره‌ای نیست که نام سازمانی و کمونیستی از
روی نشریه برداشته شود، بلکه باید حوصله و
دقت زیاده‌مردمانا که کردنا وحشی را که سرمایه
داران در دل زحمتکشان از کمونیست‌ها ایجاد
کرده‌اند بتدریج از بین ببرد، ما و دیگر نیرو
های کمونیستی نیز وظیفه داریم که دردهای
زحمتکشان و راه حل آن را که جز ایجاد حکومت
کارگران و زحمتکشان نیست با زبان هر چه
ساده‌ترین و کنیم و با کارگران نزدیکترین و
صمیمانه‌ترین سیوندها را داشته باشیم.

اما اینکه با توجه به کار روزانه فرصتی برای
مطالعه در روزها و رید و شب هم خوانده‌مانع
مطالعه شما میشوند نظر ما این است که پس از
مشورت با رفقای همفکران با خانوادگی صحبت
کنید و آنقدر بزیان خودشان و با آرامش و حوصله کافی
آنها را آگاه کنید که نه تنها در کار و مطالعه شما
دخاله نکنند، بلکه با علاقمندی به مطالبی که
شما میخوانید کوشش دهند، و با شما همفکر گردند.
نشریات کمونیستی بیان دردهای آنهاست اگر
ارضا لب آنها آگاه بشوند با شما همراه خواهند
گردید.

با زهم برای ما نامه بفرستید. دست شما را
صیغشاریم.

نامه‌ای از یک مادر مبارز

بیگار کارگران عزیز! من مادر دوتن از رفقای

بیگار رگر شما هستم، من مادر چهار فرزند هستم و
سلام گرم مرا ببینید. من نمیدانم از کجا برای
شما شروع به نوشتن نامه میکنم، چون صحبت کردن
با شما قهرمانانی که در راه عشق به خلقها و طبقه
کارگر، از جان و مال خود گذشته و ما دقا نه به
خلق خود وفا داده‌اید، برآستی مشکل است.

من یک مادر خانهدار هستم، و در ضمن سه
کارهای دیگری چون بافندگی و دوختگی
اشتغال دارم. به شما بگویم که من کمونیست
نیستم ولی عقاید انقلابی و مبارزه جویانه‌ما
را قبول دارم و در هر حال که از دستم برآید
میخواهم به شما کمک کنم و من هر کجا که بتوانم از
موضع بیگار دفاع میکنم و خواهم کرد. و بدانید
که شما در قلب توده‌ها جای دارید و من بخواه
یک فردا ز توده‌های زحمتکش تا پای جان با شما
هستم.

با امید روزی که بیروز با شید، ش. الف
مادر مبارز!

از اینکه عهد بسته‌اید تا پای جان همدوس
سازمان باشید، ما به غرور و سربلندی ما است.
ما در عزیز! شما میتوانید با تبلیغ نظرات سازمان
در میان زنان زحمتکش و جمع آوری کمکهای
مالی برای سازمان، بهترین کمکها را در راه
بیشتر اهداف سازمان صورت دهید!

بیر وزبا شید!
* - رفقای محله‌نازی آبا در پاسخ به پرسش -
تا ماه ۲۳ گزارش بسیار مفصل و دقیقی نوشته‌اند
که بسیار قابل بود. رفقا با تهیه جدولی، کلیه
بیگارهای منتشره از شماره ۱ تا شماره آخر را
بررسی نموده‌اند و توضیح داده‌اند که ترکیب
آنها و نقصها و ضعفهای آنها چه بوده است. از
کوشش و زحمت فراوان این رفقا و سایر رفقای
که با سخنانی پرسش ما ۲۳ را برابمان ارسال
نموده‌اند بسیار سپاسگزاریم.

رفیق با هم کارمند

نامه‌ات دست ما رسید و از اینکه نوشته
بودی: "... اگر چه تا بحال نتوانسته‌ام کمک
مالی خود را بطور ما هیانه به سازمان برسانم
ولی از طریقهای دیگر نسبت به علائم، آسار و
موضعگیریهای سازمان در رابطه با اوضاع
سیاسی، اقتصادی، اجتماعی روزمره و بریدن آن به
میان توده‌ها، با توجه به وظیفه‌ای که داشته‌ام،
چه در تهران و چه در شهرستان کوشیده‌ام (وضعا)
سازگسرخج زندگی، ماهیانه مبلغ ۳۰۰۰ ریال
کمک نا چیز خود را به سازمان تقدیم میدارم..."
بسیار خوشحال شدیم رفیق! ما نیز بهیمرای
تاما می کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز
رفقای پیگیریک دم از مبارزه دست بر نخواهیم
کشید و سوگندید که در دهه‌ایم که تا برقراری جمهوری
دمکراتیک خلق بهره‌بری طبقه کارگران را
ننشینیم!



بحران اقتصادی و مبارزه طبقاتی در لهستان

در لهستان رویزیونیست، بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همچنان ادامه دارد. حاکمیت بورژوازی و استقرار سرمایه داری از یکطرف و وابستگی به سوسیال امپریالیسم شوروی از طرف دیگر، اقتصاد لهستان را به ورطه شکستگی کامل کشانده است. مبارزات کارگری اخیر ضریب است مملکتی بر بیکر سرمایه داری حاکم زد، نحوی که این مبارزات دلبرانه تولید بورژوازی را در بخشهای مهمی مواجه با رکورد کرده و دولت حاکم را مجبور نموده تا برای مقابله با قحطی و گران شدن روزافزون اقلام به جیره بندی مواد غذایی کند در همین رابطه "الکساندر کوپک" معاون نخست وزیر گفت: "این کشور با کمبود گوشت، شکر و حبوبات مواجه است"، و بعلاده "بین کوفسکی" نخست وزیر لهستان مطرح کرد: "روال عسادی کار تولید در بسیاری از زمینه های اقتصادی کسده است و دو تا سه سال فرصت لازم است تا مجدداً رکودی را که بر اثر انقلاب کارگری پندماه پیش بوجود آمد بحران کرد. ما با بد آگاه با نسیم که دوران سختی در پیش داریم و افزایش دستمزد مامینو اند. مشکل ترین شرایط سازا را برای ما فراهم آورد، بسیاری از مواد غذایی با کمبود تولید در لهستان مواجه است." (کپهان ۲۲ آبان) واقعا چه عاملی کارگران را برای افزایش حقوقشان وادار به اعتصاب نمود؟ در واقع عامل اصلی بحران همان سرمایه داری است، این سرمایه داری است که تورم و گواهی را بوجود می آورد، این سرمایه داری است که لهستان را مواجه با کمبود مواد غذایی میکند، این سرمایه داری است که کارگران را تحت فشار اقتصادی - سیاسی قرار میدهد و آنان را به مبارزه میکشاند. لهستان بر با به تازمیرالیستی روسها یعنی تر "تقسیم بین المللی کار" به منطقه ای رسیده که در زمینه کشاورزی نیز مواجه با رکود است. بنحوی که این کشور "نبر" خود را از چکسلواکی و "حبوبات" خود را از آلمان شرقی تا مین میبکند و بگفته "سن کوفسکی" مرتدامسال مجبور است ۱/۴ میلیارد دلار بیشتر از سال گذشته صرف تا مین مواد غذایی و واردات کشتی و رزی

نمایه " (هما نجا)، البته با بدبحران فرا تراز آنچه که گفتیم میباشد، بورژوازی لهستان برای مقابله با بحران احتیاج به منابع مالی دارد سوسیال امپریالیسم خود در بحران بر سر میبرد و نمیتواند فعلا لانه به بورژوازی لهستان کمک کند، به این لحاظ لهستان مجبور است دست گذاش سوی امپریالیستهای غرب دراز کند. اخیرا دولت ارتجاعی لهستان بطور محرمانه مبلغ ۳ میلیارد دلار از امپریالیسم آمریکا تقاضای کمک مالی نموده است. البته آمریکا هنوز پاسخی به این درخواست نداده است و بعلاده امپریالیسم روس بعلت گسترش نفوذ آمریکا در لهستان در مورد این درخواست دچار گرانیسی گشته است. میدانیم که لهستان منسل ۱۹/۴ میلیار دلار به کشورهای امپریالیستی غرب بدهی دارد و هر سال ۶ میلیارد دلار بابت این بدهی باید بپردازد. حال اخذوا محدود افزایش این بدهیها چه نتایجی به بار خواهد آورد؟ آیا نفوذ بیشتر امپریالیسم غرب را در لهستان سار نخواهد آورد؟ نگرانی شوروی از این مسائل ناشی میشود.

در بستری بحران اقتصادی، بحران سیاسی اجتماعی همچنان ادامه دارد. و کارگران لهستانی به مبارزات خود ادامه داده اند. بورژوازی که در رهشار جنبش توده های محبور به عقب نشینی ها می گردیده است در پی آن نیست تا به قولهای خود "وفا" کند. و کارگران نیز حاضر نیستند به مبارزات خود پایان دهند. در حال حاضر اینجا و آنجا کارگران دست به اعتصاب میزنند و اخیرا ۶٪ از دوازده هزار روبا ضد نفیتر کارکنان را دیوب - تلوزیون لهستان به اعتصابیون پیوسته اند. در حال حاضر مسئله اساسی جنبش کارگری لهستان فقدان یک رهبری کمونیستی و نیرومند است. در لهستان کمونیستها ضعیف هستند. "حزب کمونیست لهستان" (مارکسیست - لنینیست) "که بطور مخففا به به فعالیست انقلابی مشغول است فاقد پایه سوده ای گسترده است. بنا بر این جنبش کارگری لهستان در شرایط بحران کنونی نمیتواند بطور استوار علیه بورژوا - رویزیونیستهای حاکم به پیش رود. سوییژه آنکه نیروهای بورژوا - لیبرال مخالف حکومت میکوشند تا این جنبش را به سود خود منحرف سازند. در حقیقت در لهستان نیرو - های سیاسی مخالف حکومت به دو دسته متضاد تقسیم میگردد: اگر در یکسود مکرانها و افلابیون کمونیست قرار دارند، در سوی دیگر روشنفکران لیبرال مرتجع طرفدار مکراسی بورژوازی غرب، روحانیت مرتجع کلیسائی و محافظان صیونیستی لهستانی جای گرفته اند. نیروهای بورژوازی اوزیسیون میکوشند تا جنبش کارگری را تحت سیطره خود قرار دهند. به این لحاظ کمونیستهای لهستان وظایف سنگینی بسو ش دارند. این وظیفه عبارت است از افشا و طرد این نیروهای مرتجع اپوزیسیون و سازماندهی و هدایت جنبش کارگری در جهت سرنگونی

بورژوازی حاکم و تصرف قدرت سیاسی

تلاشهای جدید نیروهای امپریالیستی در خلیج

رادبو چه خلق برای آزادی عمان، در تاریخ ۲۳ آبانماه بمشکل از سخنگوی رسمی جبهه مزبور چنین گفت:

فعالیتهای امپریالیستی بوسه - امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج واقیانوس هند با بد تا زده ای با فته است. نیروهای آمریکائی و انگلیسی مستقر در جزیره "المفتم" - که خود بصورت یک پایگاه نظامی، مشرف بر تنگه هرمز در آمده است - با همکاری نیروهای رژیم دست - شاننده قایوس، مشغول حفركانالی از منطقه "نینا" - "حلبین" هستند تا خلیج فارس را مستقیما به دریای عمان متصل سازند و از این کار سال در صورتیکه تنگه هرمز بسته شود استفاده کنند. طول این کانال ۶۶ کیلومتر بالغ میگردد. همچنین در ۱۵ ماهه اوت گذشته (۲۴ مرداد) یک واحد نیروهای آمریکائی، منطقه ای به مساحت هزاران متر مربع را مورد با زرسی قرار داده تا سیمات نظامی و مراکز برای انبار کردن اسلحه در آنجا بسازند. همینطور، یک بندرگاه نظامی در منطقه "نسا" و "حلبین" (متعلق به عمان) تا بسس نموده اند. تا بتوان از آن برای پهلو گرفتن کشتیهای جدید جنگی و کشتیهای دریائی استفاده کرد.

اهالی این مناطق ساحلی از فعالیتهای اقتصادی خود، از ما شگیری گرفته تا حمل و نقل کالا ممنوع گردیده اند. در بنای تاسیسات مورد نظرا کارگران محلی نیز استفاده نمیشود و کارگران را صرفا از خود آمریکا شیا و انگلیسیها و خارجیان استفاده میکنند. نزدیک شدن سدهای مناطق برای اهالی ممنوع است.

بدین ترتیب منطقه "رئوس الحبال" (ارتخاغات عمانی مشرف بر تنگه هرمز) بصورت ناگه ای جهت سسط تحا وزات و حیوانات با زهم بیشتر برای نیروهای امپریالیستی در آمده است.

راهپیمائی عظیم دانشجویان یونانی علیه رژیم حاکم و امپریالیسم آمریکا

۷ سال پیش دانشجویان کمونیست و مبارزان یونان به تظاهرات عظیم و گسترده ای علیه دولت نظامی وقت و امپریالیسم آمریکا دست زدند. در این جنبش عظیم که منجر به سقوط دولت نظامی ما پادویولوس گردید، حداقل ۳۴ نفر کشته و ۱۵۰۰ نفر زخمی شدند. به مناسبت بزرگداشت این جنبش قهرمانانه، هر سال دانشجویان به تظاهرات گسترده ای دست میزنند. در همین رابطه سال راهپیمائی عظیمی با شرکت بیش

ندیدن سوسیال امپریالیسم: نکته‌ای بس مهم در قضیه سعادتی

ما شدیداً به نتایج توسعه طلبانه خود ساختن و پان‌خانیسم با امپریالیسم آمریکا - پس از جنگ ژوئن ۶۷ و شکست رژیمهای عربی از اسرائیل، کاملاً سبک در ملل متحد طی نطقی با صلاح از حقوق خلقهای عرب دفاع کرد "محو آثار و زوال ۶۷" و با رگت نیروهای نظامی به مرزهای قبل از جنگ را خواستار شد. یک پل هوایی بین مسکو و قاهره برای ورود اسلحه برقرار گشت ولی تنها کمیونستهای راستین می فهمیدند که این پل، پل نفوذ تسلط بیست ساله و دهه‌گاری ۱۵ میلیارد دلاری مصر به مسکو

سیاست شوروی (حنا که در موضعگیریمان در قبال اشغال افغانستان آشکار بود)، آن کشور را حداقل در مرحله کنونی همسایان خود علی‌سسه امپریالیسم آمریکا میدانند. اینکه سعادتی و لافا صله پس از قبا موباً فتنه‌گرایان نو ده‌ای و موقعیتی سیاسی، به فکر وارد شدن در بده و بیستن - های بین المللی ما متند و ما هبست امپریالیستی و تجاوزکارانه شوروی را از یاد مبرترند و به تحاری که خلقهای رزمنده آسیا، آفریقا و امریکا لاتین از برخورد با شوروی دارند کم‌بها میدهند و بدان به چشم یک "ظرف

باز هم ارتجاع حاکم زهر خود را علیه نیروهای انقلابی ریخت و محامدمحمد رضا سعادتی را محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم ساخت. در باب اینکده از زمان مجاهدین خلق بایستعنوان یک شهادت انقلابی و دموکراتیک شهادتی کرد بسیار سخن گفته ایم و موضعگیری ما علیه رژیم اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی ما مجاهدین خلق نسبت بدانان مثل روز روشن است.

در این باره نیز که رژیم ما کم‌تفاو آشتی‌نا پذیر طبقاً تیش را با کمیونستها و نیروهای دموکراتی نظیر مجاهدین هرگز فراموش نکرده و بگدام زهمت زدن، مانعت از فعالیت و سرکوب آنان - تا آنجا که توانسته - خودداری نکرده است، مقالات متعددی در بیکار آورده ایم. همچنین انتقادات ما به مجاهدین خلق بمنابر یک سازمان انقلابی خدا امپریالیست بارها مطرح شده و نسبت به انحرافات که در مشی ساسی آنان وجود دارد و در نتیجه گرایش لیبرالی رابر این سازمان غالب گردانیده و به جنبش انقلابی خلقهای مالطمه و ارده میا و رد بارها هشدار داده ایم. درباره محاکمه سعادتی نیز طی نوشته‌ها و مقالات بیکار هم هدفهای ارتجاعی رژیم را از این قضیه افشا کرده ایم و هم به برخورد لیبرالی مجاهدین و خود سعادتی که در "دفاع عبا تیس" منعکس است انتقاد نموده ایم.

برخورد لیبرالی مجاهدین و خود سعادتی از نگرشی که آنها نسبت به این رژیم دارند و از موضعی که آنها می خواهند بعنوان یک "بویسیون قانونی" در این رژیم داشته باشند ما میگیرد. رژیم به آنان تهمت میزند آنها را منافق می نامد، دستگیر میکند، ترور میکند و سرکوب مینماید ولی سیاست کسب و کار مجاهدین سردر زبر فرو میبرد و میگوید ما نیست و "انشاء الله گریه است" رژیم می - کوشد آنها را از محتوای انقلابی خالی کند و به لیبرالیسم بیستریکشان، میگوید بگو بید کمیونستها نحس اند، "اقتضای دین ما را قبول نداریم" شناخت "را قبول نداریم" شایدهما را در درون خود بپذیریم "و مجاهدین از کنگره تحقیق درباره اسلام و وحدت اسلامی سخن میگویند و خود را بسا آنها (رژیم) در یک صف میداند (در واقع جبا میزند) و این در واقع، جمع کثیر هواداران و توده‌ها هستند که در توهمی ما تند و نیرویشان به هدر میرود و این ارتجاع دشمنان خلق اند که سود میبرند، در همه اسوار قبلاً تفصیل سخن گفته ایم.

نکته‌ای که در اینجا روی آن مکت خواهیم کرد کیفیت برخورد و نگرش مجاهدین به سوسیال امپریالیسم شوروی است. سیاست مجاهدین در دوره جدید فعالیت آنها (از ۵۷ هجری) نشان می‌دهد که آنها علیه رخد شدن انتقاداتی

یک انقلابی فلسطینی: روسها وقتی با تو صحبت میکنند یا از تو حرف می‌کشند یا بتو دستور می دهند. هیچ سخنی از موضع رفیقانه در میان نیست!
در رابطه با جریان سعادتی، جای یک انتقاد از خود جدی از طرف مجاهدین خلق، خالی است.

راطی چند سال بدین حال خواهد داشت (۲). آنها درک میکردند که این "دوست بزرگ" پس از مدتها جا نهد زدن و رفت و آمد سران عرب به مسکو حتی به دادن یک قطعه سلاح تنها نمی‌تواند اعراب رضایت نخواهد داد و هر چه میدهند و نقد هم بولش را دریافت میدارد و از سلاحهای خدا فعی نیست. ما با اعراب "موجودیت اسرائیل" را که مورد توافق امریکا و شوروی است بخاطر بیان دارند. بومدین رئیس جمهوری سابق الجزایر طی یکی از همین گفتگوها و اسرار و حاشیه‌ها در مسکو در سال ۶۷ آنقدر نا راحت میشد که طسه را نیمه تمام گذاشته، مسکو را به اعراض ترک میکند. عبدالنا صرس از جانه‌زنیهای زیاد و دادن ضمانت و پرداخت پول نقد که الجزایر و لیبی و... تا مین کردند تا توانست موشکهای سام ۶ را دریافت کند و به جنگ فرسایشی محدود کاتال سوتزد در سال ۷۰ مبارزت نماید.

مسلم است که اشکال کار اعراب در مبارزه علیه امریکا و صهیونیستها نه در داشتن یا نداشتن سلاحهای آنها جمعی بلکه ناشی از ماهیت بورژوازی و ضد خلقی رژیمهای عربی است که هرگز نمی‌خواهند و نمی‌توانند توده‌ها را علیه امریکا و "اسرائیل" بسیج نمایند. همچنین مسلم است که راه اعمال سلطه شوروی علیه خلقهای عرب نه فقط در دادن یا ندادن سلاحهای آنها جمعی، بلکه از راه‌های گوناگون منجمله حمایت از رژیمهای بورژوازی دولتی و تقویت حمایت رویزیونیست - هاست. روابط اقتصادی هم خود داستان

معامله "مینگرند، حکایت از خطری مهلک برای جنبش انقلابی و دموکراتیک خلقهای ایران می‌کند. مجاهدین این را ندیده اند که شوروی دیگری کشور سوسیالیستی و دوست خلقهای تحت ستم نیست، بلکه خود تحت سرکوب کمک - جنبش‌های خدا امپریالیستی ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی و در چهار رچوب رقابت با امریکادارکار توطئه و جنگ انداختن بر منابع مادی و انسانی این خلقهاست.

یک انقلابی فلسطینی طی یک ملاقات، سیاست شوروی را در سر خوردیه جنبش‌های آزادی بخش جنبش خلاصه می‌کرد:

"روسها وقتی با تو صحبت میکنند یا از تو حرف می‌کشند یعنی ترا حاسوس خود می‌سازند و خود را به تو دستور میدهند. هیچ سخنی از موضع رفیقانه در میان نیست!" (۱)
هم‌اکنون سوسیال امپریالیسم شوروی بر اغلب جنبش‌های آزادیبخش خاور میانه خیمه زده و ما به شوم خود را گسترده است. این جنبش‌ها بدلیل ضعفها و انحرافات درونی خود، و برای مقابله با دشمن خونخواری که حیات و سر نوشتشان را بطور روزمره تهدید میکند (یعنی امریکا و اسرائیل و عمال آنها)، به شوروی "پناه برده اند". تنها چند مثال عینی از واقعاتی که طی سالهای گذشته رفقای ما در منطقه خاور میانه شاهد آن بوده‌اند به‌خوشا نده نشان خواهد داد که آیا سوسیال امپریالیسم شوروی به منافع و مصالح و حقوق این خلقهای تحت ستم و مباسارز

(۱) - در حالیکه بین سازمان آزادیبخش فلسطین و شوروی روابطی نزدیک وجود دارد، کم نیستند انقلابیون ما دق که با توجه به تجربه‌شان (بسا دیدی امپریالیستی و نه مرز بندی مشخص ایدئولوژیک) به شوروی اعتماد ندارند.

(۲) - سادات این نماینده بورژوازی کمپرادور مصر، همین قضا را با آنها سقوط خود بداند مسان امریکا و "اسرائیل" و توجیه آن نزد توده‌ها قرار داد.



دیگری دارد.

منظور ما از آوردن منافع ملی از خرید سلاح و غیره صرفاً نشان دادن نمونه‌های از برخورد سوسیال امپریالیسم شوروی با صائلی است که خلقهای تحت ستم آن دست بگیرند.

۲- رفقای ما که طی جنگ در غلظت انقلابیون عمانی تماس نزدیک داشته‌اند نقل میکنند که سلاحهایی را که انقلابیون از طریق بلوک شرق بدست می‌آورند عموماً با قطعات بدکی همراه نبود بطوری که مثلاً مسلسل ضد هوایی "دوسکا" پس از مدتی کارکردن، با شکسته شدن یک سنج و مهره کوچک به‌یاد آهنگی تبدیل میشد که در جنگ هیچ مصرفی نداشت. دادن سلاح، ندادن قطعات بدکی به نیروها یا کشورها، بهترین وسیله برای درگرو داشتن ریش طرف خریدار از سوی ترووی است.

در مورد صنایع هم همین مسئله و نیز وجود مستشاران بنحویه رزی وجود دارد، همانطور که در مورد کشورهای امپریالیستی غرب سراغ داریم

۳- شاید کمترین بداند که انقلابیون فلسطینی بندرت کمک تسلیحاتی بلاعوض از شوروی گرفته‌اند و هر چه دارند پولش را نقد پرداخته‌اند. البته این، بدین معنی نیست که شوروی زمانی که منافعش ایجاب کند "کمک" تسلیحاتی بلاعوض نمی‌کند بلکه همانطور که در انگولا دیده شده و یا در تیوی و افغانستان، حاضر است لشکرکشی هم بکند.

۴- از بین ده‌ها مورد افشاگرانه راجع به رابطه شوروی با فلسطین قضا بانی نظیر مهاجرت یهودیان روسی به فلسطین اشغالی وجود دارد که بخصوص بخاطر صلاحیتها و کارآئیهای علمی و تکنیکی شان در تحکیم موقعیت صهیونیستها تا شیرفراوان دارند. سابقاً در "پیکار" در این باره اشاراتی داشته‌ایم و در اینجا فرصت پرداختن بیشتر بدان نیست.

۵- تلاش برای وابسته کردن کشورهای منطقه و نیز نیروهای انقلابی آن، به‌سیاست شوروی، از طریق وابستگی تسلیحاتی، شیوه‌ای است که مسکو برای تامین هژمونی و پیشبرد نفوذ خود بکار میبرد. کمتر تحرک نظامی در منطقه‌ها و ریمان می‌توان یافت که با موافقت مسکو همراه نباشد. دیدار رکاسیگین در یکی دویوز قبل از دخالت نظامی سوریه در لبنان جهت سرکوب جنبش مقاومت فلسطین و لزوم حطسب موافقت مسکو حتی برای استقرار نیروهای سوریه در منطقه "بقاع" لبنان نمونه‌ای از تلاش سلطه طلبانه شوروی علیه خلقهای تحت ستم است.

۶- حمایت شوروی از رژیم‌های بورژوازی دولتی بر اساس تضاد انقلابی و ضدما رکسیستی "راه رشد غیر سرمایه‌داری" و در حالیکه این رژیم‌ها به سرکوب فاشیستی کارگران و زحمتکشان کشور خود مشغول اند نمونه‌ای دیگر از برخورد سوسیال امپریالیسم شوروی با مبارزات خلق‌های تحت ستم میباشد. حمایت شوروی از عراق و سوریه بعثیها، از تیوی و یلا مریم، از سودان

نمیری و سوماتی را دباره (در گذشته) مالهای در آن زمینه هستند. در اینجا همس منافع ملی ستمده می‌کنیم (۳) و به برداست توهماً می‌رزو انحرافی ما همدن نسبت به شوروی بر میگردیم و ما کم می‌کنیم که این توهم برداست انحرافی ما همدن در زمینه‌های ساخت خارجی جدا از زلزله و ناسیکسری طبقاتی و ایدئولوژیک ما همدن نسبت، بلکه دقیقاً انعکاس آن است. وقتیکه ما همدن نگراف "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین" رهبری نائف خوانمه خطاب به خودشان که در واقع کارگزار شوروی در جنبش فلسطین است در صورتی که ما همدن را نشانه می‌کنند توهم بیشتری مبادا زنده، اسن برداست غلط و انحرافی را به همان دلیل طبقاتی و ایدئولوژیک در سازمان آزادیبخش فلسطین نیز میتوان دید.

باری، ما همدن نه تنها این برخورد انحرافی خود را تاکنون نپذیرفته‌ایم و از خود انتقاد نکرده‌ایم بلکه پس از دستگیری سعادت (۴) طی اعلامیه‌ای به توجیه آن پرداخته‌ایم. عملی صحیح! خوانند (۵) ما همدن حتی مدعی شدند که تماس با شوروی جهت "مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا" را در گذشته نیز انجام داده‌اند و با فدا فدا کردند که در سال ۵۱ نماینده‌ای از سازمان ما همدن همراه با سایر عرفات و با معرفی او به مسکو فرستاده است! این را میگویند "عزید ترا زگناه"! توجیه یک برداست نادرست با یک داستان غلط چون قضیه روابط خارجی ما همدن در آن سالها به برخی از رفقای ما منجمله رفیق تراب حق - شناس بر میگردد، ما پس از کسب اطلاع مجبده اعلام میداریم که چنان تماس و مسافرتی هرگز صورت نگرفته و گذشته‌ها زمانی ما همدن از اینگونه تماس‌ها مبرا است.

ما ضمن حمایت از سازمان ما همدن خلق ایران و اعلام تنفر از برخورد سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی نسبت به آنان و نیروهای کمونیست، ضمن محکوم شمردن محاکمه سعادت و رانی که علیه او وارد شده است خواستار طسرد انحرافات و پاکیزگی هر چه بیشتر سیاسی - ایدئولوژیک این سازمان هستیم.



(۳) - درباره برخورد شوروی با جنبش اریتره در آینده مطالبی خواهیم آورد.

(۴) - ما در جاهای دیگر به فدا انقلابی بودن باز داشت و محاکمه سعادت و عدم صلاحیت این رژیم برای بررسی فعالیتها فی که به نیروهای انقلابی مربوط میشود، بحد کافی برخورد کرده‌ایم.

(۵) - طبیعی است که انتقاد ما هیچ حقانیتی به سرمداران رژیم جمهوری اسلامی که این قضیه را وسیله تهمت و سرکوب ما همدن قرار داده‌اند، نمیدهد.

بقیه از صفحه ۱۲ پیام...

زحمتکشان ایران و عراق!

در جنگ کنونی تنها و تنها امپریالیسم غرب و سوسیال امپریالیسم شوروی سود می‌برند. این جنگ به زحمتکشان غلظت نادر و ارفغان غومی است از سوی دولت‌های سرمایه‌داری حاکم - ایران و عراق. بیش از این سرمایه‌داران حاکم - اردو کور و ریزیونیست‌های متعلق و جاپلوس سورزوی احازنده می‌توده‌ها را به گوشت دم - توپ منافع خود بدل سازند. در هر کجا که هستیم کارخانه، مزرعه، مدرسه، اداره... مشکل و متحد سویم، توهمونا آگاهی را نسبت به حاکمیت و جنگ در هم شکستیم.

هستند نیروهای ما سندر راه کارگروزمند - کان که شما را به دنباله روی از دولت‌های ارتجاعی و شرکت در این جنگ فرامی‌خوانند. آنها در این جنگ عملابه بورژوازی خدمت میکنند و با بدسیاستهای انحرافی و ریزیونیستی آنها را افشا کرده و برای مبارزه خود علیه این جنگ غیر عادلانه و ستم سرمایه‌داری وابسته، ما مل اصلی فلاکت و کشتار زحمتکشان بی‌خیزیم.

فریاد خود را بر علیه این جنگ ارتجاعی بلندتر کنیم! جنبش آوارگان جنگ برای بهبود وضع زندگیشان را متشکلتر کنیم! جنبشی اعتراضی سر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم! مبارزه علیه جنگ را به هر کسی برای گسترش انقلاب بدل کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۸/۲۷

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

نمیدهند و عملاً توده‌ها را زیر آماج تبلیغات بورژوازی رها میکنند. نتیجه یکی است: توده‌ها زیر نفوذ و سیطره ایدئولوژیک سیاسی بورژوازی قرار میگیرند، بورژوازی که نیک میدانند تبلیغات را وسیعاً در توده‌ها نفوذ داد.

بدین ترتیب عدم پیوند با توده‌های وسیع از طریق تبلیغ گسترده، تنها و تنها بسود بورژوازی و میلیتین پراکندگی تمام میشود. ادا مه دارد.

بقیه از صفحه ۲ راهپیمایی...

از ۳۰۰۰۰ دانشجوی کمونیست و مبارز ریزگزار گردید. دانشجویان انقلابی قصد داشتند به سفارت امپریالیسم آمریکا حمله کرده و آنرا با آتش بکشند، اما پلیس مرتجع یونان از سفارت یا نگی‌ها به شدت حمایت کرده و با حمله خود به صفوف دانشجویان حداقل یک دختر دانشجو را کشته، صدها نفر از خمی و صدها تن را دستگیر نموده است.

شماره ۲۳ رفیق حمدا ...

بدون ارساط تشکلاتی بدستبرد...
سازمان سردا حدیثا مبروی خود را در خدمت
رهائی رحمگسان ارجو و رسم طیفانی فرار داد
سکا رگرسید در با سنان ۵۹ سادرگ ان...
واضع که برای ماره انقلابی تک...
انقلابی لازمست و با جمع بندی از صالحی های
گذشته به تشکلات هواداران سازمان سکا ر
سیوست و ابر داد ۵۹ ماره خود را در یکی از
کمپنه های محلات بس سرد رفیق سیدما خاطر
ستکار و صداقت و بیعدا انقلابی نسبت به آلمان
ساربحسار طبقه کارکردارنا موطن تشکلاتی
سخت کوسا بود و بیچمن خاطر سواست سدراج
تشکلاتی را سرعاطی کرده و بدعوبت "هسته
مرکزی" محله ای که در آن فعالیت میکرد در آند
رفیق حمید برای انجا وظایف تشکلاتی و تبلیغ
مواقع سازمان سورهدر مورد جنگ ارتعاعی
کوسو در سپرمانده بود در راه انما ما مورست
سازمانی در حین کدسختن از "چهار راه آبادان"،
برابرنا سکری راننده یکی از انومسل های
کمته انقلاب اسلامی "ودر ارتعاع و آن زندگی
سرافتخار ولی کونا هس سنان رسد در حالیکه
دسکرفقای هموزم ساره او را سارنا مبروز
- مندن ادا مخواهند داد.

سادس گرامی و راهس بوبنده ما د!



شماره ۲۳ رفیق بهرام ...

جنگ بیفرسندتا "گوست دم توب" آن ساند.
رفیق شهید ما علی رغم سراسر سطح جنبه های
جنگ بطور حتمگسری در راهسای جنگ ناخوارگزارنه و غیر
عادلانه سن ریمپهای ایران و عراق فعالیت کرد.
رفیق بهرام سدهیبه رفته بودنا ما هست
جنگ ارتعاعی رامن سربازان سربلاکنند.
اوبراسس تحلیل سازمان اعتقادی سبرکت
در اس جنگ نداشت، اما جنبه یکی از سراسری
بود که در آن ارتعاع و جنگ اومی یابست اسفا
کرده می ساست در سکرها در مان سربازان که
فرزندان زحمگسارند تبلیغ فدحنگ نمود و
آسپا را برای انقلاب آماده ساخت، رفیق بهرام
حنس کرد، اوبه جنبه رفتم نا سربازان سکود
که اس جنگ متعلق به سربا مده آران است و
کارگران و فرزندان زحمگسار ایران و عراقی
نیایدید سکررا کستار سماند، اما دشمن اچاره
دانا اوبازهم سبتر ارتعاع ایران و عراقی
وما هست نا عادلانه جنگ کمونی را افسا کند، او
فعالیت انقلابی خود را در واحداثا تکي خودسه
سس سبردا ما این واحدمورد هدف سبمباران
هوا بیما های عراقی فرار گرفت و سس ترتیب
رفیق بهرام در راه سناض رحمگسار سوبط
ارتعاع سخاک و خون کسدهد



شماره ۲۳ سراسیم ...

ما سبرکت کسندگان در سزرگذاشت سکا رگر
سپید حسن نورائی، که در روز سبسه ۱۷ آلمان
توسط سازمان سارس عموا اتحاد سده چپا سسی

به رعای سید:

سکرالده انسار
محمد اسرفی
سوجیرسنگ اسدام

سرخ

عشی آر آنکونه که سسته را می دراند
سس از آنکه صف نفنکچیا
سس حون آلودش را
سنا سدرفته ما شد

سادنان سرج است ساران!
تلیبی از آنکونه که سوفان سکنند ز خون
در سکر دل اورس
سس از آنکه سس سبکیهای نا کچیان
از حروس افتاده ما سد
سما ستان سرخ است ساران!
ستی بزرگ

- مثل هسه -

ستی بزرگ
سرا مده از خم در سبای مردم
که ساره مکنده سفس
سس از آنکه در سنا هم ستر
وسران شده ما سد
راهتان سرخ است ساران!

حیمی خسره
که سبگشته، مغا تف خود
سردوسوی

سدرخم می افاند
سس از آنکه ز آسمان سحرگای این
دور ما نه ما سد.

سرخ است سادتان!

سرخ است نامنان!

سرخ است راهتان!

سرخ است

سرحمی که سرافراسند

سربلند غرور

ناباد

سردوسوی

عظرا هنزاز س را

سرا کسندده کند.

سرخ است راهتان

ساران!

هم از سبروست که سدری نمی گذرد

تانا سرنج

سردوسوی سخواند

سرو دستان

(سپند)

۵۹/۸/۱۸

شماره ۲۳ رفیق غلام ...

- های سخت، رنج و سس طیفانی را که سربا س -
داران سربان بخصل می کسند با سوس و کوسب
خود لیس کرد. در سال ۱۳۵۷ ساروح کسری حنس
سکوسیده بوده های زحمگسار برای در هم سسگر
سجبرهای سدرکی به سسل خروسان سبارزات سیده
- ای سوس و از کلسه اسکال سبارزایی، ار
سبرکت در سبها هرات حاسایی نا اعتراف س و
اعضا سنا کارگری برای رهائی از سلسطسه
سبگانگان و در راه سبرکوسی ریم و اسسده س
امبرنا سس ما ساهلاد سوس محس، در حوسان
اس سبارزات توده ای، آکاهی ساسی اوسه
سبران ارز سسندی سالا رفت. سس از سنام س
سکوه سبهن، ساساخت اروا فعبات عسنی حامه
و آسائی با حهان سسی طیفه اس مار کسسم
لنسندیم، سبارزات رفیق اسفا کسبرده ای سبود
کرفت، اوسکا راکا هکرا نه سوزا مدهی در سبان
کارگران سبرداخت و سذا ف و سس انقلابی او
اعتماد کارگران سبارزات سست به رفیق غلام
جلب کرده و وی سبنوان سنا سیده سورا از سوی
کارگران اسکله ۷ سکز سده شد. در سجم سب سوری
اسلامی که از سوانائی های انقلابی رفیق و سز
اطمناسی که کارگران سواد سسند آکاهی و
و حست داشت بیبا نه کچی سن از سنا سده کی وی
حلو کسری کرد، رفیق در سبارزات کارگران سبمانی
نفسی فعالیت داشت و برای ابسنگه این کارگران
سبروش صنعت نعت قرار گرفتند سلس بسا ر کرد
رفیق سس از سنائی ساسوسال سبم علمی اسندا
در صفوف هواداران سازمان حرکیهای فدائی
خلق سبار گرفت ولی سسی سار سکا رانه سوسارس
طیفانی آنان بار و حده و خطیت های طلقانی
رفیق هم آهنگی نداشت، رفیق غلام در حوسان
سبارزاتی س مواض سازمان سکار آسما سد و
سرای سسبردا اهداف کمونسستی به صفوف آن
سبوست، و از سبهر ۵۸ در ارتعاع فعال س
سازمان ما قرار گرفت، و سز کسبای انقلابی رفیق
و خطیتهای سبرولتری او موجب شد که رفیق در
تشکلات سربا رسد سنا سد. رفیق در ان سنام
وظایف تشکلاتی و سبارزاتی اس جان سورو
شوقی سنان سدا که رفقا سس سدا ولقب "سرسور"
داده بودند. سس از آغا جنگ نحسبلی و ارتعاعی
کنونی رفیق غلام برای تبلیغ و سروس سساست
سازمان در کسنا رتوده های که احبار در سناطی
جنگ زده ما سنده سوبند سانی ما ندوسه ان سنام
وظایف تشکلاتی خود ادا مده داد.

در روزدهم آسما سها ۵۹، رفیق سکا رگر غلام
سقاط در حالیکه سبیس از ۲۵ سال نداشت در اسر
سرتکس خساره های ارتس مرتع عراقی سبهادت
رسید.

رفیق سیدما، علاوه سر کار فعال و آگاهگرانه در
سبان کارگران، مقالات و اسارزادی سز سبسه
کرده بود و کزاز سناات زبادی را برای سسریات
"سکا ر" و "سفتگوسه سس" فراهم آورده بود،
سادس گرامی و آلمان سنا حاب سبب سارا



ملاحظات کوتاه

میدان‌داری بنی صدر

اس روزها سی صدر، سردسلسرا لها چه در میدان آزادی وجه درحسند ارنا دنما تلاش خود را بکار بردتا همه بدبختیا وفلاکتها ی مردم را بسه کردن رقبای خودش در حزب جمهوری اسلامی بیاندا زدو خود را بعنوان آلترنا تسو پاک وحلال مشکلات معرفی نماید. توکوشی از استدا با همان حضرات هم‌کا سه نبوده است.

او امروز می گوید در ادمن علم هستی بسدو میگوید ما متخصص احتیاج ندا ریم وتلویحسا تعطیل دانشگاه را تقصیر رقسان می شمارد و کمان می کند مردم سخترانی او را در دوم اردیبهشت که بیس از یورش منول واره دا نشگاه ا براد شد فرا موش کرده اند که برا جسد کشتگان دان نشگاه گفت: امروز، روز سیروزی ماست ودولت استقرا زیافت! او میگوید هیچکس از ما معصوم و بی خطا نیست فقط "ا ما غا بب" معصوم است ولی کمان می کند که مردم از یاد بردند اندکها و در باره آیت الله خمینی چه ها که نمی گفت.

او از بکیر و بیندها وزندان وشکنده و هفت تیرکشی گله و پرخاش می کند ولی وقتی که کردها وترکمن ها و اعراب خوزستان، کمونیستها و مجاهدین را کشتار روزندانی می کردند او را می داد که "اگرم من هم بودم همین حکم را میدادم". او صریحا بد رقبایش میگوید که اگر میخوا هید سا شما وحدت کنیم، باید حاه طلبی وانحما رقما مات را کنار بگذارید و با شید بین هم تقسیم کنیم ولی یکی دودعیغه بعد میگوید در مکتب ما بر حلاف مکتب دیگر کار را برای خدا باید کرد (!؟). و احلا بین ما عدرب طلبی مطرح نیست! خلاصه اگر بخوا هی پشتک وواروها سس را بشماری به آخر نمبرسی. دجالی بنی صدر امر تازه ای نیست ولی ورشکستگی حزب جمهوری اسلامی راه را برای ما نورومیدان داری لبرالها با زگذارده است. آنها را افسا کنیم و دست محرم را در حین ارتکاب حرم بگیریم.

ماشاء الله قصاب،
همکار خالخال!

مردم مبارز ایران با ما شاء الله قصاب و کارهای او آستانه نیستند. وی وکمینه مشهور ضد انقلابی اش که از طرف رژیم جمهوری اسلامی در سفارت سابق آمریکا مستقر شده بودند، سا استفاده از روشهای ساواک و سیا و بکارگیری مهربه های سازمان "امنیت" شاه به کار انقلابیون می برداختند. دستگیری مجاهد سیرسعدتی از "ساکار" های او مزدوران مسلح ناند او

بقیه در صفحه ۱۳

جنگ و رادیوهای ضد انقلابی

"صدای آزاد ایران"، رادیوی مطبوعه طلبان فراری با دفاع از ساری "ساده" مدام حسن در الحاریر (سال ۱۹۷۵)، گناه آغا رحک را سد کردن رژیم جمهوری اسلامی می اندازد وتلویحا جانب رزم ارتجاعی عراق را کرده و با دفاع از "ازس جمهوری اسلامی" که میداند "خودی" است و بربرک کردن نفس آن، تفصیر سکتها را موحه "ناسداران" و "آخوندها" مینماید. این مرتجعین فراری کمان می کنند که با سعی در حاد کردن ارتش از کل نظام کم خواهند توانست آب رفته را نحوی بازگردانند. ولی مردم فهرا من ایران بانبان کستارهای ۱۷ سپهسور - ها، ۱۳ آسانها و ۱۶ آذرها و... را هرگز فراموش نخواهند کرد.

دارودسته بختارخاشن با برنامه های "رادوایران" خود با سوء استفاده از نفرت روزانسون افسار مختلف مردم از رژیم جمهوری اسلامی سعی می کند تقصیر تمام ناسامانی های حامی و همجنین عوارض هستی بر بادده وفلاکت نارحک ارتجاعی کنونی را متوجه جناحی از رژیم نموده و با حمله به "ملاها" و در راس آن "خمینی" ارتش ارتجاعی را نشط و بر کرده و مقامت بحق مردم در مقابل لبرالها و ارتش را از اعتراض و مبارزه توده ها بر علیه کل رژیم وهیبتا که جدا کرده و با تکبه به عنا صر لبرال و ارتش ارتجاعی حای ناشی برای خود در جا معبا ز نماید. سخنیا رزم دور که در سنگر کلیده ساسان خلق ما و از حمله رژیم مرتجع عراق، بر علیه خلقهای میهن ما توطئه میکند. در رادیوی ضد انقلابی اس با تبلیغ "دفاع از میهن" سعی می کند فریبکارانند سیده - ها وتوطئه های بی را بیوشاند. اما ا وحزقشر محدودی از "لبرالهای" وابسته وعنا صر خاشن ارتش وقشری از رده های بالای بوروکراتها و کارمندان وابسته به رژیم سابق، باید ای در حاه نخواهد یافت.

"رادویوسکو" صدای سوسیال امپریالیست های روس، فریبکاراندها ان "خانم جنگ" می باشد. اما با پیدا ز این روبه صفتان برسید چه کسانی رژیم مرتجع عراق را مسلح می کنند تا زحمتکشان میهن ما را خاک و خون بکشاند؟ چه کسانی به صدام حسین اجازه میدهند که تویولف های روسی که بر اساس قرارداد دنظا می فقط علیه اسرائیل باید بکار گرفته شوند، اینک مردم بی دفاع ما را بمباران کنند؟ خواب روشن است این سرزنف و شرکای خاشن ان می باشند که به صدام اجازه میدهند.

سوسیال امپریالیسم روس این جنگ را "تضعیف نیروهای ترقی خواه" میدانند (رویزیونیست های شوروی هر دو رژیم ایران و عراق را "فد امپریالیست" میدانند!) و در رادیو مسکو در همان زمان که فریاد می کشد "این جنگ شیره جان دو

بقیه در صفحه ۱۸

ما در گذشته نفس ضد انقلابی برخی از رادیو های امپریالیستی و ارتجاعی را ضاه کرده ام بخاطر اسوراخبار از سوی رژیم جمهوری اسلامی وساست تبلیغاتی ارتجاعی، "صدا و سپهای" ارتجاع حاکم پیش از بیس اعنما دخود را در میان توده های مردم از سد داده ومیده و در نتیجه مردمیکه طالب اخبار صحیح هستند ناچاراً به رادیوهای بیگانه کشیده میشوند و این کسب بویژه پس از شروع جنگ تحمیلی وتجاوزکارانه رژیمهای ایران وعراق افزایش یافت و موقعیت مناسی بدست امپریالیستها ونسرو - های ارتجاعی منطقه داده است تا با سوء استفاده از زلزله حاصل از نبود اخبار صحیح سیاستهای ضد مردمی خود را از طریق بلندگوهای خود بساده نماید:

رادویو "بی بی سی" سخنگوی امپریالیست های انگلیسی در آغاز جنگ وهزمان با حملات وسیع ارتش عراق بیشتر جانت دولت بعثتی عراق را میگرفت، ولی بخاطر نرمشی که در سیاست جمهوری اسلامی نسبت به "غرب" پدید آمد (بویژه نیبا رژیم به تسلیحات وتجهیزات جنگی) و... و از حمله مطرح شدن مسئله گروگانهای آمریکائی، لحن این بلندگوی امپریالیستی تغییر یافته و اغلب اخبار را به نقل از رادیوی جمهوری اسلامی بخش مینماید.

رادویو "صدای آمریکا" نیز که روزانه چندین ساعت برنا مع به زبان فارسی پخش مینماید از آغاز جنگ بطور محسوس از رژیم جمهوری اسلامی طرفداری مینماید. و این طرفداری با اعلام شرایط آزادی گروگانها از سوی مجلس اسلامی بوضوح افزایش یافته است. امپریالیستهای آمریکائی از سیاست گرایش به غرب جمهوری اسلامی که بویژه از طرف لبرالها تقویت میشود ونیز نقش واهمیتی که ارتش دست پرورده امپریا - لیسیم آمریکا در حاه مع مییابد، خوشحال است و این رضایت را با اعلام اینکه "ایالات متحده از تمامیت ارضی ایران دفاع میکند" ونیز - آ مادگی ارسال تسلیحات (که بنا بر اخبار موقت اخیرا به ایران رسیده است) و پشتیبانی از "گرایشات واقع بینانه رژیم جمهوری اسلامی و... بیان مینماید. پس از سفر نخست وزیر "مکتبی" به نیویورک ونشان دادن "درباغسیز" از سوی اولحن "صدای آمریکا" دوستانه تر گذشته است.

"رادویو اسرائیل" بلندگوی تبلیغاتی صهیونیستهای اشغالگر فلسطین نیز همی - سیاست رادنیال میکند. بویژه بخاطر تشریحی که پیشروی رژیم ارتجاعی عراق در این جنگ در دامن زدن به احساسات خفته و بیدارنا سونیالیستی اعراب و در درجه نخست اعراب مناطقی تحت اشغال فلسطین خواهد گذاشت آشکارا از رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکند.

بقیه از صفحه ۲۸ عاشورا...

اولس مشخصه ای اسطوره ها که آنگاه آنسان نبوده ایم عمیق با توده ها می باشد، وجه مشترک آنها با زندگی برادر در دور رخ توده ها است: **رنجی که می برند**، سمنی که بنا حق به آنها تحمیل مسود، ظلمی که حسان نیست و بنا مردمان سر آنها ن روا میدارند، شکنجه ها که در آرد آروسی- با بان است، مسخ مطلوب مشهود و آنچه می از شکنجه ها که در دناک، سیا ووس ار در و میهن را ننده میسود، بنا حق بدنا مگر دوس دور از صیمن با سوطه و نرنک به سفاقت میرسد و سفاقت حسن سز سبیا ر دلخراش است، دستان برادر س عباس قطع مسود، فرزندان و برادر و بران و حتی کودک اس و خودا و در حال تسنگی برحمانه کسنا ر میبوندوزنا نشان اسر میگردند. در اسطوره ها شخصتهای اسطوره ای همواره مظلوم بیگناه و با کندی، مملای مسخ در عرس هیج گناهی نکرده است و سیا ووس آنقدر باک است که از آتش میگذرد و نمیسوزد، آنها بر اثر بلیدی دیگران به سفاقت میرسد، بهبودای جاسوس مسخ را لیس میدهد، سیا ووس اسیر سوطه های سودا بسه و نزدیکان افراسیاب مگر ددوا هل کوفه به حسین پشت میبندد و او را که بد عو نشان آمده، تنها بسا ۷۲ تن در مقابل هزاران تن از لشکر بان تنها میگذارد.

اسطوره ها بنیان آرمان گراشی توده ها است، در نزد توده ها اسطوره ها قهرمانند، دارای همان خصوصاتی هستند که توده ها میخواهند، شخصیت های اسطوره ای شجاعند و اسلحه و فداکار و مظلوم، بخصوص حسن که با نگر و حه خشم و اعتراف توده ها نیز هست (۱). حسین و سیا ووس بس از نبرد به سفاقت میرسد و با بن سرد با ظلم که بیان روحیه خشم توده ها بر علیه ظلم و بیبیداد است، آنان را بسبب ر عزیز و دوست داشتنی میکند گرامی داشت سیا ووس در ایران باستان مراسم عزادارانه بوده که توده ها به تلخی بر رنج سبیا ووش میگریستند. در سفاقت حسین نیز ننه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی هر سال یکبار با تمام وجود بر سفاقت

(۱) - در اینجا باید به این مساله اشاره کنیم که جنبشهای دهقانی در میهنمان بر علیه فئودالها در قبا مهای خود از تشیع و بخصوص سفاقت حسین سودجسته و خود را بروهیب دانسته اند. ایسن مساله خود نیا ز به تحقیق جدا گانه دارد، بر سفاقت ابن و اتمعت مسلم دار که جنبشهای دهقانی، ایدئولوژی ای جز مذهب برای مبارزات خود در دست نداشتند. جنبشهای دهقانی در اروپا با جلوه ای از مسیحیت و جنبشهای دهقانی در ایران با تشیع و حمانت از حسین مجهز شدند و این را با بیدرد ذات جنبشهای دهقانی جست که بجز مذهب قادر به تبیین خواستهای خود از طریق ایدئولوژی دیگری نبودند، بهر حال در جنبش های دهقانی ایران، توده ها بر این روحیه خشم و طغیان حسین نیز انگشت میگذارند.

حسن میگردند. سوده ها رنج حسن را با دمسار و بر دور رنج طغیانی خود را در مقابل آن ناحرمی سنند و شکین می بایند. آنها قهرمانها و دلایر بیای حسن را می سنند و دریا آن دلایر ها، خود را نکین میبخسند و عسی به سفاقت خوب انسانی را در خود آرفا، مکنند و از همه مهمتر با زدن حوس با گره گردن آنها، آن سورا نقلای ساری را که سنم طغیانی در آن ذخیره کرده است بر سفاقت میدهند. مستی را که با بدرسینده است سماران بکوند به سبه خود می کوند و آرفا، مسوند و آن کینه و نفرشی که ستم طغیانی بر آنان انباشته است را با گربستن از خود دور میکنند خود را راحت میکنند و شکین میبایند، این جنبه تحدیبری عا سورا است. اما در کنار آن جنبه تحدیبری، روح عظیم توده ها را میتوان دید. عشق به سفاقت در راه دیگران، عشق به آزادی و آزادیخواهی، عشق به باشار، عشق به فداکاری، دوستی و رفاقت دشمنی با ظلم و ظالم، این جنبه مثبت اسطوره عا سورا است.

دومین مشخصه این اسطوره ها، در آنجا است که بیشتر و بیشتر در خدمت تقویت روحیه تسلیم، رگودور با آ نحه مشیت الهی استدر میآید و توده ها را به مظلوم بودن دعوت میگرد و ساری مظلومیت، قدوسیت و احترامی خدای قائل میشود. این خصوصیت اسطوره ها وسیله مناسبی برای سهره گیری طبقات است سمارا گراست. این اسطوره ها از سوی طبقات ارتجاعی بصورت عا ملی سساری تخدیر توده ها در می آیند. این طبقات میگویند تا آنان را آرا مکنند، با شرح درد رنج خدانان و اما ما نشان، درد رنج طغیانی را بر ایشان قائل بدیرش نما بند و روحیه خشم و طغیان و اعترافشان را خاموش سازند.

مسیح، سبیا ووش و حسین مناسبتترین نمادگان اسطوره ها برای شناخت روحیات توده ها و چگونگی استفاده طبقات است سمارا ز این روحیات است. بهر گیری رژیم جمهوری اسلامی از عا سورا یکی از موارد بارز فریبکاری و خبیانت به توده ها است. رژیم میگوید سفاقت قرادادن رنج حسین در برابر ستمی که به توده ها وارد میشود، جوی بوجود آورد تا توده ها ستم و است سمارا طغیانی را فراموش کنند. رژیم میگوید سفاقت توده ها، مسارزه آنان را علیه هیات حاکمه تخفیف داده و بسا منحرف نماید. طبقات ارتجاعی در پی آنند تا با برجسته کردن جنبه های منفی اسطوره ها، از دلایر، باکی، مهربانی، صداقت، عشق، فداکاری، ایسا ر توده ها در جهت تحکیم حاکمیت طغیانی خود بپره جویند. آنان دوسلاح برای سفاقت و حکومت دارند: یکی سرکوب و دیگری تحمیل آنان در همان زمان که حفاقت را تشدید میکنند و بسه سرکوب خونین دست میزنند، در میان توده ها به انا عا ایده آل بسمی بردا زند. آنان میگویند آیا جامعهای که خوسخت، بدون رنج و ستم مسخواهد؟ باید رنج این دنیا را تحمل کنید تا در دنیا شای دیگر جا و دان با آن دست یا بیدر حه

قهرمانی، دلایر، از خودگذشتگی سفاقت منافعان مسخواهد؟ در روی زمین حق ندارد آن را جلوه گرسا زید، اما در آسمان میتوانند سبیا ل خدانای با اسن حاصل نکرده و تا زه آن قهرمان - ان نیز با یستی سسترو بسین سفاقت روح سلسیم رگود و سظلم سفاقت منطبق کرد. نه، سفاقت بر جسموا اعتراف و طغیان نشان دادن سزند.

همچنانکه در زمان سفاقت، توده ها بسا عزاداریهای روز عا سورا، آن سفاقت خشمگنان را شکین میبندند، در زمان جمهوری اسلامی نیز سوده ها خود را میزنند و میگریستند تا سورا نیاسته سده حاصل از ستم طغیانی بپدر رود. طبقا با است سمارا رگود ره در حین تخدیر توده ها کوسده - اند. اما ما کموبسین سفاقت نمی توانیم نسبت بسه روحیات توده ها بسا اعتنا بسا نم. اسطوره ها قرنهایست که در ذهن توده ها خنده دارند، نمی توان و بسا بیده اسن اسطوره ها اعلان جنگ داد.

(همچون آنرا رسپستی) و سمنوان و بسا بد سفاقت توده ها افاقتا دوبر تفکرات با قیما ندها سظلمه سالی ستم طغیانی صحه گذاست. (ما بسا سده روبرو بسین سفاقت که با تا شد کما مل این اسطوره ها، بر تحدییر توده ها صحه میگذارد، روح سوبه "مردم" ۲۶ آبان)، عطف توجه ما بسا بن اسطوره ها برای سفاقت سفاقت وضع توده ها و در نظر گرفتن روحیه آنها و بر خوردا صولی و متنا سب با این روحیه است. ما با بد روحیات توده ها بسا بسنا سیمو با روحیه تسلیم، رفا و رگود سنان سده مفا بله بر خیزیم، اما همه آنها را در بطن مبارزه طبقاتی با بیدا نجامد؛ دونه با مفا بله بر علیه "مذهب" و "اسطوره ها بیانا".

مذهب توده ها ساری ما امری شخصی است و برای دولت آبنده کمونیستهای نیز امری شخصی (البته نه برای حزب طبقه کارگر) خواهد بود، اما با اینهمه ما موظفیم به توده ها بکوشیم که چگونه از احساسات و روحیات آنها، طبقه سفاقت است سمارا رگود می جویند و چگونگی روحیات آرمان خواهان آنها را برای تخدیر سنان به بسازی میگیرند. با بد سوشیم که مظلوم سفاقت بد بسود، هما نظور که ظالم سفاقت بد، بلکه بسا بدقا طعانه و سفاقت عا مظلوم طغیانی را بر انداخت و همه چیز را که خواست توده ها است در روی زمین تحققی بخنید با بید سوشیم که رنج محتوم و ابندی نیست و می توان در روی زمین آنرا بر انداخت و همه بسینا را با بد در بطن مبارزه طبقاتی به توده ها نشان داد، با بد کوسد طبقات است سمارا رگود در نزد توده ها بسنوان سفاقتی که از احساسات و آرمان - خواهی های با کسان سفاقت استفاده میکنند، افسا کرد و سورا ننا ستم سده ا سفاقتی نشان داد. انقلاب بکار گرفت، و نگذاشت که بپدر بسرود. با بیدر حه آرمان سفاقتی و خشم و طغیان را در حین تا بودی طبقات سفاقت داد. و با هر آنچه روحیه تسلیم و رگود سفاقت را تبلیغ میکند، بسا سیه - های علمی مسارزه کرد و توجه داشت که بسینا در آستانه رسیدن انسان به کمونیسیم، دیگر آرز نفوذ این اسطوره ها در توده ها خبری نخواهد بود.

تشدید مبارزه طبقاتی

■ جناحهای رژیم را ■
بجان هم انداخته است

اولا و دعوا چرا آغاز شد و جدال بوسر چیست؟

سدت گیری مبارزه طبقاتی در درون حاکمیت
انگلسن را در درون حکومتها صورت سکا فیما و
اختلافها نمایان میکند. حرکات انقلابی نوده
ها، بپایه های قدرت حاکمیت را به تکان میآورد
جنب و جوش نوده ها در "بالاشیها"، "بالاشیها" زانه
نکاپودری آورد. اعتلا انقلابی حتی در مدارج
پا شینی این شاه ارتجاع را سی آزار دو "خطر"
انقلاب و با بودی شان را جلوی چشمشان میآورد
و آنکه "بالاشیها" بتدریج به جان هم می افتند
استثما رتوده ها دیگر مانند سانی راحت نیست،
نوده ها را به آسانی نمیتوان فریب دادوسی سر
و صداسرکویشان کرد. نوده ها آرام آرام، زمین
زیر پای بالاشیها را داغ میکنند و آرام آرام
بالاشیها را بیهم می زنند و چکا بیت آن میمونهای
تکرار میسود که با همه محبت بیکدیگر چون قفس
آهنی سان را داغ کردند، میگویند نه سزای در
امان ماندن از کرما، بوروز، دیگران بنشینند
دیگران را فدا کنند تا خود نجات یابند! این
مسئله در میان تمام حکومتها، حتی آنها نیکه
ترکیب یکدست تری نیز زارده، امری است که املا
قا نونمند، چه برسد به رژیم جمهوری اسلامی.

بخاطر داریم با ورش اولین نسیمهای اعتلا
در زمان شاه خا شن، پیش از آنکه این نسیم به
طوفانی سهمگین بدل شود، چگونه بنا خنهای
مختلف درون رژیم شاه که همگی سان نیز مزبور
امیریا لیسیم آمریکا بودند، دچار اختلاف شده
بودند هر که ام میگویند تفصیرا به گسردن
دیگری میاندارند و سیاست خاص خویش را سزای
سرکوب جنبش نوده های بعنوان ننها راه در سان
بیمار رژیم سرما به داری وابسته شاه خا شن، بر
حکومت غالب گردانند. ما رکیسم - لنپنیسم
حکم میکنند که ضد انقلاب برای مقابله با انقلاب
بتدریج میگوشتا فشرده تر کرد و در این راه
با یستی حتما و حتما با یک سیاست بگانه حکم
براند، تشتت و اختلاف که خود نتیجه طبیعی حرکت
انقلابی نوده ها است، با یستی بسودیک جناح
خا تمهیا بدو همبسی مسئله نیز خود جناحهای رقیب
را برای غلبه نخیدن به سیا ستها ی خود، درگیر
جدال و دعوا میسازد و این روند شاه نجا میرسد که
یا دیگران رکان بالاشیها بدلیزده می افتد و دورانی
میرسد که نوده ها دیگر بالاشیها را نمیتوان نند
تحمل کنند و بالاشیها نیز نمیتوان نند حکومت

یادداشتهای سیاسی هفتشنبه

کسند، یعنی اعتلا انقلابی به موفقت انقلابی
بدل میسود و با یک جناح مسنوا سدفدرت را بطور
کامل فیصد کرده و ارتجاع را بهم فشرده سا خه و
انقلاب را در هم کوید. این فاسمندی انعکاس
حسن نوده های در موفقت دشمن است.
امروز جناحهای رقیب رژیم در مقابل رسوا
شدن تدریجی سان در نزنوده ها دست و پا
افشاده میگویند، جناح مسائل را مضر جلوه
دهند و از سوی دیگر گذشته را حرم را بگردن بکدیگر
انداختن، یک مسئله سیاسی را ساسی معنوا ن
بهر سربن عامل و عودا اختلافات، جلوه گراست و
آن ایسکه در جناح دوشیوه متفاوت سرکوب نوده
ها را برای بازسازی کامل سرمایه داری
وابسته دنبال میکند، بورژوازی لیبرال
خواهان سیاست جناحی و نمان تیریبی است:
"رسمهای محدود و حزبی برای فریب بحثیانی
از نوده ها و بیرونی نیروهای دموکرات، سرعست
بخشیدن به روابط عادی و علیی با امیریا لیسیم
عرب و سرکوب جنس نوده های"، در حالیکه خرد
بورژوازی برده سسی و جناح بورژوازی حزب
جمهوری اسلامی برای بازسازی سیستم سرمایه
داری وابسته، سیاست سرکوب کامل و بسودن
بر ما معنوا در سبال میکنند آنها سلطت خصال
طبقاتیشان را فدا آن دورا ندیشی ویرنا مریزی
منظم لیبرالها برای سرکوب نوده ها هستند، هر
دومی اندیشند که سیاست طرف مقابل به اهدا ف
طبقاتیشان ضربه زده و موجب سکستان را فراهم
میکند، و دیگری بیسترحینش نوده ها، آنها را
سرای اتخا ذیک سیاست روشن و واحد، بیسترسه
خان هم می اندارد، آنها در هنگام بر خور دیا هر
مسئله دچار رفتار اختلاف شیوه میسوند و این ار
بهم فشرده شدن ارتجاع سزای سرکوب انقلاب
جلو میگیرد، پس بنا چار دو جناح برای یکف
آرودن کامل قدرت برای اعمال سیاست
متفاوت سان بجان بکدیگر می افتد، در عین حال
بقیه در صفحه ۲۶

رفقا! اعضا، هواداران!
هما بطور که در گذشته تا کنون کردیم، رفا با نند
کوشش کنند مقالات و مطالبی را که در نشریه
پیکا زیبا علامت سه ستاره در انتهای آنها مشخص
میشود، تکثیر و پخش نمایند.
سیروزیا سید!

عاشورا: نمونه ای از خدمت گرفتن غرایز نوده ها در جهت تخفیف تضادهای طبقاتی

سی سکا اسطوره ها، آئینه های از روحیات
نوده ها هستند. در اسطوره ها، آرزوها، خشمهای
شروع نده و رنجهای کهنسال و در سینه سان را می
توان ما نندیک گنج از سب خروا را خاک سرون
کسید، نوده ها، زاستنگان و انعی این اسطوره ها
روحیات خویش را در آن آمیخته اند و چون خود
"مادر" این اسطوره ها هستند، آن را چون سرزندگی
در دما نشان می سرورند و همه کمی ها و کاسیها
و همه قوتیهای خود را در آن خای میدهند، مسدا
اسطوره ها میتوانند، هادنه ای در یک گوشه جهان
با سوبیا حتی صرفا از آرزوهای نوده ها برخاسته
سند، اما حتی اگر سید اسطوره ها واقعیت نیز
داستد باشد، آن چیزی که نوده ها از آن مسازند
بسا رمتفاوت از آن چیزی است که روی داده
است، نوده ها خود را با آن در هم می آمیزند و آن
غرایز و گانه یعنی روحیه تسلیم، خمسودی و
تظلم از سگسوخمشوا عنراخ و وطنیان را از سوی
دیگر در آن ینهان میکنند. نوده ها آرزوها و
روحیات و احساسات خود را که در طی قرنهای سیم
طبقاتی در آنها نیده آمده است، در اسطوره ها
خا ودان میکنند. اما اگر این نوده ها هستند که
اسطوره ها را میرسانند، طبقات استمارگر و
اندیشمندان در طی تاریخ، اسطوره ها را
آنچنان که بسود استمارگران عمل کنند، فرم و
شکل دلخواهی هستند، حکومت سروده های
سنگتس سدون نفوذ معنوی سزایان و قبولاسدن
سیم طبقاتی و خا ودانگی ظلم و رنج تا با سان
این دنیا و طلوع دنیا نی سزایمگ، محسبال
بوده است، و از آنرو طبقات استمارگر و
اندیشمندان سان همواره بر روحیات، احساسات
و غرایز نوده ها سوار میسده اند و اسطوره های
مدهی را سمدانند و سولوی و تفکر سوده همسا
سوی مافع طبقاتی خوبین کاتالیزه میگردانند.
در میان اسطوره های مذهبی، سی سکا شخصیت
ها نی خون مسخ، ساروشن و حسین بن علی
سی مانندند.

نوده ها این شخصیتها را ختان برورا سده اند
که میتوان روحیات نوده ها را در سب غبار قرنهای
کهنکی بروشنی و وضوح دید، این شخصیتها
غرایز طبقاتی نوده ها را سمان آشکار میکنند
از آن مهتر، میتوان آنچه را که در این اسطوره ها
برای طبقات استمارگر مخفی و افغ مسنده است،
بروشنی و واضع دید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست